| تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ |

تحلیل مبادی غیرمعرفتی فعل در قالب رویکرد مدل‌های مفهومی (بر مبنای آرای صدرالمتألهین)*

مهران رضایی

نویسنده مسئول؛ مدرس دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری حکمت متعالیه در دانشگاه اصفهان

rezaee.mehran@gmail.com

حسین هوشنگی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

h.hooshangi@yahoo.com

زهـــرا تبـــرایی

کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در دانشگاه مازندران

tabarraei.zm@gmail.com

چکیده

بحـث از «مبادی غیر معرفتی فعل انســان» در حوزه «فلسـفه فعل»، از خلال آثار ملاصدرا، می‌تواند قدمی نو و اساسـی در راستای حضور فعال فلسفه اسلامی در گسـتره مسـائل جدید باشد. مسـئلهٔ خاص این پژوهش آن است که چه مبادی غیرمعرفتی‌ای در افعال انسان تأثیر دارند و نقش هرکدام از این مبادی و روابط آن‌ها با یکدیگر و با قوای ادراکی چگونه تبیین می‌گردد؟

* بخش‌هایی از این مقاله از پایان‌نامه کارشناسـی ارشـدِ نویسندهٔ مسـئول، در دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام گرفته شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بر مبنای تحلیل آرای ملاصدرا، در این پژوهش، به‌تناسب حجم مقاله، هفت مورد از مبادی غیرمعرفتی افعال انسان بررسی گردید: ۱. **عشق؛** سبب طلب و صدور فعل است و درنتیجهٔ فرآیندِ عشق‌ورزیدن، نفس عاشق تحول و صیرورت می‌یابد و سپس صدور فعل به‌دلیل اتحاد با نفس معشوق صورت می‌گیرد؛ هم‌چنین در اسلوبی دیگر صدور فعل از عاشق به‌دلیل مطلوب دانستنِ تشبّه به معشوق و در نهایت، به‌نوعی محرک اصلی تمام افعال است؛ ۲. **ملکات نفسانی؛** بین افعال و ملکات رابطه‌ای دیالکتیک وجود دارد که البته اشتدادپذیر است؛ ۳. **خواطر؛** از سنخ دواعی و محرکات اراده‌اند و به‌تبع، از مقدمات افعال انسانی؛ ۴. **گناه؛** سبب صدورِ با واسطهٔ افعال مختلف به‌دلیل ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب، دریافت خواطر شیطانی و مانع و نقص معرفتی است؛ ۵. **تعصب؛** عامل صدور افعال به‌دلیل شکل‌گیری تصورات و تصدیقاتِ هم‌سنخ با خود؛ ۶. **عادت؛** با ضمیمه‌شدن به تخیل با ایجاد نوعی لذت خیالی مبدأی بسیاری از افعال است؛ ۷. **طبیعت؛** مبتنی بر تعریف حاصله، مشتمل بر هر فعلی که ملائم با طبع باشد و فاعلش، علم مؤثر بر فعل نداشته باشد؛ همچون تنفس، ضربان قلب، افعال نباتی، مزاج و... .

کلیدواژه‌ها: فعل، مبادی، غیرمعرفتی، ملاصدرا، عشق، ملکات، خواطر، تعصب، عادت.

مقدمه

«فعل» در زندگی انسان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. انسان در راستای رفع نیازهای طبیعی و غیرطبیعی، تحقق نیات و تحصیل مطلوبات خویش، ناگزیر از توسل‌جُستن به افعال است؛ همین مطلب، مبنای حضور پررنگ «فعل» و جایگاه ویژه آن در تمام زندگی انسان است. چنین ضرورتی، ما را به سمت ایجاد مطالعات منسجمی در حوزه «فلسفه فعل» سوق می‌دهد؛ و این مهمی است که در سنت فلسفه اسلامی مغفول مانده و کمتر بدان پرداخته شده است.۱ در فلسفه غرب نیز، بحث‌های نوپایی حول «Philosophy of Action» شکل گرفته است که البته

۱. در نوشته‌های فلاسفه و متفکران اسلامی، به‌صورت مستقل، اثری به بحث «فلسفه فعل» اختصاص داده نشده است؛ پیرامون مبادی افعال انسان، مطالب پراکنده‌ای (غالباً ذیل عناوین اصلی دیگری همچون شمول قدرت خدا، قضا و قدر، جبر و اختیار انسان و...) نگاشته شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

در ابتدای گسترش و توسعه است.[1]

بحث از «مبادی غیرمعرفتی فعل انسان» به‌عنوان یکی از مسائل جدیدِ قابل‌طرح در مباحث تطبیقی و حوزه «فلسفه فعل»، از خلال آثار حکیم متأله، ملاصدرا (به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه اسلامی) می‌تواند مُفتح بابی جدید در فلسفه و هم‌چنین قدمی نو و اساسی در راستای حضور فعال فلسفه اسلامی در گستره مسائل جدید باشد. نتایج حاصل از آن نیز به اقتضای نیاز، در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قابل بهره‌گیری تطبیقی خواهد بود.

مسئلهٔ مورد بررسی در پژوهش حاضر این است که بر مبنای آثار ملاصدرا، چه مبادی غیرمعرفتی‌ای در فعل انسان تأثیر دارند و نقش هرکدام از این مبادی در افعال چگونه تبیین می‌گردد؟ در فرآیند صدور فعل از انسان، مبادی غیرمعرفتیِ بسیاری (همچون، ملکات، خواطر، عشق و...) حضور دارند؛ احصای این عواملِ غیرمعرفتی از منظر صدرالمتألهین و تبیین مکانیسم تأثیر آن‌ها در ایجاد افعال، مسئله این پژوهش است. ذیل بحث از مکانیسم تأثیر مبادی غیرمعرفتی، مهم‌ترین مسئله‌ای که باید بررسی گردد رابطهٔ این مبادی با قوای ادراکی (مبادی معرفتی) و سایر مبادی غیرمعرفتی است.

علاوه بر جدیدبودنِ حوزه این پژوهش (فلسفه فعل) در مطالعات اسلامی و هم‌چنین جدیدبودن مسئله خاص این پژوهش (مبادیِ غیرمعرفتی فعل)، از دیگر نوآوری‌های این پژوهش، اتخاذ رویکردی آغازگرایانه در بهره‌گیری از «رویکرد مدل‌های مفهومی» در تبیین مطالب است؛ اشاعه چنین رویکردی در حوزه فلسفه، ابزاری نوین و مطلوب در راستای تبیین و تفهیم مطالب فلسفی خواهد بود.

به اقتضای عنوان و مسئلهٔ پژوهش، مقاله از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول: معرفی رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در فلسفه؛ بخش دوم: مبادی غیرمعرفتی فعل انسان از منظر صدرالمتألهین. در بخش دوم، به بررسی تحلیلیِ هفت مورد از مبادی غیرمعرفتی، پرداخته شده است.

۱. معرفی رویکرد مدل‌های مفهومی (در فلسفه)

تاکنون مدل‌های مفهومی در رشته‌هایی همچون اقتصاد، ریاضیات، مدیریت، علوم رایانه و... مورد توجه بوده است ولی در آثار فلسفی موارد اندکی از بهره‌گیری از این ابزار توانمند را می‌توان

۱. به‌عنوان نمونه:
* Connor &Sandis, ***A Companion to the Philosophy of Action*** - Blackwell Companions to Philosophy.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

احصا نمود. مدعا این اســت که مدل‌های مفهومی همچون یک رویکرد و ابزار فراگیر و یک روش نوینِ تبیینِ مطالب در فلسفه، قابلیت مطرح‌سازی و بهره‌گیری دارد.[1]

در بخش‌هایی از این پژوهش، به اقتضای مطالب، در پی معرفی «مدل‌های مفهومی» به‌عنوان یک «رویکرد و ابزار فراگیر در حوزه فلسفه» هستیم؛ مدل‌های مفهومی با ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند در فلسفه، که عرصه مفاهیم و متون غامض است، زمینه‌ساز بهبود کیفی مطالب گردد.

مزیت‌های بهره‌گیری از این رویکرد در عرصه فلسفه را می‌توان چنین برشمرد؛

الف. شـفاف‌نمودن تبیینات فلسـفی (اغماض آرا و مطالب فلسفی مبیّن ضرورت بهره‌گیری از هر ابزاری در راستای رفع این مشکل است).

ب. آسـان و روان‌نمـودن مکانیسـم انتقـال مطالب به سـایر پژوهشـگران (در راسـتای انتقال دستاوردهای پژوهشی) و متعلمان (در راستای آموزش).

ج. امکان ارائهٔ تصویر جامع و کلی از نظریه‌ها و نظام‌های فلسـفی (با توجه به اینکه آشـفتگی فکری مخاطب و نگارنده از معضلات بنیادین پیشِ روی اندیشه‌هاست، ارائه تصویر جامع و اجمالی از کل نظریه با بهره‌گیری از مدل‌های مفهومی، بسیار مفید می‌نماید).

د. نمودارنمودن خطاها و خلأهای ناآشـکار (با کنارهم‌نهادن پازل‌های یک نظریه و مشاهده آن به‌صورت جامع، خطاها و خلأهایی که به‌صورت معمول و در بررسـی تفصیلی ناآشـکار است، ظاهر می‌گردد).

تحقق فراگیری و توسـعه این امر مهم، نیازمند معرفی، عمومی‌سـازی، استانداردسازی و ایجاد زبان واحد است. پژوهش حاضر، گامی مقدماتی در راستای معرفی و عمومی‌سازی «رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در عرصه فلسفه» است.

۲. مبادی غیرمعرفتی فعل انسان از منظر صدرالمتألهین

در ایـن پژوهـش، مراد از مبـادی، هرگونه عاملی اسـت که به‌نحوی، در ایجـاد و صدور افعال از انسـان تأثیـر دارد. «غیرمعرفتی»، در مقابل «معرفتی» مطرح گردیده اسـت؛ مبادی معرفتی، بر مبادی‌ای اطلاق می‌شـود که معرفت، بی‌واسطه از آن‌هاست که شامل قوای معرفتی انسان (حواس ظاهری، حواس باطنی و قوه عاقله) است.

۱. پیرامون «رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی در فلسفه» در مقالهٔ «فلسفه فعل انسان از منظر ملاصدرا بر مبنای رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی» که در حال چاپ در مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی- اسلامی (با درجه علمی- پژوهشی) است، با تفصیل بیشتری بحث شده است؛ در این مقاله به اختصار به آن اشاراتی می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بـر این اسـاس، غـرض از مبـادی غیرمعرفتی در ایـن پژوهـش، آن علل و عواملی اسـت که تأثیرگـذاری آن‌هـا در صدور افعال، به‌گونه‌ای نیسـت که از آن‌ها، مسـتقیماً معرفت (علم، ادراک، صورت حاصل نزد نفس و...) برای نفس حاصل گردد؛ گرچه محتمل است که از نتیجهٔ تأثیر آن‌ها، صورت علمی حاصل شود و این صورت علمی منشأ صدور فعل گردد.

بر مبنای توضیحات پیشـین و در تلاش برای پاسـخ به مسـئله پژوهش، با جسـت‌وجو در آثار ملاصـدرا، به احصای مواردی از مبادی غیرمعرفتی افعال انسـان نائل گردیدیم که در این پژوهش، به‌تناسـب حجـم ممکن برای مقاله، بررسـی هفت مـورد از آن‌ها، به‌صورت مجـزا و تحلیلی ارائه می‌گردد. در طول بحث، به فراخور، روابط و تأثیرات متقابل این مبادی نیز بررسی شده است.

۲-۱. عشق

«عشـق» از جمله مبادی غیرمعرفتی‌ای اسـت که می‌توان برای افعال انسـان برشمرد. پیرامون عشق و ماهیت آن نظرات، متشتت است و ملاصدرا در اسفار اربعه در تکاپوست تا اقوال مختلف را بررسی نماید. ایشان یکی از این اقوال را نیکو (گرچه مجمل) می‌داند: «إن العشق هو إفراط الشوق إلی الاتحاد» (ملاصدرا، ۱۹۸۱:ج۷، ص۱۷۷)، صدرالمتألهین در ادامه، همین قول را تفصیل داده و بحث خود را بر آن بنا کرده است.

کلیدواژه «شـوق» در ایـن تعریف (و هم‌چنین تعابیر قریب به آنچـه در عبارات دیگر در بحث عشق به کار رفته است) بیانگر نحوه حضور «عشق» در افعال انسان است. ملاصدرا در بیان مراحل صدور فعل از انسان، همواره از شوق به‌عنوان یکی از مبادی نام برده است؛ بدین مضمون که افعال اختیاریِ ما، مسـبوق به مبادیِ مختلفی اسـت که شـوق یکی از این مبادی است (ملاصدرا، بی‌تا: ص۲۳۴؛ ملاصـدرا، ۱۳۶۶/الـف: ج۵، ص۲۲۰-۱۱۹؛ ملاصـدرا، ۱۳۶۰/ب: ص۱۸۹) حلقه ارتباط بدین تقریر است: هرچه از سنخ شوق (یا مبدأیی برای ایجاد آن) در انسان باشد، چنانچه در فرآیند صدور فعل قرار گیرد، با تأکد آن شوق و تعلقِ اراده، قوه فاعله در انسان وارد عمل شده و فعل از انسان ـ منتسب به آن امر ابتدایی ـ صادر می‌گردد.

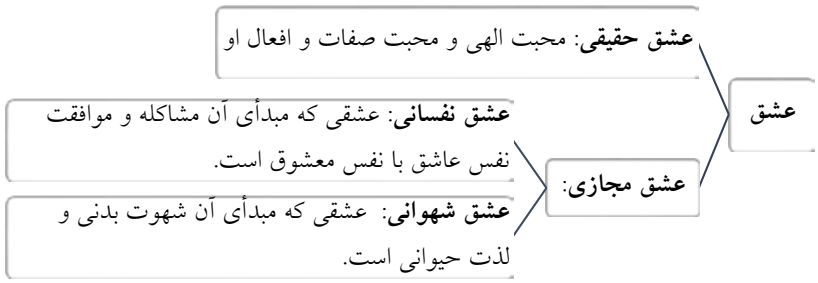
ملاصدرا در مفاتیح‌الغیب، مکانیسم تأثیر عشق را چنین تبیین می‌نماید: «تصور الجمال سبب العشـق والعشق سـبب الطلب أی الإرادة والطلب سبب الحرکة؛ تصور جمال، سبب عشق و عشق سبب طلب (به معنای اراده) و طلب سبب حرکت (فعل) می‌گردد.» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۳۷۷؛ ملاصـدرا، ۱۳۵۴: ص۱۸۴). تصور جمال (که عملی ادراکی اسـت و می‌تـوان آن را اعم از تصور خیالی، وهمی یا عقلی دانسـت) سـبب عشـق (افراط شوق به اتحاد) می‌شـود، که ادامه این شوق

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

مفرط، منجر به اراده و در نهایت صدور فعل می‌گردد.

آنچه تاکنون تقریر شـد یک بیان از مکانیسـم تأثیر عشـق بوده اسـت؛ با جسـت‌وجو در آثار ملاصدرا، به مدل‌های دیگری از تبیین مکانیسـم تأثیر عشـق در افعال انسان نائل می‌گردیم. ایشان اقسامی را برای عشق برمی‌شمارد که لازمهٔ هر یک از آن‌ها، حالات و افعالی است که عبارت‌اند از: عشق حقیقی و عشق مجازی (نفسانی و شهوانی).



نمودار ۱: اقسام عشق

منشـأیت عشـق حقیقی برای افعـالِ مؤمنانه و الهی وضـوح دارد؛ همین‌گونه که نتیجهٔ عشـق شـهوانی، صدور افعال شـهوی و لذت‌جویانه (همچون افعال جنسـی و...) اسـت. از اطاله کلام پیرامون این دو قسـم می‌پرهیزیم، اما ملاصدرا در باب عشـق نفسـانی بیانی دارد که ما را به تقریری دیگر از مکانیسم تأثیر عشق رهنمون می‌شود.

ایشـان نتیجهٔ عشـق نفسـانی را اتحاد نفس عاشق با صورت معشـوق می‌داند و در تشبیه آن به بحث اتحاد عاقل و معقول، بیان می‌دارد که اتحادی بین عاشـق و معشـوق حاصل می‌گردد که این اتحاد، «صیرورت و گردیدن نفس عاشـق است به شـخصی که با صورت معشوقش اتحاد دارد» و این پس از تکرار مشـاهدات و نظرافکندن‌های بسیار و فکر زیاد و یادآوردنِ شکل و شمایل معشوق اسـت، تا آنکه صورتش متمثّل و حاضر شـده است و ذات عاشق را درنوردیده و نقش‌پذیر می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۷، ص۱۷۷).

این بیان مشـیر و تبیین‌کنندهٔ مکانیسـم تأثیر این پدیده شگرف (عشق نفسانی) است که چگونه شـخص عاشـق، افعال و سکناتش همچون معشـوق می‌گردد؛ شـاید در این مورد بتوان به تعبیری عرفی تمسک جست که نفس فرد عاشق، در نتیجهٔ فرآیند عشق‌ورزیدن، همچون «روگرفت (کپی) برابرِ اصلِ معشـوق خود» می‌شـود؛ درنتیجه با «صیرورت و گردیدن نفس عاشـق به شـخصی که

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بـا صورت معشـوقش اتحاد دارد» (یکی‌شـدن صورت‌هـا)، همان احوال و افعالی که در معشـوق مشاهده می‌گردد، از عاشق نیز صادر می‌گردد.

باید مطمح نظر داشت که این بیان از عشق، فراتر از تقریری است که عموماً در مباحث فلسفی از عشق در بحث حرکت افلاک (که البته قابل تسری به دیگر موجودات نیز هست) صورت می‌گیرد. در مبحث توجیه حرکت دوری افلاک، عشـق، سبب مطلوب‌دانستن تشبّه به معشوق است و نتیجهٔ این «مطلوبیت تشـبّه»، صدور افعالی همچون افعال معشـوق خواهد بود (البته چنین صدور فعلی از عاشـق بر مبنای «مطلوبیت تشـبه به معشـوق»، به‌نوبهٔ خود قابلیت آن را دارد که به‌مثابهٔ یکی از مجاری تأثیر عشق در افعالِ بعضی عشّاق برشمرده شود).

در این شکل از تأثیرپذیری، در واقع، عاشق، افعال خود را کپیِ افعال معشوق می‌نماید (از باب مطلوبیت تشـبّه به ظاهر و افعال معشـوق) و البته این در حالی اسـت که در نوع پیشین (صیرورت نفس عاشق)، نفس عاشق نوعی تحول جوهری می‌یابد و خودِ «نفس عاشق» کپی «نفس معشوق» می‌گـردد که نتیجـه چنین تحول جوهری‌ای، صدور افعالی یکسـان اسـت. تأمـل در این تفاوت، روشنگر اختلاف اساسی سطح این دو مطلب خواهد بود که تفصیل سخن در این مجال نمی‌گنجد.

ملاصدرا در اختلاف مردمان در محبوبات (معشـوقات) بر مبنای رتبهٔ وجودی و خصلت‌هایی کـه واجد آن هسـتند، به‌نحوی‌دیگر، به تبیین حضور عشـق در افعال انسـان اشـاره دارد. او نفوس آدمیـان را در چهار رتبه دسـته‌بندی می‌کند: بهائم (با نفس شـهوی)، درنـدگان (با نفس غضبی)، شیاطین و فرشتگان. بر مبنای این قاعدهٔ کلی که «محبوب هر یک، چیزی است که همانند و مشابه او باشـد»، به بیان حالات و افعال این نفوس می‌پردازد؛ این حالات عبارت‌اند از: نفس شـهوانی؛ پیوسـته به‌دنبال شهوات و لذات بودن، عاشـق خوردن و نزدیکی‌کردن است. نفس غضبی؛ ریاست بر غیر خودش و انتقام‌گرفتن از کسـی که به او آزاری رسـانده اسـت و عاشـق قهر و غلبه و انتقام. نفس شیطانی؛ مکر، خدعه‌گری، تظاهر به زهد و پنهان‌کردن حقایق است، لذا پیوسته عاشق مکر، وسوسـه، نویدهای دروغ و آرزوهای باطل اسـت. نفس مَلَکی؛ شناختن حقایق آن‌گونه که هستند، ایمان به خداوند و فرشـتگان و کتب و رُسـلش، زهد در دنیا و...؛ لذا ایشـان عاشـق معارف الهی و بـودنِ با خدا، مسـرور و خوشـحال به یاد خدا هسـتند. این صفات جز در مـردان خاص خدا که به منزلهٔ فرشـتگانی مقرب و رسـولان مکرم‌اند یافت نمی‌شـود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج۷: ص۱۸۴-۱۸۵). در این موارد به‌وضوح می‌بینیم که عشق در هر یک از این نفوس، منشأ صدور افعالی مشابه آن می‌گردد. بر مبنای توضیحات پیشـین، افعال بسـیاری از افراد مختلف انسانی قابل تبیین است. جدول زیر یاری‌رسان تبیین افعال خواهد بود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

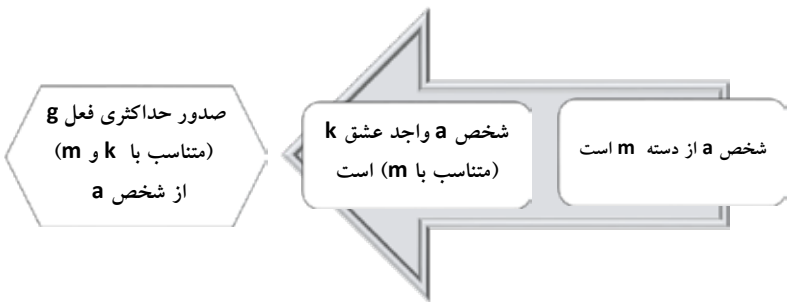
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

دسته	نفس مربوطه	حالت و ویژگی این دسته	عشق متناسب با این دسته	افعال متناسب
بهائم	نفس شهوی	پیوسته به‌دنبال شهوات و لذات	عاشق خوردن و نزدیکی‌کردن	***
درندگان	نفس غضبی	ریاست بر غیرخود و انتقام‌گرفتن	عاشق قهر، غلبه و انتقام	***
شیاطین	نفس شیطانی	مکر، تظاهر به زهد و پنهان‌کردن حقایق	عاشق مکر، وسوسه، نویدهای دروغ و آرزوهای باطل	***
فرشتگان	نفس مَلَکی	شناختن حقایق آن‌گونه که هستند، ایمان به خداوند و...	عاشق معارف الهی	***

البته در این دسته‌بندی، این نکته باید لحاظ گردد که این شکل دسته‌بندی، متناسب با حال انسان‌هایی است که به دلایل مختلف، یک نفس بر این‌ها سیطره می‌یابد؛ در این بین، بسیاری از انسان‌ها، منحصر در یک دسته نیستند بلکه در چند دسته از این موارد جای می‌گیرند؛ به‌همین‌دلیل است که افعال متناسب با دسته‌های مختلفی از این‌ها مشاهده می‌شود، که به‌نوعی تعارض درونی این افراد اشاره دارد.

مدل۱: مدل مفهومی تبیین نحوه منشأیت عشق برای افعال (بر اساس یکی از تقریرات)

a:	فرد انسانی (فاعل)
m:	دسته‌ای که a به آن تعلق دارد (بهائم، درندگان، شیاطین و فرشتگان)
k:	عشق متناسب با دسته m (متناسب با هرکدام از دسته‌های چهارگانه)
g:	افعال متناسب با این دسته و عشق آن



[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

در پایـان ایـن بخش، می‌تـوان نگاهی حداکثری به جایگاه عشـق در افعال انسـان داشـت. با درنظرگرفتن اینکه هرچه وجود دارد بهره‌ای از عشـق برده است و تمام افعال خود را مبتنی بر عشقی که دارد انجام می‌دهد، و این نکته که در انسان، تمام افعال، منتسب به نفوس نباتی، حیوانی و ناطقه اسـت، به این نتیجه رهنمون می‌شـویم که در تبیینی حداکثری، در گسـترهٔ وجودی انسـان، محرک اصلی تمام افعال، «عشق» است.

توضیح آنکه، به‌عنوان نمونه ملاصدرا در باب نفس نباتی بیان می‌دارد که قوای نباتی سـه رئیس دارد: قوه تغذیه، قوه تنمیه و قوه تولید؛ لذا عشـقی که خاص قوای نباتی اسـت سـه می‌باشـد، یکی از این سـه عشـق، اختصاص به قوه مغذیه دارد و آن [آن عشـق] مبدأی شـوق قوه مغذیه به حضور غذا، هنگام نیاز بدان اسـت. ایشـان بر همین اسـلوب حضور عشـق را در قوای دیگر نفس نباتی و همین‌گونه، قوای نفس حیوانی و ناطقه و افعال منتسب بدان‌ها تشریح می‌نماید (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۷، ص۱۶۶-۱۶۵).

۲-۲. ملکات نفسانی

صدرالمتألهین در بحث از مقولهٔ کیف، در برشـمردن انواع کیفیات، چهار قسـم را برمی‌شمارد که یکی از اقسـام آن، «کیفیات نفسـانی» است. کیفیات نفسانی، به‌نوبهٔ خود به دو قسم «ملکات» و «حالات» تقسـیم می‌شوند؛ «کیفیات نفسانی» اگر راسخ و نافذ نباشند، «حال» نامیده می‌شوند و اگر راسخ و نافذ باشند «ملکه».[۱] (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۴، ص۱۱۰).

با بررسـی آثار ملاصدرا می‌توان به‌نوعی «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسـانی و افعال» انسان نائل گردید؛ بدین‌گونه که افعال، عامل ایجاد ملکات نفسـانی‌اند و در ادامه، همین ملکات، منشـأ صدور افعالِ نوپدیدی از انسان می‌گردد.

در تبیین بخش ابتدایی این مدعا (افعال عامل ایجاد ملکات هستند) بیان می‌گردد که هنگامی‌که شخص کاری را انجام دهد یا سخنی بگوید، اثری از آن در نفس مدتی باقی می‌ماند؛ در این میان، چنانچـه افعال و گفتار تکـرار بپذیرند، پی‌درپی در نفس اثر می‌گذارند و (بـه تدریج) آثار آن‌ها در نفس مسـتحکم می‌گردد و احوال، به‌صورت ملکات درمی‌آید (ملاصدرا، ۱۳۶۰/ الف: ص۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص۲۴۶).

۱. تعاریـف مشـابه و توضیحـات تفصیلی‌تـر، در آثار فلاسـفه متقـدم موجـود اسـت: رازی،۱۴۱۱: ج۱، ص۳۱۹؛ ابوالبرکات، ۱۳۷۳: ج۳، ص۱۸.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

به دیگر سـخن، «ملکه» صفت راسخ در نفس است؛ به‌واسطهٔ افعالی که انسان انجام می‌دهد، برای نفس، هیئتی حاصل می‌گردد؛ به این هیئت حاصله، کیفیت نفسـانی گفته می‌شـود. چنانچه نفس آن را تکرار نماید، تا بدان حد که این هیئت در نفس، راسخ و بطیء‌الزوال گردد، ملکه می‌شود (جرجانـی، ۱۳۷۰: ص۱۰۱). ملاصـدرا می‌گوید «إن تکرار الأفاعیل یوجـب حدوث الملکات؛ تکرار افعال، سـبب وجوب حدوث ملکات اسـت» (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ص۲۶۰)؛ یعنی، ملکات نتیجه تکرار افعال است.

تا این مقام از بحث، در پی تشـریح بخش اولِ «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسـانی و افعال» بوده‌ایـم؛ اما طـرف دیگر این رابطه (که ملکات، منشـأ صدور افعالِ نوپدیدی از انسـان می‌گردد) این‌گونه تبیین می‌شـود که ملاصدرا ملکات (کیفیات نفسـانی‌ای که به‌تدریج شدت یافته و راسخ و اسـتوار گشته‌اند) را صورت نفسـانی می‌داند که مبدأی آثار مختص به خود است؛ لذا به سبب آن، افعال متناسـب با آن‌ها، به سـهولت و بدون فکر و تأمّل، صادر می‌شـود. به‌عبارت‌دیگر، اشتداد در کیفیت، منتهی به حصول صورت جوهری می‌گردد که خود مبدأیی برای افعال و آثار می‌شود؛ مانند حرارت ضعیف در ذغال که چنانچه اشـتداد بیابد، صورت آتشی می‌شود که می‌سوزاند (ملاصدرا، ۱۳۶۰/ الف: ص۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص۲۴۶).

در بیان ویژگی «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» ۳ نکتهٔ حائز اهمیت وجود دارد:

اول: مراد از تکرار افعال، صرفاً تکرار «یک فعل خاص» نیسـت و غلبه چنین تصوری در بحث حاضر خطاسـت، بلکـه مراد، تکرارِ افعالی (یا فعلی) اسـت کـه به‌دلیل ویژگی‌ای مشـترک، تأثیر مشـترکی را بـر نفـس دارد و درنتیجه هیئت واحـدی را در نفس ایجاد می‌نمایند؛ بـا تحقق و تکرار «افعال مشـترک در یک ویژگیِ واحد»، یک هیئت نفسـانی شـدت می‌یابد و به تدریج با استحکام آن، ملکه‌ای نفسـانی، متناسـب با آن‌ها، حاصل می‌گردد. به‌عنوان مثال، فردی را در نظر بگیرید که در پنج موقعیت، خشـم خود را کنترل نکرده یا زود عصبانی شـده است؛ در سه موقعیتِ دیگر، وارد درگیری لفظی شده است؛ در دو موقعیت دیگر به‌دلیل عصبانیت، وسایل منزل را شکسته است و در هشت موقعیت دیگر، به شکل‌های مختلف، با والدین خود ناسازگاری داشته است و... ؛ این افعال مختلف، در ویژگیِ «تندخویی» مشترک بوده‌اند؛ نتیجهٔ تکرار این افعال، تشکیل ملکه «تندخویی» در این فرد است.

دوم: این رابطه دیالکتیک، فوق‌العاده اشـتدادپذیر است؛ یعنی به سهولت قابلیت این را دارد که بر اسـاس تکرار زیادِ «افعالی با ویژگی مشـترک»، یک ملکه، رسوخ و نفوذ بیشتری بیابد و از سوی دیگر با راسخ‌تر شدن یک ملکه، افعالِ نوپدیدِ شدیدتری (با شدت و حدّت بیشتری نسبت به قبل)

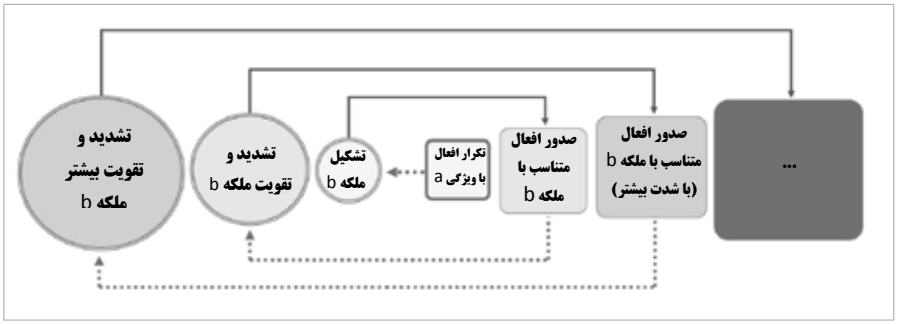
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

از همان فرد، صادر گردد. در ادامه همین سِیر، با صدور افعال شـدیدتر، آن ملکه نیز رسوخ و نفوذ بسیار بیشتری یافته است و پس از آن، افعال نوپدیدِ به نسبت شدیدتری (در مقایسه با مراحل قبل)، از فرد صادر می‌شود.

سـوم: در موارد بسـیاری، بعد از تشـکیل یک ملکه، افعال بدون فکر و اندیشه صادر می‌گردند یـا اینکـه فرد، زمان کمتری برای تفکر و تعقل پیرامون آن فعل، اختصاص خواهد داد؛ یعنی اگر فرد در شـرایط متناسـب با بروز آن ملکه (به شـکل افعال) قرار گیرد، دیگر مسیر تأملی و تفکری را طی نخواهد کرد (یا اینکه به سـرعت و اجمال آن را طی می‌نماید)؛ به‌همین‌سـبب، جوانب مختلف را نخواهد سـنجید و به سـرعت تصمیمی را اتخاذ می‌کند و فعل (متناسـب با ملکه مورد نظر) از او صادر می‌شـود؛ برای مثال، افرادی که واجد «ملکه تندخویی شـدید» هسـتند، اگر در شرایط نزاع قرار گیرند، به سـرعت، عکس‌العمل فیزیکی نشـان می‌دهند و مشـغول ضرب و شتم یا... خواهند شـد؛ درصورتی‌که چنانچـه فرصتی برای تأمل و تفکر اختصاص داشـتند و به عواقب تصمیم خود بیشـتر می‌اندیشـیدند، تصمیم دیگری می‌گرفتند. این نکته، جایگاه بسـیار با اهمیتِ ملکات را در تصمیم‌گیری‌ها نمایان می‌کند؛ منشـأ بسـیاری از تصمیم‌های ما، تفکر و تأملِ عمیق و بررسی همهٔ جوانـب انتخاب‌ها نیسـت، بلکه ملـکاتِ حاکم بر وجود ما (که پیش از ایـن در عرصه وجودی ما تشکیل یافته و احیاناً تقویت و تشدید شده‌اند)، تعیین‌کنندهٔ تصمیم‌ها و انتخاب‌های ما هستند.

مدل ۲: مدل مفهومی رابطه دیالکتیک ملکات نفسانی و افعال انسانی

a:	ویژگی مشترک افعال (که منجر به تشکیل ملکه واحده می‌شود).
b:	ملکه متناسب با افعال مشترک در ویژگی a



[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ملاصدرا بیانی دارد که منشـأییت ملکات برای افعال انسـان را مسـتحکم‌تر می‌نماید؛ ایشـان مجـرای ایجاد ملکه صنایع و مکاسـب علمی و عملی را بر اسـاس «رابطـه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» تعریف می‌کند؛ وی مفاسدِ نبودِ ملکات را چنین برمی‌شمارد که چنانچه انسان‌ها ملکات نداشـتند، دیگر برای هیچ انسـانی، اکتسـاب هیچ صنعت و حرفه‌ای (و هیچ صفت علمی و عملی‌ای) ممکن نبود؛ هم‌چنین تأدیب و تعلّم برای کسـی سـودمند نبود و البته دیگر تمرین‌دادن کـودکان برای اعمال، هیچ فایده‌ای نداشـت (ملاصـدرا، ۱۹۸۱: ج۹، ص۲۹۰-۲۹۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/ الف: ص۲۰۲؛ ملاصدرا، ۱۳۷۵: ص۲۴۶). روان‌شناس روسی، لِو سمنویچ ویگوتسکی، ملکه‌شدن فعل را با عنوان «درونی‌شدن» مطالعه کرده است و آن را فرآیند تبدیل تدریجی تجربه‌ها یـا فعالیت‌های اجتماعـی بیرونی، به فرایندهای عالی ذهنی تعریف کرده اسـت (سـیف، ۱۳۹۴: ص۱۰۳). وی معتقـد بود که کودکان بعد از درونی‌کردن، می‌توانند برای هدایت‌کردن فکر و اعمال خودشان و فراگیری مهارت‌های جدید از زبان درونی‌شان استفاده کنند (برک، ۱۳۸۳: ج۱، ص۴۰).

از مباحث دیگری که مبین «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» است، مواردی است که ملاصدرا (در آثار مختلف)، به بررسی مثال‌های گوناگونی از ملکات و جوانب آن‌ها می‌پردازد؛ می‌توان یکایک آن‌ها و نحوهٔ مبدأییت آن‌ها برای افعال انسـان را بررسـی نمود که البته در این مجال نمی‌گنجد؛[1] اما به‌عنوان نمونه، به بررسی اجمالی بعضی از آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از اقسـام ملکات، خلقیات اسـت که خود اقسامی دارد: فضیلت و رذیلت. هرکدام از این اقسـام، به‌نوبهٔ خود، اقسامی دارند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۴، ص۱۱۴-۱۱۵). منشأ این خلقیات (که جزءِ ملکات هسـتند)، تکرار افعال اسـت؛ در ادامه فضائل نفسانی و اخلاق انسانی «مبادی افعال حسـنه» هسـتند؛ صدرالمتألهین در برشماری فضائل انسانی، سـه صفت را به‌عنوان رئوس فضائل انسانی برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

ملکه (خلق‌وخو)	مربوط به قوه	توضیح
شجاعت	غضبیه	از آن، افعال متوسط بینِ افعال تهور و جبن (ترس) صادر می‌گردد.
عفت	شهویه	از آن، افعال متوسط بینِ افعال فجور (تبهکاری) و خمود (خاموشی و بی‌تفاوتی) صادر می‌گردد.

۱. ملاصدرا بیان می‌دارد که تحت ملکه و حال، انواع نامحصور بسـیاری مندرج اسـت اما آنچه در کتاب‌های این فن آمده، اندک است؛ در کتاب‌های صوفیان، حدود ۷۰۰ نوع برشمرده شده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۴، ص۱۱۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

حکمت[1]	مدبره	از آن، افعال متوسط بین افعال جربزه و غباوت (بلاهت، کودنی) صادر می‌گردد.

مجموع این صفات «عدالت» است. هر یک از این ۳ صفت، ۲ طرفِ افراط‌وتفریط دارند که رذیلت است؛ هرکدام از این رذائل نیز منشأ یک‌سری از افعال متناسب با خود هستند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۴، ص۱۱۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۶۹۱).

تدقیق در «رابطه دیالکتیک بین ملکات نفسانی و افعال» می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی بسیاری با روان‌شناسی جدید بشود.

۲-۳. خواطر

«خطور» عبارت است از حرکت نفس برای تحصیل دلیل و در حقیقت عبارت است از «خطور به قلب» و «حضور نزد نفس» (ملاصدرا،۱۹۸۱: ج۳، ص۵۱۷؛ سجادی، ۱۳۷۹: ص۲۲۵)؛ «خاطر» آن ادراکاتی است که بر نفس عارض می‌گردد، چه متجددالحصول باشد و چه یادآوری یا بازگرداندن (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۱۵۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج۱، ص۲۴۵).

صدرالمتألهین، وجه تسمیه این نوع افکار و یادآوری‌ها به خواطر را این می‌داند که این ادراکات، پس از آنکه قلب از آن‌ها غافل و بی‌خبر بوده است، به خاطر گذر می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۱۵۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب، ج۱: ص۲۴۵).

برای خواطر انواع مختلفی برشمرده شده است؛ مناط و نتیجهٔ تقسیم‌بندی، برای خواطر متفاوت است؛ رایج‌ترین آن‌ها تقسیم خواطر به «الهام‌ها» و «وسواس‌ها» است.[1] در این شکل تقسیم، الهام (خاطر محمود) داعی بر خیر و نیکی است و وسواس (خاطر مذموم)، داعی بر شر و بدی (ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج۱: ص۲۴۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۱۵۴).

ملاصدرا با یادآوریِ اینکه هر پدیدهٔ تازه‌ای به علت و سببی نیاز دارد، وارد بحث از مبدأی الهام و وسواس می‌گردد. ایشان مبدأی الهام را غیر از مبدأی وسواس می‌داند؛ «فرشته» (ملک) مبدأی خاطری است که داعی به‌سوی خیر و نیکی است و «شیطان» مبدأی خاطری که داعی به‌سوی شر و بدی است (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/الف: ج۵، ص۲۲۷).[2]

۱. این حکمت از نوع اخلاق و اوصاف است نه از نوع علوم و معارفی که به حکمت عملی و حکمت نظری منقسم می‌گردند؛ این ۲ قسم از حکمت به‌خصوص قسم اخیر (حکمت نظری) هر اندازه زیادتر گردد، فضیلتش بیشتر است (ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۵۱۵؛ مصلح، ۱۳۸۹: ص۳۰۰).

۲. ملاصدرا در طول بحث، به حدیث نبوی اشاره داشته است که: «فی القلب لمتان: لمة من الملک إیعاد بالخیر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

با این تقریر، «الهام» داعیِ انسان برای انجام افعال خیر و «وسواس» داعی به سمت انجام افعال شر است. نکتهٔ اساسیِ تبیین‌گرِ حضور و تأثیر خواطر در افعال انسان، همین مسئله است که خواطر از سنخ دواعی است؛ زیرا اراده در ما شوق مؤکدی است که در ادامهٔ داعی حاصل می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۱۳۵)

صدرالمتألهین خواطر را جزءِ محرکات اراده و به‌تبع مقدمات افعال انسانی برمی‌شمارد؛ به این تبیین که نیت، عزم و اراده بعد از آن است که مَنوی (آنچه مقصود و مطلوب است) در قلب آمده باشد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۲۰۰)؛ این منوی، همان خاطر است. در تقریری تفصیلی این‌گونه می‌توان بیان داشت که خواطر با چند واسطه سبب صدور افعال می‌گردند؛ خاطر رغبت را تحریک می‌کند و رغبت محرک عزم است، عزم، نیت را تحریک می‌کند و نیت محرک قدرت است و در نهایت، قدرت، اعضا را برای حرکت تحریک می‌نماید (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۲۰۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶/ب: ج۱، ص۲۴۵).

در تشریح نحوهٔ حضور الهام‌ها و وسواس‌ها در افعال انسان، ملاصدرا مجرای اصلی تأثیر الهام و وسواس را هنگامی می‌داند که شخص در جزم و قطع علمی و تصمیم‌گیری برای ترجیح انجام فعل یا ترک آن، دچار جهل و نادانی یا شک و دودلی می‌گردد. در این صورت، نسبتش به دو طرف، برابر و یکسان باقی می‌ماند و توانایی انجام فعل یا ترک آن را ندارد و همین‌گونه مردد و در میان آن دو (عمل یا ترک) در کشاکش می‌ماند تا آنکه در نهایت، شخص یکی از دو طرفِ فعل (عمل یا ترک) را بر دیگری برتری می‌دهد و آن را محقق می‌نماید. این برتری لزوماً سببی نو و حادث داشته است؛ حال، چنانچه این طرفِ برتری‌یافته، از امور عقلی و نیکو (یا آنچه در آخرت سودآور) باشد سبب آن امری روحانی است[1] که فاعل خیر و نیکویی است (و هرچه این‌گونه باشد) آن را فرشته می‌نامیم و چنانچه طرفِ برتری‌یافته، شر و زشت (یا زیان‌آور در آخرت) باشد، به نام شیطان نامیده می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۱۵۵-۱۵۶).

ملاصدرا معتقد است که به خاطر سنخیتی که شیطان با «وهم» و ملک با «عقل» دارد، انسان به‌واسطهٔ قوهٔ واهمه خود با شیطان ارتباط برقرار و خواطر شیطانی را درک می‌کند و به‌وسیله قوهٔ عاقله با

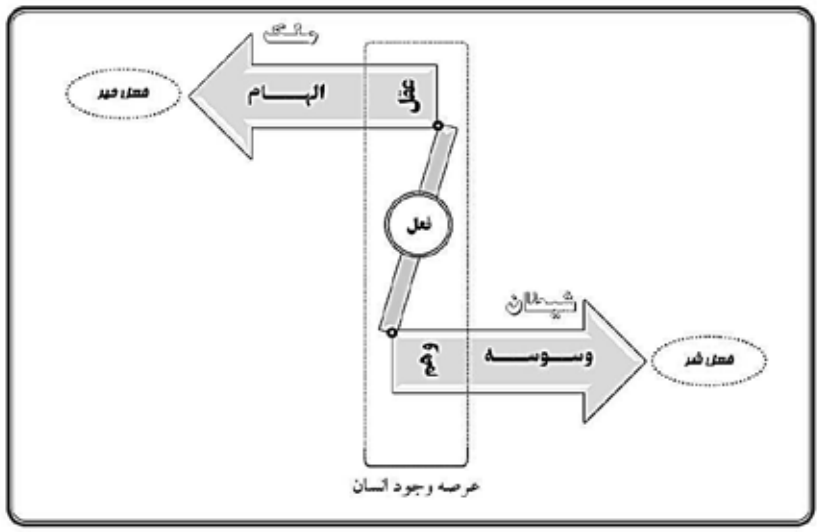
و تصدیق بالحق، و لمة من العدو إیعاد بالشر و تکذیب بالحق و نهی عن الخیر» (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۲۰۲)؛ قریب به همین مضمون، احادیث دیگری نیز در کتب اسلامی موجود است؛ ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲: ص۳۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص۷۴۸.

۱. زیرا سببِ امر عقلی امکان ندارد که جسم یا عرض در جسم باشد، پس ناچار امری روحانی است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۱۵۵-۱۵۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ملائکه مرتبط و قادر به دریافت خواطر رحمانی می‌شود (اکبری و رضاییان، ۱۳۹۰: ص۵۶- ۵۷).

بر اســاس آثار ملاصدرا در تشــریح نحوهٔ حضور خواطر (الهام و وســواس) در افعال انســان به چنین مدلی رهنمون می‌شویم:



مدل ۳: مدل مفهومی نحوهٔ حضور خواطر (الهام و وسواس) در افعال انسان

در نهایت، مبتنی بر مباحث پیشــینِ پیرامون ملکات نفســانی، به‌نحــوی می‌توان به تأثیرگذاری ملــکات و احوال نفســانی در دریافت الهام یا وسوســه‌ها نیز قائل شــد (به مثابهٔ نکتــه‌ای نو و قابل بحث). صدرالمتألهین، ســبب مبدأییت الهام یا وسوســه در انســان را، اعمال خود انسان می‌داند؛ انســان در نخستین مراحل فطرت و سرشــت، نیروی پذیرش تمام آثار را دارد و خارج‌شدن این آثار از قوه به فعلیت، بســتگی به ممارســت اعمالی دارد که آن اعمال منشــأ احــوال گوناگون برای قلب می‌گردند (یا اعمال نیکی که برای قلب صفا و پاکی و نور می‌آورد و آن را برای پذیرش الهام فرشــته آماده می‌کند یا اعمال زشتی که قلب را تیره و تاریک و آماده پذیرش وسوسه شیطان می‌کند).

بر این اســاس (در افعالی که خواطر نیز در صدور آن‌ها نقش دارند) رابطه‌ای سه‌سویه قابل‌فهم اســت؛ تکرار و ممارست افعال سبب پیدایش ملکات می‌شود، در ادامه متناسب با ملکه ایجادشده و ممارســت در افعال مختلف، زمینه برای دریافت خاطر رحمانی یا خاطر شیطانی فراهم می‌گردد و به تناســب خاطر جدید حاصله، فعل جدید از فرد صادر می‌شــود. در ادامهٔ همین چرخه، تکرار فعل جدید، منشــأ تقویت ملکات پیشین یا تشکیل ملکات جدید می‌گردد و...؛ این‌گونه سیر تطور و تحول ادامه خواهد داشت. بر اساس تبیین، به چنین مدلی می‌رسیم:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]



مدل ۴: مدل مفهومی رابطه سه‌سویه خواطر، ملکات و افعال

۲-۴. گناه

«گناه» از مبادی غیرمعرفتی دیگری است که می‌توان برای افعال انسان برشمرد؛ مبتنی بر آثار ملاصدرا، برای گناه ۳ مجرای تأثیرِ با واسطه در افعال انسان قابل احصاست:[۱]

الف. تکرر و کثرت گناهان، سبب ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب (رذائل) می‌گردد که این ملکات، مبدأی صدور افعال جدید بسیاری خواهد بود.

ب. کثرت گناهان، زمینه را برای دریافت خواطر شیطانی فراهم می‌نماید و خواطر منشأ صدور افعال است (پیش از این، نقش ملکات و خواطر در افعال تشریح شد).

ج. گناه (علاوه بر اینکه بنفسه فعل یا افعالی نامطلوب است)، به‌مثابه یک مانع در مقابل ادراکِ درست است و سبب ایجاد نقص معرفتی و به‌خطاافتادن انسان می‌شود و بر همین اساس، منشأ صدور افعالی نامطلوب می‌گردد. توضیح اینکه، از منظر ملاصدرا، ادراک توسط نفس، منوط به اتصال نفس با عقل فعال و دریافت صور از آن عقل است که گناه در این دریافت اختلال ایجاد می‌کند.

ملاصدرا در مبحث موانع سعادت، بیانی دارد که مدعا را شفاف می‌نماید. ایشان ارتکاب گناهان و پیروی از امیال قوای غضبیه و شهویه را یکی از موانع تحصیل سعادت حقیقی برمی‌شمارد. بدین

۱. بر این مبنا که غالب گناهان خود نیز از افعال هستند می‌توان در پژوهشی مستقل مبادی معرفتی و غیرمعرفتی صدور گناهان را بررسی نمود که انتظار می‌رود نکات بدیعی از آن حاصل گردد؛ در این پژوهش، ذیل مصادیق مختلف، بعضی از مبادی غیرمعرفتی (که در مورد گناه نیز صادق‌اند) برشمرده شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بیان که نفس بعضی از مردم به سبب گناهان (و پیروی از قوه شهویه یا غضبیه و دچارشدن به آفات باطنی همچون مکر و خدعه) دچار تیرگی و کدورت می‌شود؛ همین تیرگی و کدورت نفس، مانع دریافت صور می‌گردد.

در این میان، با ازدیاد این تیرگی، نفس فاسد می‌شود و از دریافت صور به‌کلی ناتوان خواهد بود. در مقام تشبیه، ملاصدرا این مانع را همچون غبار و کدورتِ روی آینه می‌داند که هرچه این غبارها افزایش یابند، مانعیت بیشتری را ایجاد می‌کنند تا جایی که اگر زنگار بر آینه زیاد شود آن آینهٔ زنگ‌زده و از اصل آینه‌بودن می‌افتد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ص۳۶۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰/ب: ص۲۵۴).

هم‌چنین، از باب مشابهت، ملاصدرا در بیان شرایط فهم قرآن، یکی از شرایط را، تطهیر قلب از معاصی می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ص۵۹) و اشاره به آیه قرآن می‌نماید که «لا یمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۸).

در نهایت، گناه با توجه به تأثیری که در ادراک انسان دارد و در آن نقص ایجاد می‌کند، در افعال تأثیرِ با واسطه دارد. به‌عبارت‌دیگر، با وجود مانعِ گناه، برای انسان در ادراک اشکال ایجاد می‌گردد و نتیجهٔ این نقص معرفتی و خطای ادراکی پس از آن، تغییر اراده و نقص در صدور افعال است؛ افعالی که می‌توانست در راستای سعادت انسان باشند درنتیجهٔ این نقص معرفتی به شکل دیگری صادر می‌گردند.

۲-۵. تعصب

منشأ بسیاری از افعالی که از انسان صادر می‌گردد تعصبات است (با اقسام مختلف خود نظیر تعصبات قومی، فرقه‌ای و...). ملاصدرا مراحل صدور افعال را این‌گونه تبیین می‌نماید که ما در افعالمان، نخست آن را تصور می‌کنیم و به فایده‌اش که به ما بازمی‌گردد تصدیقِ ظنی یا جهلیِ خیالی یا عملی می‌کنیم (به اینکه در آن یک نوع منفعتی یا خیری از خیرات حقیقی یا ظنی باشد)؛ از این علم تصوری و این حکم تصدیقی، در ما شوقی به‌سوی آن برانگیخته می‌شود، و هنگامی‌که شوق نفسانی شدت پیدا کرد، اراده نموده و فعل را انجام می‌دهیم (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۶، ص۳۵۴-۳۵۵). در این میان، تعصبات در انسان، عامل شکل‌گیری تصورات و تصدیقات گوناگونی (که هم‌سنخ با آن تعصب‌اند) می‌شود، که برخی از این تصورات و تصدیقات، ایجاد شوق به انجام (یا ترک) فعلی را در پی خواهد داشت؛ در ادامه نیز، چنانچه این شوق مؤکد گردد، اراده و سپس صدور فعل را در پی خواهد داشت.

ملاصدرا تعصب را از سنخ «حجاب» برمی‌شمارد، حجابی از جنس عقاید باطلی که از آغاز

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

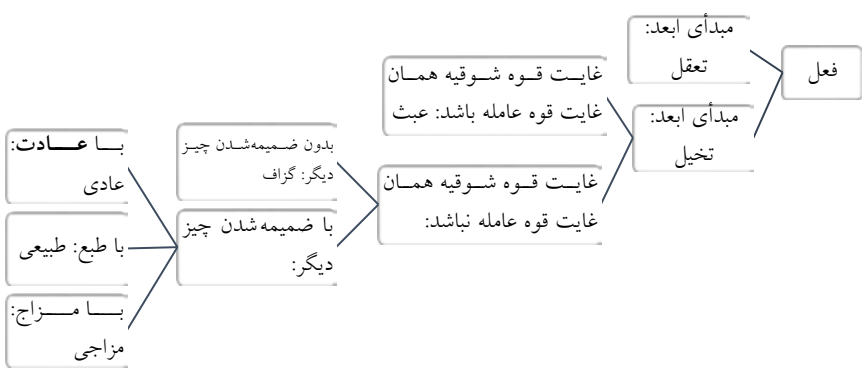
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

تولد فرد، از طریق تقلید، در وی ایجاد شـده اسـت و مانع قبول حق می‌شـود. ایشـان این حجاب را حجابی عظیم می‌داند که بیشـتر متکلمان و متعصبان از مذاهب و حتی بیشـتر صالحان (که در ملکوت سـماوات و ارض تفکر می‌نمایند) گرفتار در تعصبی از جنس تقلید هستند که مانع کشف حقایق می‌شـود. ملاصدرا، شـخص متعصب را مصداق این آیه شـریفه می‌داند: «وَ جَعَلْنا مِنْ بَینِ أَیدیهِمْ سَـدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَـدًّا فَأَغْشَـیناهُمْ فَهُمْ لا یبْصِرُونَ» (یـس: ۹)؛ تعصب همچون دیواری اسـت که بین آینه و صورت حائل شـده اسـت و مانع دیـدن تصویر می‌گردد (ملاصـدرا، ۱۳۵۴: ص۳۶۹؛ ملاصـدرا، ۱۳۶۰/ب: ص۲۵۴). تعصب نوعی طرد و برنتابیدنِ بازنمایی (واکاوی) یک مدعا (مدعای مورد قبول فرد) است (Cola, 1997: 16 preface).

عـلاوه بر این، تعصب مانند گناه در افعال انسـان، تأثیری از سـنخ ایجاد نقـص معرفتی دارد. تعصب به‌دلیل مانعیت در ادراک و تحصیلِ علمِ مطابق با واقع، سـبب به‌خطاافتادن انسـان و انجام افعالی است که مطابق سعادت حقیقی او نیست؛ سعادتی که مبتنی بر انسان‌شناسی ملاصدرا طی مسیر عقلی و علمی، انسان را بدان نائل می‌گرداند.

۲-۶. عادت

«عادت» یکی دیگر از مبادی غیرمعرفتی افعال انسـان اسـت. ملاصدرا تقسـیمات مختلفی از افعال انسان ارائه می‌دهد؛ بر اساس یکی از این تقسیمات (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۹، ص۲۵۱-۲۵۲) به چنین شقوقی می‌رسیم:



نمودار ۲: اقسام افعال

در شقّی که به «فعل عادی» می‌رسیم، اگر تخیل مبدأی اَبعد حرکت باشد (تفکر و تعقل نباشد)، این تخیل گاهی با ضمیمه و گاهی بدون ضمیمهٔ چیز دیگری اسـت. در شـقی که آن امر دیگری که

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ضمیمه تخیل می‌گردد عادت، خلق‌وخوی و ملکه نفسانی باشد آن را فعل عادی می‌گویند؛ مثل بازی با ریش یا تسبیح (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۲، ص۲۵۲). قریب به این مضمون در نظر دانشمندان غربیِ حاضر نیز مشاهده می‌گردد: «عادت‌ها، رفتارهای معمول خودکاری هستند که بدون تفکر (without thinking)، به‌صورت منظم تکرار می‌شوند» (Butler& Hope,2007, 389). هم‌چنین: «زمانی که عادتی ظاهر می‌گردد، مغز مشارکت کامل در فرآیند تصمیم‌گیری را متوقف می‌نماید؛ مغز کار سخت (پیرامون آن عادت) را متوقف نموده یا تمرکزش را متوجه وظایف دیگری می‌کند. بنابراین، در غیر از مواردی که فرد به عمد به مبارزه با عادت می‌پردازد، این الگو (الگوی عادت) به‌صورت خودکار آشکار می‌گردد.» (Duhigg, 2012: 20).

در بیان ملاصدرا، ضمیمه‌شدن عادت به تخیل (بدون تفکر و تعقل)، مبیّن وجود نوعی لذت خیالی در این سنخ افعال است که منشأ تحریک شوق در انسان برای ایجاد چنین افعالی است. بر همین اساس، مکانیسم مبدأییت خیال در افعال انسان با ایجاد نوعی لذت خیالی (هرچند اجمالی و جزئی) تبیین می‌گردد، که همین لذت خیالی می‌تواند منشأ ایجاد شوق و اراده و درنتیجه صدور فعل از انسان باشد؛ به‌عبارتی عادت، مبدأیی برای ایجاد ادراک خیالی می‌گردد، که این ادراک خیالی، منشأ ایجاد شوق و سپس اراده و در نهایت صدور فعل خواهد بود.

طبق این تقسیمِ افعال و مطالب پیشین در باب ملکات نفسانی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در این تقسیم، ملاصدرا تمام افعالی را که در نتیجهٔ خلق‌وخو و ملکات از انسان صادر می‌گردد از نوع افعال عادی می‌داند. این در حالی است که ایشان در بعضی از آثارش، عادت را در کنار ملکات (به‌عنوان قسیم آن و نه به‌عنوان قسمی از آن) نام برده است؛[1] نهایتاً چنین می‌نَماید که در این تقسیم از افعال، نام‌گذاری خاصی صورت گرفته است که افعال ناشی از خلق‌وخو و ملکات، از باب مشابهتی که وجود دارد، ذیل افعال عادی تعریف شده است؛ چنانچه بخواهیم تدقیق نماییم، می‌توان این قسم را نیز به شقوق جزئی‌تری تشقیق نمود.

بسیاری از دانشمندان، همواره تأکید داشته‌اند که در حوزه‌های مختلف تربیتی، از عادت به‌عنوان یک ابزار مطلوب و کارا، بهره برده شود؛ همین تأکید و تبیین آن، از مهم‌ترین مجاری‌ای است که جایگاه عادت را در افعال انسان، نمایان‌تر می‌گرداند.

از نظر علمای تربیتی بخشی از اخلاقیات و فضایل را باید از مجرای عادت در انسان ایجاد

۱. به‌عنوان نمونه: «فالفاعل قد یکون ناقص الفاعلیة تحتاج فی فاعلیته إلی ملکة أو عادة أو آلة؛ فاعل ممکن است از نوع فاعل‌های ناقص باشد که در فاعلیت خود احتیاج به ملکه یا عادت یا آلت دارند.» (ملاصدرا، بی‌تا: ص۱۶۲).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

نمود. بر این اساس است که اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت بگیرد و گفته می‌شود: «تربیت فن تشکیل عادت است» (بیابانگرد، ۱۳۷۵: ص۶).

از منظر فارابی کسب اخلاق نیک و فضیلت‌مند (به‌رغم کشش طبیعی) جز در پرتوی «عادت» حاصل نمی‌گردد؛ اخلاق اساساً با «عادت و تمرین» شکل می‌گیرد. وی حالات نفسانی را تا وقتی که به‌وسیلهٔ عادت، به شکل خصلت ثابتی در جان آدمی‌درنیاید، «فضیلت» نمی‌داند (ایمانی و بابایی، ۱۳۸۷: ص۹۶).[۱]

۲-۷. طبیعت

از خلال آرای صدرالمتألهین، «طبیعت» از دیگر مبادی غیرمعرفتی افعال انسان است. «طبع» (با سکون عین‌الفعل) در لغت به معنای «ختم» است.دو کلمه طبیعت و مشتقات آن در فلسفه بسیار به کار برده شده و معانی متعددی برحسب موارد استعمال برای آن ذکر گردیده است؛ دو استعمالات گوناگون از واژه طبیعت در آثار ملاصدرا نیز مشاهده می‌گردد. دو تدقیق در چیستیِ افعال طبیعتی در انسان و مقایسه تحلیلی تعاریف گوناگونِ ذکرشده، ما را به نکاتی بدیع در راستای تعیین مصادیق افعال طبیعی و تبیین جایگاه حقیقی طبیعت در افعال انسان رهنمون می‌شود. در همین راستا، سه بیان، با یکدیگر مقایسه می‌گردد:

بیان ۱: طبق تقریر ملاصدرا در توضیح اقسام حرکت، حرکت طبیعی آن قسمی است که حرکت در خود شیء موجود است (بالذات باشد، نه در امر دیگری مقرون با آن)، و سبب حرکتش نیز موجود در خود آن است (از خارج نیست) و شعور ندارد (اگر شعور داشته باشد، حرکت نفسانی است) (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۳، ص۲۱۱). بر این اساس، هر حرکتی که این سه مؤلفه در آن محقق باشد، حرکت طبیعی می‌نامیم.

بیان ۲: ملاصدرا در توضیح اقسام شش‌گانه «قادر»، در تعریف بالطبع می‌گوید: «و هو الذی یفعل بطبعه الجسمانی حین هو مخلی و طبعه من غیر عائق» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج۳، ص۱۳) فاعل بالطبع فاعلی است که به طبع جسمانی خود، هنگامی که خود با طبعش تنهاست و بازدارنده‌ای وجود ندارد، فعل انجام می‌دهد. مبدأییت طبیعت (به مثابه مبدأی غیرمعرفتی)، اینجا ظهور بیشتری یافته است.

۱. نزدیک به همین نظریه، پیش از این از، در قسمت مربوط به ملکات، از ملاصدرا بیان شد، نکته قابل ملاحظه در تفکیک بین مصادیق عادت و ملکات همان است که در بندهای پیشین (ذیل همین بخش عادت) تقریر گشت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بیان ۳: حکیم سبزواری فاعل را بر «هشت» قسم می‌داند و فاعل بالطبع را فاعلی تعریف می‌نماید که فعل او ملائم با طبعش است و به فعل خود، علم ندارد؛ مانند آتش که به مقتضای طبیعتش می‌سوزاند، بی‌آنکه شعور و علم به فعل خود داشته باشد۱ (حکیم سبزواری، ۱۳۶۹- ۱۳۷۹: ج۲، ص۴۰۶-۴۰۷). علامه طباطبایی نیز چنین تعریفی را بیان می‌نماید (شیروانی، ۱۳۸۸: ج۲، ص۱۱۶)؛ در این بیان نیز، به طبیعت، به‌عنوان مبدأی غیرمعرفتی، تصریح شده است.[۲]

نکتهٔ قابل‌ملاحظه در تعریف صدراییانِ متأخر، تدقیق در مؤلفهٔ «علم» (شعور) است که آن را مضاف به فعل کرده‌اند؛ در تعریف ابتدایی ملاصدرا در بحث اقسام حرکت (بیان ۱)، مشاهده می‌گردد که ملاصدرا صرفاً فاعل‌های بدون شعور را فاعل طبیعی می‌داند؛ این تقریر ما را به این نظر سوق می‌دهد که از انسان، به‌عنوان موجودی ذی‌شعور، افعال طبیعی صادر نمی‌گردد (طبیعت هیچ مبدأییت و جایگاهی در صدور افعال انسانی ندارد).

درحالی‌که طبق تعریف نوصدراییان (فاعلی که به فعل خود، علم ندارد)، از انسان درعین‌حال که ذی‌شعور است، افعالی به‌صورت طبیعی صادر می‌گردد، مشروط بر آنکه، انسان به فعل خود علم نداشته باشد. با این تقریر، افعال بسیاری همچون تنفس، ضربان قلب و... که انسان غالباً به آن‌ها توجه و حتی شعور (به‌خصوص در دوران کودکی) ندارد،[۳] جزءِ افعال طبیعی انسان به‌شمار می‌آیند زیرا ناشی از طبیعت او هستند و طبیعت مبدأ آن‌هاست.

اما همچنان می‌توان در این تعریف تدقیق نمود. بدین طریق که مؤلفه «نداشتن علم به کار» اصلاح شود و به شکل «علمِ مؤثر در آن فعل نداشته باشد» متکامل گردد؛ بدین تقریر، تعریف فاعل طبیعی چنین خواهد بود: «فاعل طبیعی فاعلی است که به فعلِ خود، علمِ مؤثر در آن فعل نداشته باشد و فعل او ملائم با طبیعت او باشد».[۴]

---

۱. تعاریفی که صدراییان متأخر در باب اقسام فاعل (که قائل به فاعل‌های ثمانیه شده‌اند)، برای فاعل بالطبع ذکر نموده‌اند، با توجه به لحاظ «علم» (شعور) به‌صورت جایگزین برای «اختیار» و سپس الحاق شرط ملائمت با طبع، با تعریف ملاصدرا در باب اقسام حرکت سازگارتر می‌نماید.

۲. البته این چنین تعریفی نوآوری صدراییان متأخر نیست بلکه ملاصدرا خود نیز در بعضی آثار، فاعل بالطبع را به‌صورت ضمنی، به همین شکل تعریف می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۷: ص۵۷).

۳. ژان ژاک روسو، نماینده پیشاهنگ طبیعت‌گرایی در آموزش‌وپرورش، دوران کودکی را به‌عنوان «طبیعی‌ترین دوران رشد انسان» در نظر می‌گرفت (گوتک، ۱۳۸۸: ص۹۸).

۴. این تعریف از فاعل طبیعی، مقتبس از شرح آقای شیروانی بر نهایه‌الحکمه است (شیروانی، ۱۳۸۸: ج۲، ص۱۱۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بـر این اسـاس، افعالی همچون ضربان قلب و تنفس و...، چه نفسِ انسـان بـه آن علم و توجه داشـته باشد و چه نداشته باشـد، در هر صورت، فعل طبیعی محسوب می‌شـوند (طبیعت مبدأ آن است) زیرا به‌عنوان مثال نفس‌کشیدن در ما غالباً بدون هیچ‌گونه توجهی است، «گاهی» به آن توجه می‌نماییم و هرگونه بخواهیم و به‌صورت ارادی دم و بازدم را کوتاه و بلند می‌کنیم، اما اجازه می‌دهیم کـه بدن خود عمل تنفس را مدیریت نماید و مـا در آهنگ تنفس دخل و تصرف نمی‌کنیم (صرفاً به آهنگ آن و... توجه می‌کنیم بدون تأثیر در آن فعل)؛ این در حالی است که تعریف پیشین (بیان ۳؛ فاعل بالطبع فاعلی است که به فعل خود، علم ندارد) موهم این است که چنانچه، انسان در هنگام ضربـان قلب، متوجه آن باشـد، صرف این توجه موجب می‌گردد که آن فعل دیگر طبیعی نباشـد و طبیعت جزءِ مبادی آن نباشد.

ابوالبرکات به این نکته به خوبی توجه داشـته و آن را تفصیل داده اسـت. افعال بسیاری از انسان سـر می‌زند که انسـان به آن‌ها علم دارد اما این علم سببی برای این افعال نیست؛ پس مبدأی صدور این افعال، علم نیسـت بلکه چیزی اسـت که طبیعت انسان نامیده می‌شود؛ نتیجه آنکه رابطه افعال طبیعی با «علم داشـتن به فعل» به نحو لابشـرط اسـت و در صدور آن‌ها صرف «علم‌داشتن» هیچ اهمیتی ندارد؛ بلکه در تشـخیص آن «علم مؤثر در فعل» حائز اهمیت اسـت (ابوالبرکات، ۱۳۷۳: ج۳، ص۱۰۳)؛ پس در نهایت، در گسـترهٔ وجودی انسان، در تمام افعالی که ملائم با طبع او باشد و به فعلِ خود، علمِ مؤثر در آن فعل نداشته باشد، طبیعت نقش مبدأ را ایفا می‌نماید.

بر مبنای آنچه تشریح شد، در این پژوهش نفس نباتی با قوای آن (غاذیه، نامیه و مولده) یکی از مبادی غیرمعرفتی افعال در انسـان اسـت که با توجه به سنخیت بین آن و افعال طبیعی (بر این وجه که بدون شعور و علم مؤثر در فعل انجام می‌پذیرند)، از مبادی طبیعی محسوب می‌گردد.

بـر همیـن نحو می‌توان مـزاج را از دیگر مبادی غیرمعرفتی فعل انسـان محسـوب نمود و آنچه منتسب به مزاج انسان می‌شود (افعال مزاجی) را هم‌سنخ با افعال طبیعی حساب کرد.

علاوه بر موارد هفت‌گانهٔ بیان‌شده، مبادی غیرمعرفتی دیگری را نیز می‌توان نام برد که زمینه‌ساز توسعهٔ مطالب در این حوزه و پژوهش‌های آینده باشد؛ همچون: ایمان، فیض، تقوی، خوف و رجا، عقل غریزی، اجتماع، محیط زندگی، عرف، مشهورات و... .

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

نتیجه‌گیری

بـر مبنای تحلیل آرای ملاصدرا، در این پژوهش، به‌تناسـب حجـم مقاله، هفت مورد از مبادی غیرمعرفتی افعال انسـان بررسی گردید که ذیل چند مورد از این‌ها، مدل مفهومی مربوطه ارائه شده است.

* **عشق:** تصور جمال، سببِ عشق و عشق، سبب طلب و طلب، سبب فعل می‌گردد. در مدلی دیگـر از منظر ملاصدرا، نتیجهٔ عشـق، اتحاد نفس عاشـق (پس از تحول جوهـری و صیرورت) با صورت معشـوق اسـت که نفس فرد عاشق در نتیجهٔ فرآیندِ عشـق‌ورزیدن «همچون روگرفتِ برابرِ اصلِ معشـوق خود» می‌گردد؛ درنتیجه همان احوال و افعالی که در معشـوق مشاهده می‌گردد، از عاشـق نیز صادر می‌گردد (نفس عاشـق روگرفت از نفس معشوق). در اسلوبی دیگر، عشق، سبب مطلوب‌دانسـتنِ تشبّه به معشوق است و نتیجهٔ این «مطلوبیت تشبّه»، صدور افعالی همچون افعال معشوق خواهد بود (افعال عاشق روگرفت از افعال معشوق).

* **ملـکات نفسـانی:** بیـن افعال و ملـکات رابطه‌ای دیالکتیک وجـود دارد؛ با تحقـق و تکرارِ «افعال مشـترک در یک ویژگیِ واحد»، یک هیئت نفسـانی شـدت می‌یابد و به تدریج با استحکام آن، ملکه‌ای نفسـانی متناسب با آن‌ها حاصل می‌گردد. در ادامه، همین ملکات، منشأ صدور افعالِ نوپدیدی از انسـان می‌گردد و افعال نوپدید، سـبب تشـدید و تقویت ملکه پیشین و... ؛ این رابطه دیالکتیک، فوق‌العاده اشتدادپذیر است. نکته دیگر اینکه بعد از تشکیل یک ملکه، افعال بدون فکر و اندیشه صادر می‌گردند.

* **خواطـر:** صدرالمتألهیـن خواطـر را جـزءِ محـرکات اراده و به‌تبـع مقدمات افعال انسـانی برمی‌شمارد؛ زیرا خواطر از سنخ دواعی هستند (الهام داعیِ انسان برای انجام افعال خیر، و وسواس داعی به سمت انجام افعال شر است). بین خواطر، ملکات و افعال، رابطه‌ای سه‌سویه جاری است.

* **گناه:** تکرر و کثرت گناهان، سبب صدور با واسطه افعال مختلف می‌گردد، به‌دلیل: ۱. ایجاد ملکات نفسانی نامطلوب؛ ۲. دریافت خواطر شیطانی؛ ۳. ایجاد مانع در ادراکِ درست و درنتیجه ایجاد نقص معرفتی و به‌خطاافتادن انسان در صدور افعال درست.

* **تعصب:** تعصبات در انسان، عامل شکل‌گیری تصورات و تصدیقات مختلف (هم‌سنخ با آن تعصب) می‌شـود؛ در این بین، برخی از این تصورات و تصدیقات، ایجاد شـوق به انجام (یا ترک) فعـل و در نهایـت صدور یا عدم صدور آن را در پی خواهد داشـت. علاوه بر این، تعصب در افعال انسان، تأثیری از سنخ نقص معرفتی دارد.

* **عادت:** عادت با ضمیمه‌شـدن به تخیل با ایجاد نوعی لذت خیالی، مبدأی بسـیاری از افعال

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

انسان (بدون تفکر و تعقل) است. حضور عادت در افعال، در حوزه «تربیت» نمود بیشتری می‌یابد.

* **طبیعـت:** ضمن بررسـی تعاریف مختلـف از فاعل و فعل طبیعـی، در نهایت، فاعل طبیعی فاعلی اسـت که به فعلِ خود، علمِ مؤثر در آن فعل نداشـته باشد و فعل او ملائم با طبیعت او باشد؛ بر این اسـاس، افعالی همچون ضربان قلب و تنفس چه انسـان به آن علم و توجه داشـته باشد و چه نداشته باشد، فعل طبیعی محسوب می‌شوند؛ هم‌چنین است تأثیر فعال نفس نباتی و مزاج در افعال انسان.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

منابع

- قرآن کریم

۱. ابوالبرکات. ۱۳۷۳. **المعتبر فی الحکمة. اصفهان.** دانشگاه اصفهان. چاپ دوم.
۲. اکبری، رضا؛ رضاییان، سید هادی. ۱۳۹۰. «خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا». **مطالعات اسلامی- فلسفه و کلام.** سال چهل‌وسوم. شماره پیاپی ۸۶/۲ (بهار و تابستان). ص۶۴ -۴۷.
۳. ایمانی، محسن؛ بابایی، محمد اسماعیل. ۱۳۸۷. «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی (با تأکید بر اهداف، اصول و روش‌ها)». **مجله تربیت اسلامی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه).** شماره ۷ (پاییز و زمستان). ص۱۰۴ - ۸۱.
۴. برک، لورا ای. ۱۳۸۳. **روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی).** ترجمه: یحیی سیدمحمدی. تهران. نشر ارسباران. چاپ سوم.
۵. بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۷۵. «بررسی نظریات دانشمندان مختلف در مورد عادت به‌عنوان یک شیوه تربیتی». **مجله تربیت.** شماره ۱۰۷ (فروردین). ص۱۱-۶.
۶. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. **نهج‌الفصاحه.** تهران. دنیای دانش. چاپ چهارم.
۷. الجرجانی، علی‌بن‌محمد. ۱۳۷۰. **کتاب التعریفات.** تهران. ناصر خسرو. چاپ چهارم.
۸. حکیم سبزواری. ۱۳۷۹-۱۳۶۹. **شرح المنظومة.** تهران. نشر ناب.
۹. الرازی، فخرالدین. ۱۴۱۱هـ ق. **المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات.** قم. انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. ۱۴۱۲ه‌ق. **المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت.** دارالعلم الدارالشامیة.
۱۱. رضایی، مهران؛ بیدهندی، محمد. ۱۳۹۱. «فلسفه فعل انسان از منظر ملاصدرا بر مبنای رویکرد ارائه مدل‌های مفهومی». **مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.** مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا. (در دست چاپ).
۱۲. سجادی، سیدجعفر. ۱۳۷۳. **فرهنگ معارف اسلامی. تهران.** انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.
۱۳. ــــــــــ . ۱۳۷۹. **فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا.** تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. سیف، علی‌اکبر. ۱۳۹۴. **روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش).** تهران. نشر دوران. ویرایش هفتم.
۱۵. شیروانی، علی. ۱۳۸۸. **ترجمه و شرح نهایه الحکمه.** قم. بوستان کتاب قم. چاپ نهم.
۱۶. ملاصدرا، محمدابراهیم. ۱۳۵۴. **المبدأ و المعاد. تصحیح: سیدجلال‌الدین آشتیانی.** تهران. انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۷. ــــــــــ . ۱۳۶۰/الف. **اسرار الآیات.** مقدمه و تصحیح: محمد خواجوی. تهران. انجمن حکمت و فلسفه.
۱۸. ــــــــــ . ۱۳۶۰/ب. **الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة.** تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی. مشهد. المرکز الجامعی للنشر. چاپ دوم.
۱۹. ــــــــــ . ۱۳۶۱. **العرشیة.** تصحیح غلامحسین آهنی. تهران. انتشارات مولی.
۲۰. ــــــــــ . ۱۳۶۳. **مفاتیح‌الغیب.** مقدمه و تصحیح: محمد خواجوی. تهران. مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۲۱. ــــــــــ . ۱۳۶۶/الف. **تفسیر القرآن‌الکریم (صدرا).** تحقیق: محمد خواجوی. قم. انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۲۲. ــــــــــ . ۱۳۶۶/ب. **شرح اصول الکافی لصدرالمتألهین.** تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. ــــــــــ . ۱۳۷۵. **مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتالهین،** تهران. انتشارات حکمت.
۲۴. ــــــــــ . ۱۳۸۱. **کسر الاصنام الجاهلیة.** مقدمه، تصحیح و تعلیق: دکتر جهانگیری. تهران. بنیاد حکمت صدرا.
۲۵. ــــــــــ . ۱۳۸۷. **المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکمالیة.** مقدمه، تصحیح و تعلیق: سیدمحمد

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۶. ـــــــــــــ . ۱۹۸۱م. **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة.** بیروت. دار احیاء التراث. چاپ سوم.
۲۷. ـــــــــــــ . بی‌تا. **الحاشیه علی الهیات الشفاء.** قم. انتشارات بیدار.
۲۸. طریحی، فخر الدین. ۱۴۱۶ه‌ق. **مجمع‌البحرین.** تهران. مرتضوی. چاپ سوم.
۲۹. گوتک، جرالد ال، ۱۳۸۸. **مکاتب فلسفی و آرا تربیتی.** ترجمه: محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران. انتشارات سمت، چاپ نهم.
۳۰. مصلح، جواد. ۱۳۸۹. **ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیة.** تهران. انتشارات سروش. چاپ پنجم.

31. Butler,Gillian & Hope,Tony (2007), Managing your mind: **The mental fitness guide, Oxford University Press, second edtion.**
32. Colas, Dominique (1997), **Civil Society and Fanaticism: Conjoined Histories, Stanford University Press.**
33. Connor, Timothy &Sandis, Constantine(2011), **A Companion to the Philosophy of Action - Blackwell Companions to Philosophy,** a John & Sons Ltd Publiciation.
34. Duhigg,Charles (2012), **The Power of Habit: Why We Do What We Do in Life and Business, Random House Publi**shing Group.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

| تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۶/۲۴ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۵/۱/۲۵ |

ساختار شخصیت بر اساس منابع اسلامی در چارچوب رویکرد صفات (گزارش مطالعه کیفی)

محمدصادق شجاعی

استادیار جامعه المصطفی العالمیه و عضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

s_shojaei@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف گردآوری صفات و کشف ساختار شخصیت از منابع اسلامی، انجام شده است. برای تحقق این هدف، از بررسی منابع اسلامی (قرآن کریم، روایات و کتاب‌های اخلاق اسلامی) حدود ۲۵۰۰۰ واژه گردآوری و پس از حذف موارد تکراری، مبهم و ناظر به جنبه‌های زیستی، تکالیف عبادی و حالت‌های زودگذر یک فهرست ۱۰۳ واژه‌ای از صفات، بر پایهٔ نظر متخصصان در منابع اسلامی تهیه شد. در مرحلهٔ بعد، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی، هم‌معنایی و تقابل معنایی با استفاده از دو شیوهٔ تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا بررسی شد و درنتیجه واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی، همگرا و واگرا و تک‌کانونی و چندکانونی از هم متمایز شد. نتایج این مرحله از بررسی نشان داد برخی صفات هم‌معنی و برخی تقابل معنایی دارند؛ هم‌چنین، دو صفت متقابل به لحاظ اینکه روی یک پیوستار قرار می‌گیرند، مربوط به یک حوزه معنایی هستند. سرانجام با قراردادن واژه‌های هم‌حوزه همهٔ ۱۰۳ واژهٔ گردآوری‌شده در مرحلهٔ قبل در ۱۵ حوزهٔ واژگانی طبقه‌بندی شد. هم‌چنین،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

سـعی شـد خصیصه‌های کانونی و پایـه، از خصیصه‌های پیرامونی و روسـاختی در هـر حوزه متمایز شـود. سـرانجام نتایج حاصـل از مطالعهٔ کیفی با اسـتفاده از روش معناشناسـی زبانی و همبستگی مفهومی واژه‌ها منجر به تعیین ۱۵ خصیصه یا صفت بزرگ به‌عنوان عامل‌های اصلی شـخصیت در بخش مطالعه کیفی شـد: طمأنینـه، اعتدال، بزرگی نفس، خوش‌خُلقی، مناعت طبع، انعطاف‌پذیری، تعهد، شادکامی، فعال‌بودن، عفت، ثَبات، زیرکی، فروتنی، پیوندجویی و تکلیف‌پذیری.

کلیدواژه‌هـا: شـخصیت، سـاختار شـخصیت، صفـت، رویکـرد صفات، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

بررسـی سـاختارِ شـخصیت یکی از حوزه‌های مهم و مورد علاقهٔ روان‌شناسان است. ساختار شـخصیت به واحدهای بنیادی یا اجزای تشکیل‌دهندهٔ شخصیت اشاره دارد (میرویلد[1] و همکاران، ۲۰۰۸؛ میرویلـد و دی فرویـت،[2] ۲۰۰۲). از نظر فروید[3] این واحدهای بنیادی، بُن، من و فرامن، از نظـر مـوری[4] نیازها، از نظر راجرز[5] خود و خودپنداره و از نظـر آلپورت،[6] کتل[7] و آیزنک[8] صفات هستند (متیوز[9] و همکاران، ۲۰۰۹).

با وجود رویکردهای متفاوت، نظریهٔ صفات یکی از عمده‌ترین موضع‌گیری‌های پژوهشـی در

1. Mervielde.
2. De Fruyt.
3. Freud.
4. Murray.
5. Rogers.
6. Allport.
7. Cattell.
8. Eysenck.
9. Matthews.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

زمینهٔ ساختار شخصیت محسوب می‌شود (متیوز و همکاران، ۲۰۰۹؛ فریدمن[1] و اسکوستاک،[2] ۲۰۰۹). در رویکرد صفات، فرض بر این است که صفات شخصیت به بهترین وجه در زبان طبیعی منعکس شده است و با تحلیل و بررسی این صفات می‌توان به ساختار شخصیت پی برد (گلدبرگ،[3] ۱۹۹۲؛ جان، ۱۹۹۰؛ پی بادی[4] و دی راد،[5] ۲۰۰۲). علاقه و تمایل به بررسی شخصیت از طریق صفات به دههٔ ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ برمی‌گردد. نقطهٔ شروع برای گردآوری صفات، کلمات زبان معمولی در توصیف شخصیت بود. آلپورت و اودبرت (۱۹۳۶) تقریباً ۱۸۰۰۰ (دقیقاً ۱۷۹۵۳) کلمهٔ توصیفی را از «فرهنگ بین‌المللی وبستر» استخراج کردند و با کنارگذاشتن واژه‌هایی که کمتر با شخصیت ارتباط داشتند، این فهرست را به ۴۵۰۰ صفت کاهش دادند (فیست[6] و فیست، ۱۳۸۶). بعدها کتل (۱۹۹۳) با اجرای چند تحلیل عاملی روی این صفات، ۱۲ عامل شخصیتی را به دست آورد که در نهایت، بخشی از «پرسش‌نامه ۱۶ عاملی کتل» را تشکیل دادند. به اعتقاد آیزنک (۱۹۹۱ و ۱۹۸۶؛ نقل از کارور[7] و شی‌یر، ۱۳۷۵) تنها ۳ عامل برون‌گرایی (E)، روان‌آزرده‌خویی (N) و روان‌گسستگی (P) را می‌توان عوامل اصلی شخصیت در نظر گرفت.

تحقیقات بعدی (مک‌کری[8] و کاستا[9]، ۱۹۸۵ c، ۱۹۸۵ b؛ کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۹؛ گلدبرگ، ۱۹۸۱) نشان داد که شخصیت از ۵ عامل اصلی روان‌آزرده‌خویی (N)، برون‌گرایی (E)، پذیرابودن (O)، مقبولیت (A) و باوجدان‌بودن (C) تشکیل شده است؛ درحالی‌که تیلیجن[10] و والر[11] (۱۹۸۷،

1. Friedman.
2. Schustack.
3. Goldberg.
4. Peabody.
5. De Raad.
6. Feist.
7. Carver.
8. McCurry.
9. Costa.
10. Tellegen.
11. Waller.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

نقـل از سـیمس[1]، ۲۰۰۷) با افزودن دو عامل ظرفیت مثبـت (PV) و ظرفیت منفی (NV) آن‌ها را بـه ۷ عامل افزایش دادند. اشـتون[2] و لی[3] (۲۰۰۲) با اضافه‌کردن بُعـد صداقت-فروتنی و هوگان[4] (۱۹۸۶) با تقسـیم بُعد درون‌گرایی به جاه‌طلبی و مردم‌آمیزی، مدل ۶ عاملی را پیشـنهاد کرده‌اند. افـزون بـر این، برخی دیگـر از محققان (ایلیوت[5] و تـراش[6]، ۲۰۰۲؛ کارور و همـکاران، ۲۰۰۰؛ بیکـر۷، ۱۹۹۹؛ دیگمن[8]، ۱۹۹۷؛ بلاک برن و همکاران، ۲۰۰۴؛ دی یونگ[9] و همکاران، ۲۰۰۱؛ امیگو[10] و همکاران، ۲۰۱۰) صفات شـخصیتی را به دو عامل و اخیراً به یک عامل کلی شـخصیت (امیگو و همکاران، ۲۰۱۰؛ روشتون[11] و ایروینگ[12]، ۲۰۰۸) کاهش داده‌اند.

تلاش‌هایـی که به منظور تعیین سـاختار عاملی صفات انجام‌شـده نیز بیانگـر تنوع و اختلاف نظـر پژوهشـگران در این زمینه اسـت. بـرای نمونه، فیسـکه[13] (۱۹۴۹) سـاختار شـخصیت را با خودبیانگـری مطمئن، کنترل هیجانی، هم‌نوایی، سـازگاری اجتماعی و کنجکاوی عقلانی، بورگاتا (۱۹۴۶) با جرئت‌ورزی، هیجان‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، دلپذیربودن و هوش، نورمن[14] (۱۹۶۹) با برون‌گرایی، پایداری هیجانی، باوجدان‌بودن، مقبولیت و فرهنگ و سمیس (۱۹۶۷) با برون‌گرایی،

1. Simms.
2. Ashton.
3. Lee.
4. Hogan.
5. Eliot.
6. Thrash.
7. Baker.
8. Digman.
9. Jung.
10. Amigo.
11. Rushton.
12. Irving.
13. Fiske.
14. Norman.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

هیجان‌پذیری، پایداری منش، مقبولیت و فرهیختگی مشخص کرده‌اند. دیگمن و همکاران (۱۹۸۱) بـر پایهٔ یافته‌های خـود از برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، نیروی خـود در برابر بی‌نظمی هیجانی، تمایل به پیشـرفت، همراهی دوسـتانه در برابر همراهی خصمانه و عقل در سـاختار عاملی صفات شـخصیت نام برده‌انـد. گلدبرگ (۱۹۹۰) پنج بُعد شـادخویی، پایداری هیجانـی، باوجدان‌بودن، مقبولیت و عقل را برجسـته سـاخته است. ساسیر[1] و اسـتندورف[2] (۱۹۹۹) برون‌گرایی، مقبولیت، باوجدان‌بـودن، پایداری هیجانـی، عقل-قدرت تخیل و مک‌کری و کاسـتا (c۱۹۸۵) برون‌گرایی، مقبولیـت، باوجدان‌بـودن، روان‌آزرده‌خویـی و پذیرابـودن را در تعیین سـاخت عاملیِ شـخصیت گفته‌اند.

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که از نظر محتوای عامل‌ها نیز اختلاف نظر قابل ملاحظه‌ای بین پژوهشـگران وجود دارد. برای نمونه، در مدل کاسـتا و مک‌کـری (b ۱۹۹۲) گرمی، صفتی از برون‌گرایـی و در مدل نورمن (۱۹۶۳) صفتی از مقبولیت اسـت. افزون بر این، بنا بر نظر مک‌کری و کاسـتا (۱۹۹۲) صمیمیـت در عامل برون‌گرایی جـای دارد. درحالی‌که گلدبرگ (۱۹۹۲) و جان (۱۹۹۰) آن را با عامل شـادخویی همبسـته می‌دانند. علاوه بر این، تعداد صفات و ویژگی‌هایی که برای هر یک از عامل‌های اصلی شخصیت تعیین‌شده، یکی دیگر از دلایل ناهم‌خوانی در محتوای عامل‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران است. برای نمونه، در مدل مک‌کری و کاستا (۱۹۹۲) برای هر یک از عامل‌ها ۶ ویژگی، در مدل گلدبرگ (۱۹۹۰) برای سه عامل شادخویی، مقبولیت و باوجدان‌بودن ۵ ویژگـی در دو قطـب مثبـت و منفی و برای عامل‌هـای پایداری هیجانی و عقل بـه ترتیب ۷ و ۹ ویژگی، و در مدل ساسـیر و اسـتندورف (۱۹۹۹) برای هر یک از سه عامل برون‌گرایی، مقبولیت و باوجدان‌بـودن چهار ویژگی و برای عامل‌های پایداری هیجانی و عقل نیز سـه ویژگی در نظر گرفته شده است.

مشـکل عمدهٔ دیگر در نظریه‌های صفتی شـخصیت، مربوط به همبستگی و ارتباط درونی این عامل‌هاسـت. برای نمونـه، به‌رغم تفاوت در تعداد عامل‌های شـخصیتی، دو عامـل برون‌گرایی و نوروزگرایـی (یا پایداری هیجانی، در صورت نمره‌گذاری معکـوس) تقریباً در همه مدل‌ها به‌عنوان عوامل اصلی شناسـایی شده اسـت. اما روابط درونی آن‌ها در مدل‌های مختلف بر پایه نظریه‌های شخصیتی گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد. به اعتقاد آیزنگ عامل‌های برون‌گرایی و نوروزگرایی باید

1. Saucier.

2. Ostendorf.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

مستقل از یکدیگر یا دارای همبستگی بسیار ضعیفی باشد. اما در پژوهش‌هایی که بر اساس مدل ۵ عامل بزرگ انجام شده بین این دو عامل همبستگی‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آمده است (عسگری و ازخوش، ۱۳۹۰).

بدون تردید، ناهماهنگی و اختلاف در محتوا، ساختار عاملی، همبستگی درونی بین عامل‌ها و تعداد صفات شخصیتی تا حدود زیادی ناشی از این است که تعیین عامل‌ها بر اساس فهرست جامعی از صفات تهیه نشده‌اند؛ برای نمونه، گلدبرگ (۱۹۹۰) (نقل از: جان و سریواستاوا[1]، ۱۹۹۹) تأیید می‌کند با اینکه فهرست وی نسبت به سایر فهرست‌های قبلی جامع‌تر است ولی کامل نیست. یافته‌های پانونن و جکسون[2] (۲۰۰۰) (نقل از: بویلی[3]، ۲۰۰۸) در مورد تحلیل صفات در زبان انگلیسی نشان می‌دهد علاوه بر ۵ عاملی که ساسیر و گلدبرگ (۱۹۹۸) به دست آوردند، ده عامل دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد که شامل دین‌داری، فریب‌کاری، صداقت، تمایل جنسی، قناعت، سنتی‌بودن، مردانگی/ زنانگی، خودپسندی، شوخ‌طبعی و خطرکردن است.

به‌رغم اختلاف‌نظرهایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد به نظر می‌رسد عمده‌ترین مشکل در تعیین، تعریف و شناسایی صفات، ناشی از نادیده‌گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و نیز مبنا قراردادن منابعی است که بر اساس آن‌ها بتوان ساختار جامع‌تر و کلی‌تری از صفت‌های شخصیتی ارائه داد. برخی از صاحب‌نظران (جان، گلدبرگ و انجلیتر، ۱۹۸۴؛ کوپر[4] و دینر[5]، ۱۹۹۸) سعی کرده‌اند فرضیهٔ جهانی‌بودن پنج عامل بزرگ شخصیت و صفات مربوط به آن‌ها را از طریق مطالعات بین‌فرهنگی اثبات کنند ولی شواهد رضایت‌بخشی به دست نیامده است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در این زمینه، مربوط به ترجمهٔ صفات است. در اکثر زبان‌ها، ترجمه کلمه‌به‌کلمه امکان‌پذیر نیست و حتی لغات هم‌ریشه نیز ضرورتاً به یک معنا به کار نمی‌رود (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹). از این‌رو، در یکی- دو دههٔ اخیر تردیدهای زیادی در مورد جهانی‌بودن و عمومیت‌داشتن نظریه‌های شخصیتی در بین نظریه‌پردازان به‌وجود آمده و در عین‌حال توجه بیشتری

1. Srivastava.
2. Jackson.
3. Boyle.
4. Cooper.
5. Denner.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

به بررسی نقش فرهنگ در شکل‌گیری و تحول شخصیت شده است (پدرسن،[1] ۱۹۹۰؛ رابرتس[2] و هیلسون،[3] ۱۹۹۷؛ دویری،[4] ۲۰۰۶؛ مارکوس[5] و کیتایاما،[6] ۱۹۹۸؛ ویشی،[7] ۲۰۰۴؛ تریاندیس[8] و سوه،[9] ۲۰۰۲). در واقع، آنچه تحقیقات جدیدِ شخصیت را به‌عنوان یک رویکرد متمایز برجسته می‌کند، فرایند تبدیل الگوهای فرافرهنگی به الگوی بررسی شخصیت در چارچوب فرهنگی است.

به دلیل رشد فزایندهٔ پژوهش‌ها در چارچوب فرهنگی و اثبات ناکارآمدی نظریه‌های عام و جهانی در شخصیت (مارکوس و کتایاما، ۱۹۹۸؛ چیونگ و همکاران، ۲۰۱۱) می‌توان یکی از علل جاذبه‌ای را که روان‌شناسی اسلامی به‌طور کلی و نظریه شخصیت در فرهنگ اسلامی برای جمع کثیری از روان‌شناسان مسلمان دارد، حدس زد. برای مثال، مشاهده می‌شود که هنگام مطالعه و داوری دربارهٔ نظریه‌های شخصیت، به‌ویژه برای کسانی که بر اساس دیدگاه اسلامی به مباحث روان‌شناسی می‌پردازند، همواره این سؤال‌ها مطرح است که آیا می‌توان با استفاده از مفاهیم و سازه‌های دینی به مطالعهٔ شخصیت پرداخت؟ آیا این مفاهیم و سازه‌ها به‌گونهٔ تجربی و با معیارهای پذیرفته‌شدهٔ علمی قابل‌اندازه‌گیری هستند؟ و آیا چارچوبی برای سامان‌دهی اطلاعات موجود در منابع دینی (مفاهیم، واژه‌ها و کلمات ناظر به ویژگی‌های انسان) به منظور تعیین ساختار شخصیت و یافتن وجوه اشتراک و افتراق آن با نظریه‌های روان‌شناختی وجود دارد؟

این مطالعه بخشی از پژوهش اصلی درباره توسعهٔ یک آزمون شخصیتی بر پایه منابع اسلامی بوده است و با هدف دستیابی به الگوی مفهومی ساختار شخصیت بر پایهٔ منابع اسلامی انجام شده است.

1. Pedersen.
2. Roberts.
3. Hilson.
4. Dwairy.
5. Marcus.
6. Kitayama.
7. Oishi.
8. Triandis.
9. Suh.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

روش پژوهش

گردآوری توصیفگرها؛ برای دستیابی به یک فهرست جامع از صفات شخصیت، واژه‌ها و مفاهیم توصیف‌کننده انسان از متون و منابع اسلامی گردآوری شد که عبارت‌اند از: ۱. قرآن کریم؛ ۲. کتاب‌های معتبر روایی شیعه ازجمله اصول کافی (کلینی، ۱۳۸۵)، بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق)، مستدرک الوسائل (طبرسی، ۱۳۶۳)، تحف‌العقول (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق)، میزان‌الحکمه (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹)؛ ۳. مهم‌ترین کتاب‌های روایی اهل سنّت شامل صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۱ ق)، مسند ابن حنبل (ابن حنبل، ۱۴۱۲ ق)؛ ۴. کتاب‌های اخلاقی شامل جامع‌السعادات (نراقی، ۱۳۸۳)، معراج‌السعاده (نراقی، ۱۳۸۱)، اخلاق ناصری (طوسی، ۱۳۶۹)، احیاء علوم‌الدین (غزالی، ۱۴۱۴ ق)، الحقائق فی محاسن الاخلاق (فیض کاشانی، ۱۳۸۳).

گردآوری با استفاده از روش‌های زیر صورت گرفت:

۱. بررسی ساختار صفتی کلمات؛ یکی از روش‌های اصلی استفاده‌شده، توجه به ساختار صفتی کلمات بود. در زبان عربی (مظفّر، ۱۴۲۸ق) ساختار اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه، افعل تفضیل و صیغهٔ مبالغه تا حدود زیادی ویژگی‌های ناظر به صفات شخصیتی را نشان می‌دهد؛ برای مثال، صابر، قنوع، کذّاب و بخیل ساختارهایی هستند که صفت صبر، قناعت، بُخل و کذب از آن‌ها استنباط می‌شود. بخش عمدهٔ صفات از همین طریق به دست آمد. اما برای حصول اطمینان بیشتر دربارهٔ جامعیت مفاهیم گردآوری‌شده از روش‌های دیگری نیز استفاده شد.

۲. بررسی حوزهٔ معنایی کلمات؛ گاهی در خود متن (آیه، روایت، متن) هیچ واژه‌ای با ساختار صفتی وجود ندارد ولی با توجه به حوزهٔ معنایی کلمات، صفات شخصیتی از آن‌ها فهمیده می‌شود. برای مثال، در عبارت «إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَى؛ به یقین انسان طغیان می‌کند» (علق: ۶). هیچ واژه‌ای با ساختار صفتی وجود ندارد ولی کلمهٔ «لیطغی» این قابلیت را دارد که صفت طغیانگری از آن استنباط شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج۲۰، ص۵۵۰؛ نجفی، ۱۳۹۸ ق: ج۷، ص۹۴).

۳. درنظرگرفتن بافت و پیوستگی جملات؛ بافت و پیوستگی جملات یک سازوکار زبانی است که به‌واسطهٔ آن اجزای یک ساختار نحوی یا یک متن مفروض می‌تواند به یکدیگر متصل شده و روی‌هم‌رفته یک صفت از آن فهمیده شود (ایزوتسو،[1] ۱۳۷۸). برای مثال، علی (ع) (نقل از: ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ص۱۶۰) در توصیف متّقین این تعابیر را به کار برده است: «غضّوا ابصارهم

1. Izutsu.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

عمّـا حرّم الله علیهم؛ از آنچه خداوند حرام کرده، چشـم پوشـیدند»؛ «عظم الخالق فی انفسـهم فصغـر مـا دونه فی اعینهم؛ خداوند در نظـر آن‌ها بزرگ گردیده و غیر او در نظـر آنان کوچک آمده اسـت»؛ «قلوبهم محزونه و شـرورهم مأمونه؛ دل‌هایشـان اندوهگین و مردم از دسـت آن‌ها ایمن هستند». هر یک از این جملات به ترتیب می‌تواند ناظر به صفت‌های خویشتن‌داری، خدامحوری، آزارنرساندن به دیگران باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸). علی(ع) (نقل از: فاضلی، ۱۳۸۶) در خطبه متقین به ۱۱۰ صفت شخصیتی اشاره کرده که بیشتر با همین ساختار بیان شده است.

۴. توجه به مضمون و محتوای عبارت‌ها؛ گاهی حتی بدون آنکه ریشهٔ کلمه‌ای در خود عبارت بـه کار رفتـه باشـد، از مضمون و محتوای یـک یا چند آیـه و روایت می‌توان به یک صفت دسـت یافت. مانند این آیه: «وَلاَ تَمْشِ فِي الأَرْضِ مَرَحًا»؛ (اسـراء: ۳۷) که اشـاره به صفت غرور و تکبّر اسـت (مکارم شـیرازی، ۱۳۷۱: ج۱۷، ص۵۴). البته استنباط صفات برحسب مضمون و محتوای عبارت‌هـا، در عیـن حالی که می‌تواند مفید باشـد، تا اندازه‌ای پیچیده و وابسـته به فهم شـخصی پژوهشگر است.

حـذف مـوارد تکـراری و نامربـوط؛ در این مرحله بـه منظور خالص و یکپارچه‌سـازی و طبقه‌بندی داده‌های گردآوری‌شـده، ابتدا واژه‌ها و توصیفگرهایی که عیناً تکرار شـده بود یا کمتر با جنبه‌های شـخصیتی ارتباط داشـت از فهرسـت حذف گردید؛ مانند: واژه‌های ناظر به ویژگی‌های زیسـتی- فیزیکی (صحیح، سـقیم، قوی، ضعیف، طویل، قصیر)، حالت‌ها و ویژگی‌های زودگذر (وحشت، سهو، ضحک، عطش)، اعمال و تکالیف عبادی (صائم، مفطر، مصلّی)، رفتارهای عینی و مشـاهده‌پذیر (أکل، شـرب، جلـوس، قیام، قعود، تکلّم، بیع، اشـتراء). مـلاک حذف و گزینش واژه‌هـا تعریف نظری از صفت با توجه به سـه ویژگی «دوام و پایداری نسـبی»، «ایفای نقش علّی برای رفتار» و «خصوصیت درون‌فردی» بود.

بررسی روایی محتوایی؛ به منظور بررسی روایی محتوا، واژه‌های گردآوری‌شده در اختیار سه متخصص حوزوی آشنا با علم روان‌شناسی قرار گرفت تا «میزان معرّف‌بودن» و «توصیف‌کنندگی» اصطلاحات و واژه‌های گردآوری‌شده برای شخصیت را داوری کنند. انتخاب واژه‌ها بر اساس توافق نظر داوران (سه نفر) و تأیید اینکه بیشترین ارتباط را با صفات شخصیتی دارند، صورت گرفته است.

تعریـف کاربـردی مفاهیـم؛ در ایـن مرحلـه، نخسـت بـرای هرکـدام از واژه‌هـای عربـی گردآوری‌شـده، معادل‌های فارسـی از فرهنگ‌های لغت اسـتخراج و در قالب یـک کلمه توصیفی در کنار آن‌ها نوشـته شد. سپس شـرح کوتاهی به‌عنوان تعریف کاربردی برای هر واژه ارائه شد و در اختیار سـه متخصص حوزوی قرار گرفت تا درباره مطابقت برابرنهاده‌های فارسـی و تعریف واژه‌ها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

داوری کنند. در ضمن، از آن‌ها خواسته شد در مورد واژه‌هایی که معانی مختلف و کاربردهای متفاوت دارند، معنایی را ملاک قرار دهند که بیشتر با جنبه‌های شخصیت مرتبط هستند. پس از اِعمال نظر داوران، واژه‌های گردآوری و تعریف‌شده مجدداً در اختیار هفت نفر از کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا در مورد میزان ارتباط هر واژه با صفات شخصیتی در یک مقیاسِ مرتب‌شده از صفر تا پنج داوری کنند. پس از گردآوری و تحلیل نظر داوران، صفت‌هایی که میانهٔ آن‌ها پنج بود، به‌عنوان صفات شخصیتی انتخاب شدند.

تحلیل کیفی واژه‌ها؛ در این مرحله، فهرست به‌دست‌آمده از مرحلهٔ قبل با استفاده از روش معناشناسی زبانی و در چارچوب آموزه‌ها و متون دینی تحلیل و بررسی شد. دو راهبرد اصلی در این مرحله استفاده از «تحلیل مؤلفه‌ای» و «معنی‌شناسی ساخت‌گرا» بود. در تحلیل مؤلفه‌ای، واژه‌ها برحسب مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ آن‌ها بررسی شدند. سپس با استفاده از معنی‌شناسی ساخت‌گرا، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی،[1] هم‌معنایی،[2] و تقابل معنایی[3] بررسی شد. به کمک این سه راهبرد، واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی و همگرا و واگرا از هم متمایز شدند.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش دستیابی به یک فهرست جامع از صفات شخصیت و تعیین ساختار نظری آن‌ها بود، ابتدا واژه‌ها و مفاهیم توصیف‌کننده انسان از منابع معتبر اسلامی (قرآن، روایات و اخلاق اسلامی) گردآوری شد که نتیجه آن بالغ بر حدود ۲۵۰۰۰ واژه بود. سپس به منظور یکپارچه‌سازی و طبقه‌بندی داده‌های گردآوری‌شده واژه‌هایی که تکراری و با جنبه‌های شخصیت ارتباط کمتری داشتند از مجموعه کنار گذاشته شد و درنتیجه، حدود ۸۰۰۰ واژهٔ توصیفی باقی ماند. در وارسی‌های بعدی صفات و واژه‌هایی که از نظر محتوایی تکراری بودند نیز کنار گذاشته شد. زیرا هنگام استخراج صفات علاوه بر بررسی ساختار صفتی کلمات، از سه روش دیگر (بررسی حوزه معنایی کلمات، درنظرگرفتن بافت و پیوستگی جملات و توجه به مضمون و محتوای عبارات) نیز برای گردآوری صفات استفاده شده بود تا اطمینان بیشتری برای گردآوری حاصل شود. برای مثال، عبارت‌های «غضّوا ابصارهم عمّا حرّم الله علیهم» و «انّ الانسان لیطغی»

1. Hyponymy.
2. synonymy.
3. semantic opposition.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

به ترتیب برای استخراج صفت‌های خویشتن‌داری و طغیانگری در نظر گرفته شده بود، ولی با وجود کلمهٔ تقوا و طاغی در فهرست، دیگر نیازی به آن‌ها نبود.

در مرحلهٔ بعد، موارد تکرارِ واژه‌هایی که از نظر ریشه واژگانی یکی بودند مانند کبر، استکبار، مستکبر، تقوا و متقی، کنار گذاشته شد. با حذف این موارد و وارسی‌های بیشتر در محورهای قبلی، حدود ۸۷۹ واژه به‌عنوان توصیف‌کننده‌های شخصیت باقی ماند. پس از آن واژه‌های گردآوری‌شده در اختیار سه نفر از متخصصان حوزوی آگاه در زمینه روان‌شناسی قرار گرفت تا درباره میزان معرف‌بودن و توصیف‌کنندگی واژه‌ها برای شخصیت داوری کنند. نتایج نشان داد که ۳۸۰ واژه به‌عنوان توصیف‌کننده (صفت شخصیتی) قابل بررسی است.

سپس معادل فارسی واژه‌های تأییدشده در مرحله قبل، از فرهنگ‌های لغت استخراج شد و با شرح کوتاهی به‌عنوان تعریف کاربردی هر واژه در اختیار سه متخصص حوزوی قرار گرفت تا درباره مطابقت برابرنهاده‌های فارسی و تعریف واژه‌ها اظهارنظر کنند. پس از اِعمال نظر داوران، واژه‌های گردآوری‌شده در اختیار سه متخصص علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت تا میزان معرف‌بودن هر واژه را به‌عنوان صفت در یک مقیاس شش درجه‌ای از صفر تا پنج، درجه‌بندی کنند. نتایج حاصل از درجه‌بندی داوران در این مرحله، ۱۰۳ واژه توصیفی را به دست داد.

در مرحلهٔ بعد، روابط معنایی بین واژه‌ها از نظر شمول معنایی، هم‌معنایی و تقابل معنایی با استفاده از دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا بررسی شد و درنتیجه واژه‌های مترادف و متضاد، عام و خاص، اصلی و فرعی، همگرا و واگرا و تک‌کانونی و چندکانونی از هم متمایز شد. پس از مشخص‌شدن حوزه‌های واژگانی و قلمروی کارکرد صفات، سعی شد تا خصیصه‌های کانونی و پایه از خصیصه‌های پیرامونی و روساختی در هر حوزه متمایز شود. خصیصهٔ کانونی به صفتی گفته می‌شود که تحمّل بار معنایی دیگر واژه‌های مربوط به آن حوزه را داشته باشد؛ برای مثال، از بین واژه‌های متهوّر، ذکی، ظرِف، عاقل، فطِن، فهیم، کیس، متعمّق، معتوّ و ورِع که در یک حوزهٔ واژگانی قرار می‌گیرند، عاقل و ریشهٔ آن عقل، جامعیت و محوریت خاصی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰).

برای دستیابی به ساختار معنایی و عاملی صفت‌ها و نیز تعیین الگوی نظری برای آن‌ها از روش تحلیل عاملیِ تأییدی استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این مرحله و بر پایه روش‌های به‌کاررفته در مطالعهٔ کیفی، ساختار مفهومی صفت‌های گردآوری‌شده بررسی شد و درنتیجه ۱۵ حوزهٔ معنایی از هم متمایز شد. شایان ذکر است که هر حوزهٔ معنایی با دو قطب مثبت و منفی در نظر گرفته شده است و هرکدام از قطب‌ها چهار جنبه یا رویه دارد. هم‌چنین، با درنظرگرفتن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

صفت‌های کانونی در هر حوزهٔ معنایی، سرانجام ۱۵ خصیصه یا صفتِ بزرگ (عامل شخصیتی) که به نظر می‌رسد ساختار شخصیت را تشکیل می‌دهد، در این پژوهش به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکردهـای روان‌تحلیلگـری، رفتارگرایی، انسـان‌گرایی و صفات، الگوهـای نظری متفاوتی درباره سـاختار شـخصیت ارائه کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، توجه زیادی به رویکرد صفات به‌عنوان یک حوزهٔ مهم در مطالعهٔ شـخصیت معطوف شـده اسـت (متیوز و همکاران، ۲۰۰۹؛ مک کری و کاسـتا، ۲۰۰۳). با وجود این، به دلیل مشـکلات ناشـی از جامعیت و جهان‌شـمولی عامل‌های شـخصیت در رویکرد صفات، برخی پژوهشـگران (بویلی، ۲۰۰۸؛ تریاندیس و سوه، ۲۰۰۲) به ضرورت اصلاح و بازنگری رویکرد صفت و اسـتفاده از منابع دینی (عبدالعال، ۲۰۰۷؛ بسـتانی، ۱۹۹۸؛ عمار، ۲۰۰۹؛ عشـماوی، ۲۰۰۴) در این زمینه تأکید کرده‌اند. این پژوهش در چارچوب رویکرد صفات و با هدف بررسی ساختار شخصیت در منابع اسلامی انجام شده است. نام‌گذاری عامل‌های به‌دسـت‌آمده در این پژوهش و صفات مربوطه به حوزه‌های معنایی عامل‌ها بسـیار مهم اسـت. از این‌رو، در ادامه به بحث درباره عامل‌های به‌دسـت‌آمده و صفات مربوط به آن‌ها پرداخته می‌شود.

عامل اول: طمأنینه

حـوزه معنایی اول به «آرامش روانی» مربوط می‌شـود که در آیات و روایـات با واژهٔ «طمأنینه» بیان شده است. طمأنینه در قرآن (یوسف: ۱۱؛ فجر: ۸؛ رعد: ۲۸) و روایات (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج۲۴، ص۲۸۶؛ ج۵۲، ص۱۴۰؛ ج۶۴، ص۳۰۳؛ ج۶۶، ص۲؛ ج۶۸، ص۱۹۰، ۳۴۰ و ۳۴۲) برای اشـاره به حالت کلی احسـاس خوب داشـتن و فقدان نگرانی، دلواپسی، اضطراب و آشفتگی ذهنی در فرد به کار رفته اسـت. علاوه بر طمأنینه واژه‌های دیگری نیز مانند سـکینه، سـکون، أمان، أمن، ایمان، دعه، رجاء (در جنبه مثبت)، خوف، خشیت، احتراس، فزع، قلِق، رعب، رهبه، رجفه، وجِل و اضطراب (در جنبه منفی) با آرامش در ارتباط است. بر اساس یافته‌های این پژوهش طمأنینه در قطب مثبت شـامل ایمنی، خوش‌بینی، آرمیدگی، فلسفه و معنای زندگی و در قطب منفی شامل تهدید، بدبینی، اضطراب، پوچی و سرگشـتگی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزهٔ معنایی در جدول ۱ ارائه شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول ۱

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی طمأنینه

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
ایمنی	احساس ایمنی، وجود افراد دیگر و به‌طور کلی جهان را تهدیدی برای خود نمی‌داند، اعتقاد به نظام عادلانه جهان، دلبستگی ایمن به خدا؛
خوش‌بینی	امیدوار، مایل به پذیرش جنبه‌های مثبت امور، خوش‌بین به آینده، امیدوار به رحمت الهی؛
آرمیدگی	دارای آرامش درونی پایدار، در حالت ریلکس‌بودن، احساس راحتی و آسایش، فقدان ترس، نداشتن اضطراب و نگرانی، مسئله یا موضوع نگران‌کننده‌ای در زندگی خود احساس نمی‌کند؛
فلسفه و معنای زندگی	درک هویت خویشتن، آگاهی دربارهٔ فلسفه زندگی، اطمینان به اینکه راه و مسیر درستی را در زندگی خود انتخاب کرده است، اعتقاد به اینکه زندگی با مرگ به پایان نمی‌رسد، اطمینان خاطر و نترسیدن و نگران‌نشدن از مرگ (یقین).
قطب منفی	
تهدید	احساس ناامنی، احساس می‌کند هرلحظه ممکن است اتفاق بدی بیفتد، خود را در معرض تهدید می‌داند؛
بدبینی	مأیوس، ناامید، همیشه جنبه‌های منفی قضایا را در نظر می‌گیرد، با بدگمانی و سوءظن به مسائل و امور زندگی نگاه می‌کند، بدبین به آینده، ناامید از رحمت الهی؛
اضطراب	نگران، دلواپس، بی‌قرار، تنیده، مضطرب، احساس سردرگمی، آثار اضطراب در رفتار به‌صورت بی‌نظمی، بی‌خوابی، بی‌قراری و در ذهن به‌صورت درگیری ذهنی، ابهام، شک و تردید، ناتوانی در تمرکز ظاهر می‌شود، انتظار رویداد ناخوشایند در آینده که معمولاً علت آن برای فرد ناشناخته است، ترس از مرگ به خاطر جدایی از مال دنیا و دوستان (اضطراب جدایی)؛
پوچی و سرگشتگی	احساس اینکه زندگی پوچ و بی‌معنی است، ناتوان در یافتن پاسخ به سؤال‌های اساسی زندگی مانند اینکه از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت، ازخودبیگانگی، بحران هویت، دچار شک و تردید دربارهٔ موضوعات اساسی زندگی، فکر آشفته و پریشان، سرگشته، متحیر، سردرگم، گمراه.

عامل دوم: اعتدال

حـوزهٔ معنایی دوم بـه «اعتدال و میانه‌روی» مربوط می‌شـود. این محور عمدتـاً بر پایهٔ تحلیل و بررسـی واژه‌های قِصد، اقتصاد، عدل، وسط و انصاف که به نحوی همه بر حالت میانه دلالت دارند،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

مفهوم‌سازی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد واژهٔ کلیدی در این محور قِصد و اقتصاد است.

راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص۶۴۰) قصد را به اعتدال و میانه‌روی تعریف کرده است. در قرآن (نساء: ۴۳) نیز قصد به همین معنی به کار رفته است. این ویژگی وقتی به‌عنوان صفت شخصیتی به کار می‌رود یعنی صرفه‌جویی، دوری از افراط‌وتفریط در کارها و تعادل از نظر روحی و روانی مورد نظر است. نقطه مقابل این ویژگی، خروج از حدّ میانه است؛ به‌گونه‌ای که هرگاه این خروج در جهت پیشی [اقدام] و بیش از اندازه باشد، افراط و اگر در جانب کاستی و کوتاهی باشد تفریط گفته می‌شود (جرجانی، ۱۴۲۴ ق: ص۳۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص۵۹۸). در مقابل، بخل، خسّت، ظلم، اجحاف، جور، بغی، تعدّی، تجاوز، اسراف، تبذیر، غلوّ، افراط، تفریط، طغیان، عتوّ، افتراء و عصبیت برخی واژه‌هایی هستند که برای اشاره به خروج از حالت میانه به کار می‌روند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش اعتدال در قطب مثبت شامل صرفه‌جویی (حُسن تقدیر)، میانه‌روی، عدالت‌گرایی، تعادل روانی و در قطب منفی شامل ولخرجی (اسراف و تبذیر)، افراط‌وتفریط، بخل‌ورزی و آشفتگی روانی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزهٔ معنایی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی اعتدال

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
حُسن تقدیر	صرفه‌جویی، استفاده بهینه از امکانات (آب، برق، گاز، تلفن و...)، تناسب هزینه‌ها با سطح درآمد و وضعیت زندگی؛ اندازه نگه‌داشتن، پرهیز از هزینه‌های بی‌مورد و بیش از اندازه، اهل حساب‌وکتاب‌بودن و داشتن کنترل بر مسائل و موضوعات مالی؛
میانه‌روی	پرهیز از افراط‌وتفریط، میانه‌روی در ابعاد مختلف زندگی (عبادت، گرایش‌های دنیا و آخرت، انفاق، ارضای نیازها، دخل‌وخرج، غم و شادی، خوف و رجا)، ساده‌زیستی، مشی اجتماعی همگرا با دیگران؛
عدالت اجتماعی	حقوق خود و دیگران را به یک‌اندازه درنظرگرفتن، چیزی را که برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بپسندد، اخذ و اعطا در معاملات بر وجه اعتدال (حسن شرکت)، داشتن نوعی نگرش اجتماعی که از حقوق و مزایای برابر برای افراد و اقلیت‌های مختلف طرفداری می‌کند؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

تعادل روانی	تعادل حالات خلقی، هماهنگی ظاهر و باطن و گفتار و رفتار، توحیدیافتگی و رشد شخصیت.
قطب منفی	
ولخرجی	اسراف، زیاده‌روی در مصارف و هزینه‌های زندگی (خرید اسباب و اثاثیه، آب، برق، گاز، تلفن و...)، نداشتن کنترل بر روی موضوعات مربوط به امور مالی، گرایش به هزینه‌های بی‌مورد یا بیش از اندازه، اهل بریزوبپاش‌بودن، دست‌ودل بازی افراطی (تبذیر)
افراط‌وتفریط	گرایش به افراط یا تفریط مانند دنیاگرایی افراطی یا ترک دنیا، رعایت‌نکردن حد میانه در ابعاد مختلف زندگی (عبادت، دخل‌وخرج، روابط اجتماعی)، زیر پا گذاشتن حقوق خود، دیگران و خدا که اصطلاحاً به آن ظلم گفته می‌شود، غلوّ؛
بخل‌ورزی	گرایش افراطی به احتکار و پس‌اندازکردن پول و امکانات، تعصب‌ورزی، سخت‌گیری در مصارف و هزینه‌های زندگی (خود، خانواده و زیردستان)، اجتناب از رفتارهای یاری‌گرانه در مقابل دیگران، خسیس‌بودن، گذشت نداشتن در مسائل و امور مالی؛
آشفتگی روانی	نداشتن تعادل روانی، ناهماهنگی گفتار و رفتار، ذهن به‌هم‌ریخته، نداشتن نظم فکری.

عامل سوم: بزرگی نفس

یکی دیگر از حوزه‌های معنایی «بزرگی نفس» [کِبَر نفس] است. از نظر طوسی (۱۳۶۹: ص۱۱۳)، قمی (۱۳۸۹: ص۷۴) و نراقی (۱۳۸۱: ج۱، ص۲۹۶) بزرگی نفس ویژگی‌ای است که باعث می‌شود افراد امور ناخوشایند را تحمل کنند. طباطبایی (۱۳۸۹: ص۱۴۶) بزرگی نفس را به جرئت‌ورزی، شهامت، شجاعت، استواری دل و توانایی تحمل سختی‌ها و مشکلات تعریف کرده است. برخی مؤلفان (غزالی، ۱۳۷۶؛ حسینی شیرازی، ۱۳۸۹) شجاعت را مفهوم محوری در نظر گرفته و بزرگی نفس را یکی از صفات مربوط به آن برشمرده‌اند. در عین حال، ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که بزرگی نفس نسبت به شجاعت، مفهوم محوری است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج۱، ص۳۰۷). بلندهمتی، نجدت، غیرت، حمیّت (در جنبهٔ مثبت)، صِغر نفس، ذلت، مهانت، کیول، فاتک، جبان، خائف، هائب و متوانی (در جنبهٔ منفی) نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش بزرگی نفس در قطب مثبت شامل شهامت، شجاعت، بلندهمتی، غیرتمندی و در قطب منفی شامل ضعف و رخوت، ترسویی، پست‌همتی و بی‌غیرتی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزهٔ معنایی در جدول ۳ ارائه شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول ۳

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی بزرگی نفس

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
شهامت	باشهامت، جسور، باجرئت، بدون ترس و دودِلی به کاری که احتمال خطر در آن هست اقدام می‌کند، رُک، دارای صراحت لهجه، کسی که با قاطعیت نظرش را می‌گوید یا کاری را انجام می‌دهد، دوری از مسامحه‌کاری؛
شجاعت	دلیری، برخورد و اقدام سنجیده (مطابق حکم عقل و شرع رفتارکردن)، ازخودگذشتگی، تن‌ندادن به ذلت، حق خود را می‌گیرد بدون اینکه به حقوق دیگران تجاوز کند، سخاوتمندی، بردباری، خردمندی، خودکنترلی و غلبه بر هوای نفس؛
بلندهمتی	داشتن هدف عالی در زندگی و تلاش برای رسیدن به آن، پشتکار قوی در راه رسیدن به خواسته‌ها و اهداف؛ بلندنظری، سعهٔ صدر، آینده‌نگری، سعی می‌کند هر روز بهتر از روز قبل باشد؛
غیرتمندی	تعصب مثبت، حساسیت‌داشتن به ناموس، دین، کشور، آبرو و حمایت‌کردن از آن‌ها، (حساسیت هیجانی بالا).
قطب منفی	
ضعف و رخوت	عاجز، ناتوان، ضعیف (ضعف نفس)، دارای قدرت روحی و روانی پایین، نداشتن توانایی انجام کارها، ناتوانی در مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات، کودنی، کُندذهنی (بلادت و غباوت)، ضعف تجزیه‌وتحلیل و قدرت استدلال، ناتوانی در تصمیم‌گیری؛
ترسویی	بی‌جرئتی، بزدلی، بیم‌داشتن، فرارکردن از دشمن، تن‌دادن به ذلت و خواری، نابردباری، ناتوانی در کنترل تکانه، نداشتن روحیه ایثار و فداکاری؛
پست‌همتی	دل‌مشغولی به کارها و موضوعات معمولی، اهداف سطح پایین، مشغول‌شدن به کارهای بی‌ارزش، فقدان عزت‌نفس، پذیرش ذلت و خواری، سطحی‌نگری، مبتلاشدن به روزمرگی، پایین‌بودن انگیزه پیشرفت؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بی‌غیرتی	بی‌تفاوتی نسبت به دین، ناموس، کشور و آبروی خود و خانواده (دیوث، بی‌غیرت)، بی‌تفاوتی به ارزش‌های اخلاقی، نداشتن درک و احساس دینی و مذهبی (حساسیت هیجانی پایین)

عامل چهارم: خوش‌خلقی

حوزهٔ معنایی چهارم به صفات بین‌فردی مربوط می‌شود. عنوان جامعی که معمولاً در آموزه‌های دینی (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج۱۲، ص۱۴۸) در این زمینه به کار رفته، «حُسن خلق» (خوش‌خلقی) است.

بر حسب یک تعریف، حُسن خلق عبارت است از ویژگی‌ها و خصوصیاتی که افراد را به حسن معاشرت با مردم توأم با گشاده‌رویی، خوش‌رفتاری و مدارا وامی‌دارد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ص۲۷۱). روایتی از امام صادق (ع) (به نقل از: کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج۲، ص۱۰۳) نیز بر این تعریف دلالت دارد. حضرت در پاسخ به این سؤال که حسن خلق چیست؟ فرمود: «تلین جناحک و تطیب کلامک و تلقی اخاک ببشرٍ حسن؛ حسن خلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی».

گاهی حسن خلق به معنای گسترده‌تری به کار رفته است و همه صفت‌های پسندیده چه فردی و چه بین‌فردی را شامل می‌شود. در این کاربرد، حسن خلق مترادف و هم‌معنی با مکارم اخلاق در نظر گرفته شده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶). آنچه در اینجا مورد نظر است، معنای اول حسن خلق است. طبق این معنی، حسن خلق در قطب مثبت شامل روابط دوستانه، خیرخواهی، نرم‌خویی و گشودگی، و در قطب منفی شامل روابط خصمانه، گزند و آسیب، تندخویی و گرفتگی روانی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزهٔ معنایی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ٤

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی خوش‌خلقی

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
روابط دوستانه	روابط صمیمانه، عشق و محبت، مهرورزی، همدردی، عطوفت، اخوّت؛
خیرخواهی	احسان، نیکوکاری، مفیدبودن از نظر اجتماعی، خیرخواهی (نصح)، خدمت‌رسانی به دیگران، رفع مشکلات و گرفتاری مردم، اصلاح و امربه‌معروف، نوع‌دوستی، همکاری و یاری‌رسانی، حمایت از نیازمندان و اطعام و اکرام آن‌ها؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

نرم‌خویی	مدارا، برخورد نرم و ملاطفت‌آمیز (دماثت)، با گرمی برخوردکردن؛
گشودگی	گشاده‌رویی، خوش‌خلقی، اهل خوش‌وبش، خوش‌برخوردبودن، شوخ‌طبعی، خنده‌رویی، مزاح، خودمانی برخوردکردن، گشاده‌دستی، شرح صدر، انتقادپذیری.
قطب منفی	
روابط خصمانه	ستیزه‌جویی، نزاع، دشمنی و عداوت، کینه‌توزی، حسادت، عیب‌جویی از دیگران، بدخواهی فحش و ناسزاگویی، غیبت، سخن‌چینی، شماتت و توهین و تحقیر دیگران؛
گزند و آسیب	بدخواهی در مورد دیگران، افکار پلید، ویرانگری، شرارت، قتل نفس محترمه، به‌هم‌زدن نظم اجتماعی، ستمگری، غصب، تعدی و تجاوز، آزار و اذیت دیگران و ضرر واردکردن به آن‌ها؛
تندخویی	تندخویی، خشونت، نداشتن انعطاف و ترحم (غلیظ‌القلب)، برخورد سخت‌گیرانه (عنف)، درشتی (فظّ)، سردبودن، سنگدلی؛
گرفتگی روانی	گرفته، اخمو (عبوس)، غمگین، بدخلق (شکِس)، ترشرو، مقرراتی، خشک، اهل‌تکلف‌بودن در روابط میان‌فردی (کزازه)، بخیل، خسیس، خودداری، خودداری از سلام‌کردن به دیگران.

عامل پنجم: مناعت طبع

این حوزه به «مناعت طبع» مربوط می‌شود. مناعت در لغت به قوت و استواری، استحکام، بلندنظری، طبع عالی داشتن، بزرگ‌منشی (معین، ۱۳۸۷: ص۱۰۳۹) و در اخلاق اسلامی احساس بی‌نیازی (ورام، ۱۳۶۹) و عزت‌نفس (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج۲) تعریف شده است. هم‌چنین، کرامت، قناعت، شرافت، نجابت، عزت، حریت (در جنبه مثبت)، حقارت، ذلت، طمع، لئامت و غرور (در جنبه منفی) نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

با توجه به تحلیل و بررسی این گروه از واژه‌ها مناعت طبع در قطب مثبت شامل کرامت نفس، احساس بی‌نیازی، نجابت و شایستگی و آزادگی، و در قطب منفی شامل حقارت نفس، وابستگی به دیگران، فرومایگی و فریفتگی نفس می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۵ ارائه شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول ۵

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی مناعت طبع

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
کرامت نفس	احساس خودارزشمندی، احترام به خود، احساس خودکارآمدی و مفیدبودن، کرامت نفس، غلبه بر هوای نفسانی، نفوذناپذیری و سر تسلیم فرودنیاوردن در برابر غیرخدا؛
احساس بی‌نیازی	احساس بی‌نیازی از دیگران غیر از خدا، وابسته‌نبودن به دیگران، قناعت، متکی‌بودن به خویشتن، راضی، کم‌توقع، به آنچه در اختیار دارد اکتفا می‌کند ولی از کسی طلب نمی‌کند؛
نجابت و شایستگی	شریف، ارجمند، مورداحترام، بلندمرتبه، لایق، جوانمرد، نجیب، با اصل و نسب، دارای خصلت‌های برجسته، اخلاقی‌بودن و به آن معروف‌شدن؛
آزادگی	از تعلقات دنیوی آزادبودن و دلبستگی‌نداشتن به پول، مقام، ثروت و دیگر مظاهر دنیوی (حرّیت)، رهابودن از بند شهوات؛ داشتن روحیه استقلال، مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری و تن‌ندادن به ذلّت و خواری.
قطب منفی	
حقارت نفس	احساس منفی به خود داشتن، خودتحقیرگری، ناارزنده‌سازی، عزت‌نفس پایین، خودکم‌بینی، نارضایتی از ویژگی‌های جسمی و توانایی‌ها و مهارت‌ها، تحت تأثیر دیگران قرارگرفتن، فرهنگ‌پذیری، سلطه‌پذیری؛
وابستگی به دیگران	اعتمادبه‌نفس پایین، دست نیاز به این و آن دراز کردن، بار دوش دیگران بودن، بی‌لیاقتی، طمع‌ورزی، چشم‌دوختن به مال و اموال دیگران، اهمیت‌دادن به نظرات و قضاوت‌های دیگران؛
فرومایگی	پست، فرومایه (لئامت)، کسی که برای رسیدن به خواسته‌هایش از هیچ تباهی و بدکاری کوتاهی نمی‌کند، رذالت، به هر کار غیراخلاقی تن‌دادن یا آمادگی انجام آن؛
فریفتگی نفس	غافل، فریفته، فریب‌خوردن از نفس (الاغترار بالنفس)، پیروی از هوای نفس، فریب دنیا را خوردن، دلبستگی به دنیا (پول مقام، ثروت و دیگر مظاهر دنیوی)، بندگی هوای نفس (من اتخذ الهه هواه).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

عامل ششم: انعطاف‌پذیری

این حوزه به «انعطاف‌پذیری» مربوط می‌شود که بر اساس واژه‌های توافق، ملائمت، لینت، تآلف، عفو، صفح، رضایت، متابعت، تصدیق (در جنبه مثبت)، تعارض، مخالفت، تضاد، عداوت، معاندت، فظّ، لجاجت، طرد، انکار، انتقام و مجادله (در جنبه منفی) مفهوم‌سازی شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل و بررسی این گروه از واژه‌ها، انعطاف‌پذیری در آموزه‌های اسلامی به توانایی سازگاری و هماهنگی با افراد، محیط و شرایط زندگی به‌طور کلی اشاره دارد. بر پایه این تعریف، انعطاف‌پذیری در قطب مثبت شامل آسان‌گیری، گذشت، سازگاری اجتماعی، پذیرش و تسلیم، و در قطب منفی شامل سخت‌گیری، رفتارهای تلافی‌جویانه، ناسازگاری اجتماعی و طرد و انکار می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶
نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی انعطاف‌پذیری

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
آسان‌گیری	اهل مدارا، با نرمی و مهربانی رفتارکردن، بردباری و تحمل آزار دیگران، در داد و ستد به طرف مقابل مهلت می‌دهد، اهل تکلف‌نبودن (سعی می‌کند خود و دیگران را به زحمت نیندازد)، زندگی را سخت نمی‌گیرد
عفو و گذشت	از خطا جرم یا گناه کسی درگذشتن، عذرپذیری، دادن فرصت جبران به کسی که مرتکب اشتباهی شده است، چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن خطای دیگران (گاهی کاستی و عیبی را در کسی می‌بیند اما به‌گونه‌ای وانمود می‌کند که گویا از آن بی‌خبر است)؛
سازگاری اجتماعی	گرایش به همراهی و همکاری با دیگران، توافق، توانایی کنارآمدن با شرایط جدید و افراد بداخلاق، پذیرش و رأی اکثریت و پافشاری‌نکردن بر نظر شخصی، مسالمت‌جویی در روابط و تعامل اجتماعی، صلح و دوستی، سعی می‌کند برای حفظ مصالح خود را با دیگران سازگار کند؛
پذیرش و تسلیم	پذیرش شرایط زندگی و شکایت و اعتراض‌نکردن در برابر مقدرات، پذیرش حقیقت و مقاومت‌نکردن در برابر آن (تصدیق)، تسلیم‌بودن.
قطب منفی	

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

سخت‌گیری	مقرراتی‌بودن، سخت‌گرفتن امور بر خود و دیگران، رفتارِ با خشونت (خرق، عنف، مکاشفه)، تکلف (خود و دیگران را به تکلف می‌اندازد)؛
رفتارهای تلافی‌جویانه	سعی می‌کند آزار، اذیت و رفتار بد دیگران را تلافی کند، کینه‌جویی، حسادت، رفتار متقابل و تلافی‌جویانه از خود نشان دادن، بدی را به بدی پاسخ گفتن؛
ناسازگاری اجتماعی	رقابت‌جو، انعطاف‌ناپذیر، یک‌دنده، کله‌شق، لجباز، لجوج، سرسخت، اهل مجادله، آمادگی‌نداشتن برای سازگاری (جبّاس)، خودرأیی، واگرایی از نظر نگرش‌ها، باورها و رفتارها؛
طرد و انکار	خوددار‌بودن، ازخودراندن و دورکردن دیگران، انتقادناپذیری، گوش‌ندادن به حرف دیگران، انکار و نپذیرفتن حقیقت، جاذبهٔ میان‌فردی پایین.

عامل هفتم: تعهد

حوزهٔ معنایی هفتم به «تعهد» مربوط می‌شود. تعهد در لغت (معین، ۱۳۸۷: ص۲۹۷) برای اشاره به گردن‌گرفتن و ملتزم‌شدن امری، عهده‌دارشدن کاری یا نگهداری از چیزی به کار می‌رود. در اینجا منظور از تعهدداشتن یک‌سری صفات مثبت مانند وفاداری، قدرشناسی، صداقت، جوانمردی، وجدان اخلاقی و رعایت انصاف است. در تمامی این صفات پایبندی به شرطی یا کاری در برابر خود یا دیگران وجود دارد. از نظر راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص۱۹۹) نزدیک‌ترین واژه به تعهد در آموزه‌های اسلامی «تحفظ» (پایبندی به عهدی که افراد بسته‌اند) است.

این حوزهٔ معنایی بر اساس واژه‌های عهد، وفا، شُکر، صدق، حق، اخلاص، عدل، انصاف (قطب مثبت)، جفا، کفر، خیانت، تقلّب، غدر، نفاق، خبّ، ختّار، کذب، افک، افترا و تزویر (قطب منفی) مفهوم‌سازی شده است. تعهد در قطب مثبت شامل قدرشناسی، صداقت، انصاف، وفای به عهد و در قطب منفی شامل ناسپاسی، فریب‌کاری، توطئه‌گری، پیمان‌شکنی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای صفات مربوط به این حوزه در جدول ۷ ارائه شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول ۷

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی تعهد

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
قدرشناسی	ارزش کار یا محبت دیگران را درک‌کردن، سپاسگزاری از نیکی دیگران، پاسخ به خوبی دیگران با خوبی (مکافات)، شکرگزاری نعمت‌های خداوند، استفاده بهینه از امکانات و وسایلِ در اختیار؛
صداقت	صداقت، اخلاص، درستکاربودن، صفا و صمیمیت در روابط میان‌فردی، دوری از ریا و تملق‌گویی دیگران؛
انصاف	طرفداری از حقیقت، رعایت عدل و انصاف، انجام‌دادن و به‌جاآوردن آنچه صواب است، زیر پا نگذاشتن حق به خاطر منافع خود، رفتار از روی انصاف حتی در صورت بی‌توجهی دیگران، طردنکردن دیگران، خرده‌نگرفتن از دیگران؛
وفای به عهد	پایبندی به عهد، پیمان و دوستی، امانت‌داری از چیزهایی که به وی سپرده شده و بازگرداندن آن.
قطب منفی	
ناسپاسی	حق‌نشناسی، ندانستن قدر نعمت‌های الهی یا نیکی‌های دیگران، پاسخ خوبی با بدی؛
فریب‌کاری	غلّ و غش، تقلب، کلاه‌گذاشتن سر دیگران، حیله‌گری، گرایش به پنهان‌کاری، دروغ‌گویی، دورویی، تملق و چاپلوسی، صمیمیت‌نداشتن در روابط میان‌فردی، ریاکاری، خودنمایی؛
توطئه‌گری	زمینه‌سازی و تبانی برای وصول به هدفی معمولاً خیانت‌کارانه، دسیسه‌گری، سخن‌چینی، بدخواهی دیگران، چیزی را که برای خود نمی‌پسندد برای دیگران می‌پسندد، تهمت‌زدن به دیگران؛
پیمان‌شکنی	مطابق تعهدات و قول‌وقرارهای خود رفتارنکردن، خیانت‌کاری در نگهداری و محافظت از چیزهایی که به فرد سپرده شده، کوتاهی‌کردن، افشاکردن اسرار دیگران.

عامل هشتم: شادکامی

حوزه معنایی هشـتم به «شـادکامی» (احساس خوشـحالی، رضایت‌مندی و سعادت) مربوط می‌شود که با استفاده از واژه‌های فرِح، مبتهج، مسرور، جذِل، مرِح، مغتبط، سعید، نشیط، مطرب،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

حبور، رضا، استبشـار، بطر و اشـر برای اشاره به خُلق بالا، و کئیب، حزین، مغموم، مهموم، أسف، أسی، کسل، توانی، مَلل برای اشاره به خُلق پایین مفهوم‌سازی شده است. شادکامی در قطب مثبت شامل شادی، سرزندگی، رضایتمندی و حس خوشبختی، و در قطب منفی شامل غمگینی، رخوت و کسـالت، بیزاری و نفرت و حس بدبختی می‌شـود. نشـانه‌ها و کارکردهای ایـن حوزه معنایی در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی شادکامی

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
شادی	شادبودن، خوشحالی و سرور، شوخ‌طبعی، احساس خوب داشتن، نبود حالت غمگینی و ناراحتی در فرد؛
سرزندگی	نشاط، سرزندگی، حالت گشودگی و انبساط خاطر، خُلق بالا، آمادگی برای کار و فعالیت و لذت‌بردن از آن، توانایی مقابله با استرس؛
رضایتمندی	احساس رضایت از زندگی، هماهنگی انتظارات با واقعیت‌ها، درک معنای سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، تن‌دادن به قضا و قدر الهی؛
حس‌خوشبختی	احساس لذت از زندگی، سعادتمند، کسی که به خاطر داشتن مجموعه‌ای از امتیازات و امکانات مادی و معنوی در آرامش و رفاه زندگی می‌کند، رضایت از زندگی به دلیل داشتن ویژگی‌های روانی، خوش‌بینی، مثبت‌نگری.
قطب منفی	
غمگینی	حالت حزن و اندوه، غمگین‌بودن، احساس ناراحتی و بدحالی؛
رخوت و کسالت	کسالت، سستی، تنبلی، خُلق پایین، تحت‌فشاربودن، ملول‌شدن از چیزی و رویگردانی از آن، اهمال‌کاری، کندی روانی، اقدام‌نکردن به انجام کار یا اتمام آن؛
بیزاری و نفرت	ناخشنود، ناراضی، آن که از چیزی، کسی یا کاری راضی نیست، قانع‌نبودن به داشته‌ها، حریص و آزمندبودن، نارضایتی به مقدرات الهی و شرایط زندگی به‌طور کلی، شکایت و گلایه و اعتراض از جریان امور؛
حس بدبختی	احساس بدبختی، بی‌بهره از زندگی یا وضع روحی مطلوب (شقاوت)، بیچارگی، تیره‌روزی و احساس درماندگی، بدبینی به زندگی به‌طور کلی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

عامل نهم: فعال‌بودن

این حوزه مربوط به «فعال‌بودن» اســت که با ویژگی‌هایی چون انگیزش بالا، پشــتکار، تلاش و جدیت، نیرومندی و چالش‌پذیری مشــخص می‌شــود. واژه‌های مربوط به این حوزه عبارت‌اند از: جدّ، جهد، سعی، کدح، طاقت، صلابت و قدرت، و نقطهٔ مقابل آن واژه‌های توانی، تهاون، تساهل، تکاسل، ضعف، عجز، ضجر، وهن، ارتخاء و تأخیر است.

فعال‌بودن در قطب مثبت شامل میل به پیشرفت، مفیدبودن، پشتکار، حس انسجام، و در قطب منفی شــامل تنبلی و رکود، بطالت، اهمال‌کاری و ازهم‌گســیختگی می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی فعال‌بودن

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
انگیزه پیشرفت	اهل کار و تلاش، کوشا، جدی، مصمم، بااراده، تعالی‌جویی، پویایی، استقامت و پایداری در راه هدف، برنامه‌ریزی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و امکانات؛
مفیدبودن	سازنده، مولد، گرایش به خلاقیت و کارآفرینی، خدمت‌رسانی، تلاش برای عمران و آبادانی، مفیدبودن از نظر اجتماعی، دوست ندارد بار دوش دیگران باشد، استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود در مسیر درست؛
پشتکار	دقت در انجام درستِ کارها، اتقان عمل، توجه و اهمیت به کیفیت کار، سعی می‌کند کار را به بهترین نحو انجام دهد (وجدان کاری)، کار را به پایان می‌رساند و نیمه‌کاره رها نمی‌کند (تمامیت‌خواهی)، نظم و انضباط در کار؛
حس انسجام	استقامت، پایداری در راه هدف، رویارویی با سختی‌ها و مشکلات، زود از کار خسته و دل‌زده نمی‌شود، چالش‌پذیری، سرسختی، داشتن نیروی کافی برای انجام کارها و مأموریت‌های زندگی، سازمان‌دهی.
قطب منفی	
تنبلی و رکود	تنبل، کاهل، ناتوان، بی‌اراده، بی‌انگیزه، منفعل، ضعیف، مستأصل، از زیر کار دررفتن، زود دست از تلاش کشیدن، نیاز به تقویت و تأیید از سوی دیگران برای انجام کارها، گرایش به حفظ موقعیت کنونی، همت پایین؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بطالت	هدردادن و ضایع‌کردن امکانات، ناتوانی در استفاده بهینه از سرمایه زمان و عمر گران‌مایه، اتلاف وقت، بی‌تحرکی، درجازدن، منفعل و بی‌خاصیت‌شدن، نداشتن برنامه در زندگی، در خسران‌بودن، بار دوش دیگران بودن؛
اهمال‌کاری	کارش را به موقع انجام نمی‌دهد، احساس بی‌مسئولیتی در برابر دیگران، کار را سرسری انجام‌دادن، بی‌توجهی به کیفیت کار، معمولاً کارها را نیمه‌کاره رها می‌کند، سهل‌انگاری؛
ازهم‌گسیختگی	عجز و ناتوانی در رویارویی با چالش‌های زندگی، احساس درماندگی و ناتوانی.

عامل دهم: عفت

ایـن حـوزه به «عفت» مربوط می‌شـود. عفـت در لغت به معنـای بازداری (قمـی، ۱۴۰۴ ق: ج۶، ص۳۰۳) و در آموزه‌های دینی به پارسـایی و پرهیزگاری، پاکدامنی، رعایت اصول اخلاقی و خودداری از گفتار و رفتار زشت و ناپسند اشاره دارد (ابن عربی، ۱۳۸۸). راغب اصفهانی (۱۳۹۰: ص۵۴۱) عفـت را بـه حصول حالت نفسـانی در فرد تعریف کرده اسـت که مانع از غلبه شـهوت می‌شـود. عفت در قطب مثبت شامل خودمراقبتی، وارستگی، قناعت، حیا، و در قطب منفی شامل بی‌بندوباری، دلبسـتگی به دنیا، زیاده‌خواهی و حرمت‌شـکنی می‌شود. نشـانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی عفت

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
خودمراقبتی	خویشتن‌داری، صیانت نفس، پرهیزگاری، پاکدامنی، تهذیب و تزکیه نفس، رعایت حلال و حرام در کسب و درآمد؛
وارستگی	زهدورزی، بی‌رغبتی و بی‌علاقگی به دنیا، اکتفای به دنیا و بهره‌های آن به اندازه‌ای که کار جسم را راه می‌اندازد، پرهیز و دوری از اسراف، بسنده‌کردن به حلال، پرهیزگاری، پارسایی (تقوا)، گرایش به رعایت اصول اخلاقی مانند صبر، وقار، مسالمت‌جویی و آزادگی؛
قناعت	راضی‌بودن و بسنده‌کردن به حداقل امکانات مورد نیاز در زندگی، صرفه‌جویی در مصارف و هزینه‌های زندگی؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

حیا	خودداری از بیان چیزی، ابراز حالتی یا انجام کاری به دلیل ترس از خواری یا بی‌آبرویی، شرم‌داشتن، ملاحظه با دیگران به‌ویژه بزرگ‌ترها، بازداری هنگام مواجه‌شدن با فعل قبیح و غیراخلاقی (حیای از خود، دیگران و خدا).
قطب منفی	
بی‌بندوباری	پیروی از هوی و هوس و خواهش‌های نفسانی، پایبندنبودن به اصول اخلاقی، مرتکب‌شدن اعمال خلاف شرع، اخلاق یا مقررات اجتماعی، آلودگی به فساد و فحشا، ابتذال، شهوت‌رانی، هوس‌بازی، عشوه‌گری و طنّازی، خروج از فرمان خدا و راه و رسم بندگی (فسق)، هرزگی، روابط نامشروع، انحراف جنسی (خودارضایی، روسپی‌گری و...)؛
دلبستگی به دنیا	علاقه و محبت بیش‌ازحد و افراطی به دنیا و مظاهر آن، مشغول‌شدن به دنیا و فراموش‌کردن آخرت، لذت‌گرایی، مال‌اندوزی، خوشگذرانی (اتراف)؛
زیاده‌خواهی	حریص، آزمند، کسی که به‌صورت افراطی و مهارگسیخته خواستار تحقق خواهش‌های نفسانی خویش است، زیاده‌خواهی، سیری‌ناپذیری، طمع‌کاری؛
حرمت‌شکنی	به دیگران بد و بی‌راه گفتن، کسی که پرده‌دری می‌کند و موجب رسوایی و بی‌آبرویی خود یا دیگران می‌شود (تهتّک)، درک‌نکردن حضور خدا و مرتکب گناه شدن.

عامل یازدهم: ثَبات

حوزه معنایی یازدهم به «ثَبات» مربوط شود. ثَبات در لغت به پایداری (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص۱۲۶)، استقامت، استواری، بر یک حال بودن و تغییرنکردن (هواری، ۲۰۱۰م: ص۱۹۱) تعریف شده است. از نظر طوسی (۱۳۶۱؛ ۱۳۶۹)، غزالی (۱۳۷۶) و نراقی (۱۳۸۱: ج۱) ثَبات از مهم‌ترین صفت‌های اخلاقی است. این ویژگی در مورد کسی به کار می‌رود که: ۱. در گفتار خود پابرجاست و تصمیم و عقیده‌اش را تغییر نمی‌دهد؛ ۲. اراده‌ای قوی دارد و از خود استقامت نشان می‌دهد؛ ۳. بر یک حال باقی می‌ماند و از نظر خُلقی تغییر نمی‌کند؛ ۴. در کارهای خود با تأنی و تأمل تصمیم‌گیری می‌کند.

واژه‌های مربوط به این حوزه در جنبه مثبت حلیم، وقور، صبور، حمول، رزین، رصین، متین، کتمان، صمت و در جنبه منفی جزع، فزع، هلوع، جاهل، طائش، بقباق، غبی، سفیه، احمق، اذاعه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

و عجول هستند.

ثَبات در قطب مثبت شـامل بردباری، وقار، شـکیبایی و خودنگهداری، و در قطب منفی شامل پرخاشـگری، تهییج‌پذیری، ناشکیبایی و رهابودن می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی ثَبات

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
بردباری	حلیم، بردبار، تحمل بدرفتاری دیگران، پرهیز از پرخاشگری و انتقام، سعهٔ صدر داشتن، روحیهٔ انتقادپذیری، خویشتن‌داری از رفتارهای پرخاشگرانه (فحش و ناسزاگویی، ضرب و شتم، آسیب‌زدن به دیگران)، کظم غیظ، خونسردی، زود از کوره در نمی‌رود، از حرف زیاد و بیهوده پرهیز می‌کند؛
وقار	باوقار، متین، دارای خُلق ثابت، تغییر و تحولات زندگی نمی‌تواند وضعیت روحی و روانی‌اش را به هم بزند، زود خوشحال یا ناراحت نمی‌شود (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم) خودداری از حرف زیاد و بیهوده، پرهیز از شتاب‌زدگی در کارها، تصمیم‌گیری با تأنی و تأمل در کارها؛
شکیبایی	صبور، در مشکلات مصائب و گرفتاری‌ها صبوری از خود نشان می‌دهد، در حوادث ناگوار زندگی بی‌تابی (جزع‌وفزع) نمی‌کند، در راه هدف استقامت و پایداری از خود به خرج می‌دهد؛
خودنگهداری	مواظبت زبان، خاموشی (صمت)، رازداری، حفظ اسرار خود و دیگران (کتمان)، کنترل زبان از ناسزاگویی بددهنی و سخنان زشت و ناروا (تصوّن)، خودپایی.
قطب منفی	
پرخاشگری	نمی‌تواند رفتارهای بد دیگران را تحمل کند، نشان‌دادن رفتارهای پرخاشگرانه به‌صورت فحش و ناسزاگویی، توهین، تحقیر، ضرب و شتم، اقدام به کشتن کسی یا از بین‌بردن چیزی، زود از کوره در می‌رود، انجام رفتارهای غیرعاقلانه؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

تهییج‌پذیری	تحریک‌پذیر، بی‌ثبات، زود با دیگران قهر و زود آشتی می‌کند، ناتوان در کنترل هیجان‌های خود، زود از چیزی ناراحت و زود خوشحال می‌شود، دمدمی‌مزاج، ناتوانی در مقابله با استرس، به‌صورت دفاعی واکنش نشان می‌دهد، شتاب‌زدگی، رفتار عجولانه، تصمیم‌گیری سریع و نسنجیده در کار، سبک‌سری، به دیگران ناسزا می‌گوید (سفاهت)؛
ناشکیبایی	در مشکلات، مصائب و گرفتاری‌ها جزع و بی‌تابی می‌کند، سطح تحمل پایین، آمادگی برای داغ‌دیدگی؛
خودرهایی	افشاکنندهٔ اسرار، رازها و مسائل خصوصی خود و دیگران (اذاعه)، دهن‌لق، بی‌احتیاط، نداشتن کنترل بر رفتارهای خود.

عامل دوازدهم: زیرکی

ایـن حـوزه به «زیرکی» (کیاسـت) مربوط اسـت. در روایـات (به نقل از: جمال خوانسـاری، ۱۳۶۶: ج۱، ص۱۲۶) زیرکی با خردمندی (عقل) در ارتباط است. از این‌رو، شریف رضی (۱۴۱۴ ق: ص۶۲۹) زیرکی را به خردمندی تعریف کرده است.

بر اسـاس یافته‌های این پژوهش هوشـمندی، دوراندیشـی (حزم)، بصیرت و رشـد شـخصی (در قطب مثبت) و ناتوانی ذهنی، سـطحی‌نگری، رفتار عجولانه، خودفراموشـی (در قطب منفی) مؤلفه‌هـای اصلـی صفت زیرکی را تشـکیل می‌دهند. این حوزه معنایی با توجـه به واژه‌های کیّس، فهیـم، ذکی، عاقـل، لبیب، حزم، تدبیر (در قطب مثبت)، و احمـق، جاهل، غبی (در قطب منفی) مفهوم‌سازی شده است. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱۲ نشان داده شده است.

جدول۱۲

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی زیرکی

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
هوشمندی	فهم و درک، قدرت تجزیه‌وتحلیل، کل‌نگری، تیزهوشی، ژرف‌نگری، بررسی مسائل و موضوعات به‌صورت عمیق و از زوایا و ابعاد مختلف، هشیار، عاقل، باذکاوت؛
دوراندیشی	حزم، آینده‌نگری، دوراندیشی، فقط زمان حال را نگاه نمی‌کند بلکه به آینده نیز توجه دارد، آخرت‌نگری، سعی می‌کند آینده‌اش بهتر از گذشته‌اش باشد، در کارها با دیگران مشورت می‌کند، استفاده از تجربهٔ گذشته، رعایت نظم و انضباط، احتیاط، مصمم، بااراده، آمادگی و توان مقابله با رویدادهای آینده؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

بصیرت	بدون اینکه عاقبت کاری را در نظر بگیرد به آن اقدام نمی‌کند (النظر فی العواقب)، تدبیر، واقع‌بینی، در تصمیم‌گیری همه جوانب کار را در نظر می‌گیرد، اقدام‌نکردن و انجام‌ندادن کارهای شبهه‌ناک، رعایت احتیاط، پیشگیری از رفتارهای پرخطر، برنامه‌ریزی و نظم و انضباط، تفکر منطقی؛
رشد شخصی	به دنبال کمال و صفا و پاکی است، برای اصلاح و پیشرفت خویش تلاش می‌کند، به جای پرداختن به دیگران و یادآوری نقص‌ها و کاستی‌های آنان به نقایص و کاستی‌های خود توجه دارد، خودارزیابی، رشدجویی، خودشکوفایی.
قطب منفی	
ناتوانی ذهنی	کندفهم، کم‌هوش، ناتوانی در تجزیه‌وتحلیل موضوعات و مسائل، درک و فهم پایین، ناتوانی در یادگیری؛
سطحی‌نگری	دارای معلومات اندک و تفکر بسته، بینش یا تفکر جدی و عمیق نداشتن، ساده‌لوح، بی‌دقت، گرفتن تصمیمی یا انجام‌دادن کاری بدون توجه به تمام جوانب آن، دنیاگرایی، تکیه بر آرزوهای خود، ظاهربین، تقلید از دیگران در موضوعاتی نباید تقلید کند؛
رفتار عجولانه	کسی که بدون استفاده از عقل و منطق و بدون توجه به جنبه‌های مختلف یک موضوع تصمیم به انجام کاری می‌گیرد، بدون اینکه عاقبت کاری را در نظر بگیرد به آن اقدام می‌کند، در زندگی خود نظم و برنامه ندارد، نسنجیده حرف می‌زند؛
خودفراموشی	غافل از خود، قبل از اینکه خود را اصلاح کند به اصلاح دیگران می‌پردازد، چیزهایی را می‌گوید که خود به آن کمتر عمل می‌کند، چیزهایی را که برای دیگران عیب می‌شمارد در خود عیب نمی‌داند، در فکر اصلاح خود نیست.

عامل سیزدهم: فروتنی

این حوزه به «فروتنی» مربوط می‌شود که در اصل بر اساس تواضع مفهوم‌سازی شده است. طوسی (۱۳۶۹: ص۲۹۱) تواضع را نقطه مقابل صِلِف (خودستایی، توصیف‌کردن شخص خود به صفت‌هایی که شایستگی و استحقاق آن را ندارد) و نراقی (۱۳۸۳) آن را نقطه مقابل کبر و تکبر قرار داده است. در روایات (کلینی، ۱۳۷۵: ج۱، ص۲۱؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ج۲، ص۵۸۹) نیز تواضع بیشتر در برابر کبر و تکبر به کار رفته است.

در آیات و روایات (به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج۷۲، ص۱۳۵) تواضع گاهی در ارتباط با دیگر انسان‌ها (حالت شکسته‌نفسی و راضی‌شدن فرد به مرتبهٔ کمتر از شأن و مقام خود) و گاهی در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ارتباط با خدا (خشوع، حالت تسلیم و انقیاد، احساس ذلت و خواری در برابر خدا) به کار می‌رود. واژه‌های اخبات، خضوع، خشـوع، تسلیم، رضا، انکسار نفس (در قطب مثبت)، استکبار، عُجب، خیـلاء، عجرفه، علـو، تباهی، فخر، غرور، تجبّر، تعظّم و اختیال (در قطب منفی) نیز در این حوزهٔ معنایی قرار می‌گیرد.

تحلیل و بررسی واژه‌های مربوط به این حوزه نشان داد که شکسته‌نفسی، آمادگی برای خدمت، حس نوع‌دوسـتی، پذیرش خـود (در قطب مثبت)، و خودشـیفتگی، خودبرتربینـی، خودکامگی، سـلطه‌گری (در قطب منفـی) مؤلفه‌های اصلی فروتنی هسـتند. نشـانه‌ها و کارکردهای فروتنی در جدول ۱۳ ارائه شده است.

جدول۱۳
نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی فروتنی

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
شکسته‌نفسی	حالت افتادگی، شکسته‌نفسی، خود را کمتر از آنچه هست نشان می‌دهد، خشوع، خضوع و تسلیم در برابر خداوند، رفتار و مشی آرام و به دور از کبر و نخوت، گرایش به گمنامی (دوست دارد ناشناخته و گمنام باقی بماند)، پرهیز از شهرت و قدرت؛
آمادگی برای خدمت	داوطلب خدمت اجتماعی می‌شود، در کارها با دیگران مشارکت می‌کند، از ارتباط و همکاری با افراد پایین‌تر از خود احساس خوبی دارد، کارهایش را خودش انجام می‌دهد، دوست ندارد از دیگران سوءاستفاده کند؛
حس نوع‌دوستی	احترام به دیگران، نداشتن روحیه تبعیض و تعصب، از بودنِ با افراد سطح پایین‌تر از خود احساس خوبی دارد؛
پذیرش خود	خودشناسی (آگاهی شخص از ضعف‌ها و توانایی‌های خود)، خودباوری، اعتمادبه‌نفس بالا، احساس خودکارآمدی، کرامت نفس.
قطب منفی	
خودشیفتگی	خودشیفته، مغرور، خودپسند، خودستا، دوست دارد دیگران از او تعریف و تمجید کنند، دوست دارد همه چیزهای خوب از او باشد، نمی‌تواند خوبی‌های دیگران را ببیند؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

خودبرتربینی	متکبر، خودبرتربین، خود را بهتر و برتر از دیگران می‌داند در حالی که این‌گونه نیست، خود را بهتر از آنچه هست می‌پندارد (خودپنداره کاذب)، گرایش به تبعیض، متعصب، در کارها با دیگران مشارکت نمی‌کند، از بودن با افراد سطح پایین‌تر از خودش احساس خوبی ندارد؛
خودکامگی	خودخواه، مستبد، خودرأی، خودسر، نافرمان، سرکش، متمرد، عصیانگر (از اوامر و دستورات خداوند سرپیچی و نافرمانی می‌کند)، پُرتوقع، جاه‌طلب؛
سلطه‌گری	زورگو، متجاوز، ستم‌پیشه، استعمارگر، تا بتواند از دیگران سوءاستفاده کند، دیگران را تحت سلطه و سیطره خود قرارمی دهد، به حریم دیگران تجاوز می‌کند.

عامل چهاردهم: پیوندجویی

این حوزه «پیوندجویی» نام دارد. پیوندجویی ویژگی شخصیتی‌ای است که با معاشرت، ارتباط و تعامل با دیگران مشخص می‌شود (حر عاملی، ۱۳۸۶). واژه‌های مربوط به این حوزه عبارت‌اند از: معاشرت، مخالطت، مصاحبت، الفت و مؤانست که همه به نحوی گرایش به نزدیکی و رو آوردن به سوی دیگران را نشان می‌دهد. در مقابل، انزوا، تفرّد، افتراق، اعتزال، انعزال و خلوت هستند که با رویگردانی از دیگران و گرایش به تنهایی در افراد ظاهر می‌شود. در این حوزه واژگانی، معاشرت و الفت در جنبه مثبت و عزلت و افتراق در جنبه منفی بیشترین کاربرد را دارند.

پیوندجویی در قطب مثبت شامل معاشرتی‌بودن، عصبیت‌گرایی، ازخودفراروندگی، احساس جمعی و در قطب منفی شامل انزواطلبی، فردگرایی، درخودماندگی، گسستگی و تفرّد می‌شود. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه در جدول ۱۴ ارائه شده است.

جدول۱۴

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی پیوندجویی

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
معاشرتی‌بودن	گرایش‌داشتن به برقراری ارتباط و انس و الفت با دیگران، اجتماعی، مردم‌آمیزی، مهرورزی و محبت به دیگران؛
گروه‌جویی	عصبیت، همبستگی اجتماعی، اخوت، گرایش به هویت اجتماعی و ملی؛
ازخودفراروندگی	حساسیت به نیازهای دیگران، توجه به نظر دیگران، خود را جای دیگران قراردادن؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

احساس جمعی	احساس یگانگی با کل بشریت، بنی‌آدم را اعضای یک پیکر می‌داند، همدلی، همکاری، احساس مسئولیت در برابر همه انسان‌ها.
قطب منفی	
عزلت	تمایلی به ارتباط ندارد، کناره‌جو، منزوی، خلوت‌گزین (دوست دارد با خودش خلوت کند)
فردگرایی	مشارکت‌نکردن در فعالیت‌های جمعی، گرایش به فعالیت‌هایی که نیاز به حضور دیگران نیست، درون‌گرا؛
درخودماندگی	درخودمانده، در کارها و تصمیم‌گیری‌ها نظر خود را ملاک قرار می‌دهد، از تجربه و نظر دیگران استفاده نمی‌کند؛
گسستگی و تفرد	فردیت، احساس گسستگی از دیگران، خود را تافتهٔ جدابافته از دیگران می‌داند، بی‌تفاوت در برابر دیگران، نداشتن احساس مسئولیت در برابر دیگران، کمتر با دیگران همدردی می‌کند.

عامل پانزدهم: تکلیف‌پذیری

این حوزه به «تکلیف‌پذیری» مربوط می‌شود. تکلیف در لغت از ریشهٔ کلفت به معنای مشقت و سختی گرفته شده است و به کاری گفته می‌شود که وقتی فرد می‌خواهد آن را انجام دهد با سختی و مشقت روبه‌رو خواهد شد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ص۶۹۱). در اصطلاح شرع، تکلیف به فرمان، حکم، واجب‌شدن فرایض شرعی به سبب رسیدن شخص به سن بلوغ (طباطبایی، ۱۳۶۸ ق: ص۳) اشاره دارد و در اصطلاح متکلمان، ارادهٔ کاری که انجام‌دادن آن برای فرد (مکلّف) مشقت دارد (همدانی، بی‌تا: ص۲۹۴)، یا اراده مولا [کسی که در مرتبه بالایی قرار دارد] از غیرخود به آنچه در آن سختی و مشقت است (طوسی، ۱۴۰۶ ق: ص۱۰۱).

بر اساس آموزه‌های اسلامی، خداوند به‌عنوان شارع و قانون‌گذار، دو نوع تکلیف و قانون وضع [تشریع] کرده است. برخی از قوانین خداوند جنبه فردی و برخی دیگر جنبه اجتماعی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ص۲۶۸). در اینجا منظور از تکلیف‌پذیری ویژگی‌ای است که فرد بر اساس آن سعی می‌کند وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود را به درستی انجام دهد.

این حوزهٔ معنایی عمدتاً بر اساس واژه‌های ایمان و اخبات (در جنبه مثبت) و بغی و ظلم (در جنبه منفی) مفهوم‌سازی شده است. قانون‌گرایی، پایبندی مذهبی، حس مسئولیت و حق آزادی و انتخاب، ۴ ویژگی اصلی تکلیف‌پذیری در قطب مثبت، و قانون‌گریزی، اعتقاد به زندگی آزاد، اباحه‌گرایی و تفکر جبرگرا، ۴ ویژگی آن در قطب منفی هستند. نشانه‌ها و کارکردهای این حوزه معنایی در جدول ۱۵ ارائه شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول۱۵

نشانه‌ها و کارکردهای حوزه معنایی تکلیف‌پذیری

خصیصه‌ها	مؤلفه‌ها و کارکردها
قطب مثبت	
قانون‌گرایی	پایبندی به قوانین و مقررات اجتماعی، آگاهی و عمل به قوانین، قانون و مقررات را در جامعه لازم و ضروری می‌داند؛
پایبندی مذهبی	احساس بندگی (متعبد)، مذهب را بخشی از برنامه زندگی خود می‌داند و به دستورالعمل‌های مذهبی عمل می‌کند (انجام تکالیف دینی)؛
حس مسئولیت	مسئول، تکلیف‌مدار، وظیفه‌شناس، احساس مسئولیت در برابر خود، دیگران و خدا، نوع‌دوستی، مسئولیت در برابر رفتارهای شخصی؛
آزادی و انتخاب	آزاد، مختار، اعتقاد به اینکه سرنوشت انسان به دست خود اوست، در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای خود آزادی عمل دارد، اعتقاد دارد به اینکه هرکسی نتیجه اعمال خود را می‌بیند، هرکسی در گروی اعمال خویش است.
قطب منفی	
قانون‌گریزی	قانون‌گریز، هنجارشکن، مفسد، کارهای خلاف قانون انجام می‌دهد و قانون را زیر پا می‌گذارد، قانون‌شکنی، به ضرورت وجود قانون در جامعه اعتقاد ندارد؛
اعتقاد به زندگی آزاد	لاابالی، بی‌بندوبار، اعتقادداشتن به زندگی آزاد، هرکسی اختیار خودش را دارد و می‌تواند هرطور دلش خواست زندگی کند، باور به اینکه افراد می‌توانند سعادتمند باشند بدون اینکه از دین یا مذهب خاصی پیروی کنند؛
اباحه‌گرایی	هرکاری را مجازدانستن، زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی، اعتقاد به اینکه پایبندی به دین و ارزش‌های دینی ضرورت ندارد؛
تفکر جبرگرا	جبرگرا، نوعی تفکر که بر اساس آن همه امور عالم را خداوند مقدر کرده است و بنده در انجام کارها از خود اختیاری ندارد، اعتقاد به اینکه ویژگی‌ها و خصوصیات هر فرد از پیش تعیین شده است، بین عمل و سرنوشت و پاداشی که انسان دریافت می‌کند ارتباط وجود ندارد.

به‌طـور کلـی نتایج پژوهش حاضر در بخش مطالعه کیفی نشـان داد که شـخصیت بر اسـاس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

تحلیل و طبقه‌بندی واژه‌های گردآوری‌شـده از منابع اسـلامی سـاختار پانزده عاملی دارد. در پایان بایـد یادآوری کرد که به دلیل حجم گسـتردهٔ یافته‌ها، در این مقاله فقط بخشـی از یافته‌های کیفی، گزارش شـده است. یافته‌های تجربی این پژوهش (شامل ساخت آزمون، تفسیر و تحلیل عامل‌ها، بررسـی شباهت و تفاوت صفت‌ها و عامل‌های شـخصیتی مبتنی بر منابع اسلامی و روان‌شناسی) در گزارش‌های بعدی در اختیار جامعه علمی قرار خواهد گرفت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

منابع

- **قرآن کریم**. ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. قم. امیرالمؤمنین(ع).

۱. ابن‌بابویه، محمد. ۱۳۷۶. **الأمالی**. ترجمه: کمره‌ای. تهران. کتابچی.
۲. ابن‌حنبل، احمد. ۱۴۱۲ ق. **مسند ابن‌حنبل**. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن‌شعبه حرانی، حسن. ۱۴۰۴ ق. **تحف‌العقول**. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. قم. جامعه مدرسین.
۴. ابن‌عربی، محیی الدین. ۱۳۸۸. **تهذیب‌الاخلاق**. ترجمه: زاهد اویسی. تهران. انتشارات جامی.
۵. ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۷۸. **مفهوم ایمان در کلام اسلامی**. ترجمه: پورسینا. تهران. انتشارات سروش.
۶. بخاری، محمد ابن اسماعیل. ۱۴۰۱ ق. **صحیح بخاری**. بیروت. دارالفکر.
۷. بستانی، محمود. ۱۹۸۸ م. **دراسات فی علم النفس الاسلامی**. بیروت. دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع.
۸. جرجانی، شریف. ۱۴۲۴ ق. **التعریفات**. بیروت. دارالکتب العلمیه.
۹. جمال خونساری، محمد. ۱۳۶۶. **شرح آقا جمال خونساری بر غررالحکم و دررالکلم**. تصحیح: حسینی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. حر عاملی، محمد. ۱۴۰۹ ق. **تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل‌الشریعه**. قم. مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۱. حسینی شیرازی، هبه الله [شاه میر]. ۱۳۸۹. **اخلاق علایی**. تصحیح و تعلیقه: یاحقی. تهران. انتشارات متن.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۹۰. **مفردات الفاظ قرآن کریم**. ترجمه: خداپرست. قم. دفتر نشر نوید اسلام.
۱۳. شریف رضی، محمد. ۱۴۱۴ ق. **نهج‌البلاغه**. تصحیح: فیض‌الاسلام. قم. هجرت.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. **روابط اجتماعی در اسلام**. ترجمه: حجتی کرمانی. قم. دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
۱۵. طباطبایی، محمدرضا ۱۳۸۹. **نردبان سعادت برگرفته از معراج‌السعاده علامه ملا احمد نراقی**. قم. بوستان کتاب قم.
۱۶. طبرسی، میرزاحسین. ۱۳۶۳. **مستدرک‌الوسائل**. تهران. منشورات المکتبه الاسلامیه.
۱۷. طوسی، نصیرالدین. ۱۳۶۹. **اخلاق ناصری**. تهران. انتشارات خوارزمی.
۱۸. عبدالعال، السیدمحمد عبدالمجید. ۲۰۰۷ م. **السلوک الانسانی فی الاسلام**. عمان. دارالمسیره للنشر و التوزیع.
۱۹. عسگری، علی؛ ازخوش، منوچهر ۱۳۹۰. «». **مجله روان‌شناسی و علوم‌تربیت دانشگاه تهران**. ۴۰ (۲) ۱-۲۱.
۲۰. عمّار، عبدالرزاق. ۲۰۰۹. **علم النفس فی القرآن و السنّه**. تونس. دارالجبل.
۲۱. غزالی، محمد. ۱۳۷۶. **میزان‌العمل**. ترجمه: علی‌اکبر کسمایی. انتشارات سروش.
۲۲. _____ . ۱۴۱۴ ق. **احیاء علوم‌الدین**. ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. فاضلی، قادر. ۱۳۸۶. **اوصاف متقین ترجمه و شرح و تفسیر خطبه همام نهج‌البلاغه**. تهران. فضیلت علم.
۲۴. فیض کاشانی، ملامحمد محسن. ۱۳۸۳. **الحقائق فی محاسن الاخلاق**. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. فیست، جیس؛ فیست، گریگوری جی. ۱۳۸۶. **نظریه‌های شخصیت**. تهران. نشر روان.
۲۶. قمی، شیخ عباس. ۱۳۸۹. **اخلاق و آداب**. به کوشش: سیدمحمدرضا حسینی. قم. انتشارات نور مطاف.
۲۷. کارور، چارلز اس؛ شی‌یر، مایکل‌اف. (۱۳۷۵). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه. رضوانی. مشهد. آستان قدس رضوی.
۲۸. مازندرانی، محمدصالح. ۱۳۸۲. **شرح الکافی الاصول و الروضه**. تصحیح و تحقیق: ابوالحسن شعرانی. تهران. المکتبه الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ ق. **بحارالانوار**. بیروت. مؤسسه الوفاء.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۷۹. **میزان‌الحکمه**. ترجمه: شیخی. قم. دارالحدیث.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۸. **نظریه حقوقی اسلام**. تحقیق و نگارش: نادری قمی و کریمی‌نیا. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

۳۲. مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۳. مظفر، محمدرضا. ۱۴۲۸ ق. **اصول الفقه**. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۴. معین، محمد. ۱۳۸۷. **فرهنگ فارسی**. تهران. انتشارات سرایش.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۸. **ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج‌البلاغه**. ترجمه و شرح: آشتیانی. قم. هدف.
۳۶. نجفی، محمدجواد. ۱۳۹۸ ق. **تفسیر آسان**. تهران. انتشارات اسلامیه.
۳۷. نراقی، احمد. ۱۳۸۱. **معراج‌السعاده**. قم. انتشارات هجرت.
۳۸. نراقی، محمد. ۱۳۸۳. **جامع‌السعادات**. نجف. مطبعه النجف الاشرف.
۳۹. ورّام، مسعود. ۱۳۶۹. **آداب و اخلاق در اسلام [مجموعه ورام]**. مشهد. آستان قدس رضوی.
۴۰. همدانی، قاضی عبدالجبار. بی‌تا. **المغنی فی ابواب التوحید و العدل**. بی‌جا. بی‌نا.
۴۱. هواری، صلاح‌الدین. ۲۰۱۰ م. **المعجم الوسیط المدرسی**. بیروت. دارالبحار.

42. Amigó, S; Caselles, A & Micó, J.C (2010).General Factor of Personality Questionnaire (GFPQ): Only one Factor to Understand Personality? *The Spanish Journal of Psychology, 13*, 5-17
43. Ashton, M.C & Lee, K (2002). Six independent Factors of Personality Variation: A Response to Saucier. *European Journal of Personality. 16*, 63-75.
44. Becker, P. (1999). Beyond the Big Five.*Personality and Individual Differences, 26*, 511-530.
45. Blackburn, R., Renwick, S. J. D., Donnely, J. P., & Logan, C. (2004).Big Five or Big Two? Superordinate factor in the NEO Five Factor Inventory and the Antisocial Personality Questionnaire. *Personality and Individual Differences, 37*, 957-970.
46. Borgatta, E. F. (1964). The structure of personality characteristics.*Behavioral Science, 9*, 8–17.
47. Boyle, G.J (2008). Critique of the five- factor model of personality.*Humanities, Social Sciences*.Paper 297.
48. Carver, C. S, Sutton, S. K., & Scheier, M. F. (2000). Action, Emotion, and Personality: Emerging Conceptual Integration. *Personality and Social Psychology Bulletin, 26,* 741-756
49. Cattell, R.B. (1973). Personality and Mood by Questionnaire., Jossey-Bass,San Francisco
50. Cattell, R.B. (1973). Personality and Mood by Questionnaire., Jossey-Bass,San Francisco
51. Cheung, F M, Leung, K, Zhang, J X, Sun, H F, Gan, Y G & Song, W Z (2001) Indigenous Chinese personality construct: Is the Five-Factor Model complete? Journal of Cross-Cultural Psychology, 32, 407-433.
52. Cooper, C.R & Denner, J (1998). Theories, linking culture an Universal and community-specific processes. *Annual Review 49*, 559-584
53. Costa, P. T. Jr. and McCrae, R. R. (1992b). `Trait psychology comes of age'. In: Sonderegger, T.B. (Ed.), Nebraska Symposium on Motivation: Psychology and Aging, pp. 169±204, University of Nebraska Press, Lincoln, NE
54. Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1989). NEO PI/FFI M anual Supplement. Odessa, FL: sychological Assessment Resources.
55. DeYoung, C. G., Peterson, J. B., & Higgins, D. M. (2001). Higher-order factors of the big five predict conformity: Are there neuroses of health? Personality and Individual Differences, 33, 533–552.
56. Digman, J. M. (1997). Higher-order factors of the big five.*Journal of Personality*

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

and Social Psychology, 73, 1246- 1256.

57. Digman, J. M. and Takemoto-Chock, N. K. (1981). Factors in the natural language ofpersonality: re-analysis, comparison and interpretation of six major studies. *Multivariate Behavioral Research, 16,* 149–70.
58. *Dwairy, M. (Ed.) (2006).Psychological Research and Mental Health among Arabs in Israel. Shfa-Amer, Israel: The Arab Psychological Association in Israel and The Galilee Society for Health Research. (in Arabic*)
59. Elliot, A. J., & Thrash, T. M. (2002). Approach-Avoidance motivation in personality: approach and avoidance temperaments and goals. *Journal of Personality and Social Psychology, 82,* 804-818
60. Fiske, D. W. (1949). Consistency of the factorial structures of personality ratings from different sources.*Journal of Abnormal and Social Psychology, 44, 329–44.*
61. Friedman, H & Schustack,M (2009). Personality Classic Theories and Modern Resaerch, Allyn and Bacon.
62. Goldberg, L. R. (1981). Language and individual di fferences: The search for universals in
63. Goldberg, L. R. (1990). An alternative 'Description of personality': the Big-Five factor structure. *Journal of Personality and Social Psychology, 59*, 1216–29.
64. Goldberg, L. R. (1992). Development of markers for the Big-Five factor structure. *Psychological Assessment, 4*, 26-42.
65. Hogan, R. (1986). Hogan Personality Inventory manual. Minneapolis, MN: National Computer Systems.
66. John, O. P. (1990). The "Big Five" factor taxonomy: Dimensions of personality in the naturallanguage and questionnaires. In L. A. Pervin (Ed.) *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 66-100) New York: Guilford Press
67. John, O. P. (1990). The "Big Five" factor taxonomy: Dimensions of personality in the naturallanguage and questionnaires. In L. A. Pervin (Ed.) *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 66-100) New York: Guilford Press.
68. John, O. P., & Srivastava, S. (1999). The Big-Five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), Handbook of personality: Theory and research (Vol. 2, pp. 102–138). New York: Guilford Press.
69. John, O. P., Goldberg, L. R., & Angleitner, A. (1984).*Better than the alphabet: Taxonomiesof Personality-descriptive terms in English, Dutch, and German.* In H. Bonarius, G. van Heck, and N.Smid (Eds.), Personality psychology in Europe: Theoretical and empirical developments (pp. 83-100).Berwyn: Swets North America Inc.
70. Markus, H.R., Kitayama, S. (1998). the cultural psychology of personality. Journal of Cross- Cultural psychology and Resserch, 29(1), 63-87.
71. Markus, H.R., Kitayama, S., & Heiman, R. (1997). Culture and "basic" psychological principles. In E.T. Higgins & A.W. Kruglanski (Eds.), Social psychology: Handbook of basic principles (pp. 857–913). New York: Guilford.
72. *Matthews, G, Deary, I & Whiteman, M.C. Friedman H&Schustack M.W (2009). Personality classic theories and modern research. Allyn and Bacon.*
73. McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985b).Openness to experience.In R. Hogan & W. H. Jones, *Perspectives in personality (Vol. 1, pp. 145-172).* Greenwich, CT: JAI Press.
74. McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985b).Openness to experience.In R. Hogan & W. H. Jones, *Perspectives in personality (Vol. 1, pp. 145-172).* Greenwich, CT: JAI Press.

75. *McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985c). Comparison of EPI and psychoticism scales with measures of the five-factor model of personality. Personality and Individual Differences, 6, 587-597.*
76. McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (1992). Discriminant validity of NEO-PI-R facet scales. *Educational and Psychological Measurement, 52,* 229-237.
77. McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (2003). Personality in adulthood: A Five-Factor Theory perspective (2nd. ed.). New York: Guilford Press. New York: Macmillan
78. Mervielde, I., & De Fruyt, F. (2002). Assessing children's traits with the hierarchical personality inventory for children. In B. de Raad & M. Perugini (Eds.), *Big Five assessment* (pp. 129–142). Ashland, OH: Hogrefe & Huber
79. Mervielde, I., De Pauw, S. & Van Leeuwen, K. (2008, October). The structure of temperament and personality from infancy to childhood. Paper presented at the Occasional Temperament Conference, San Rafael, CA.
80. Norman, W. T. (1969). "To see oursels as ithers see us!": Relations among self-perceptions, peer-perceptions, and expected peer-perceptions of personality attributes. *Multivariate Behavioral Research,* 4, 417–443.
81. Norman,W. T. (1963). Toward an adequate taxonomy of personality attributes: replicated factor structure in peer nomination personality ratings.*Journal of bnormal and Social Psychology,* 66, 574–88.
82. Oishi, S (2004). Personality in culture: A neo- Allportian view. *Journal of Research in Personality, 38,* 68-74.
83. Peabody, D., & De Raad, B. (2002). The substantive nature of psycholexical personality factors: A comparison across languages. *Journal of Personality and Social Psychology, 83*, 983-997.
84. Pedersen, P.B (1990). The multicultural perspective as a fourth force in counseling. *Journal of Mental Health counseling, 12,* 93-95
85. Roberts, B. W., & Helson, R. (1997). Changes in culture, changes in personality: The influence of individualism in a longitudinal study of women. *Journal of Personality and Social Psychology, 72,* 641-651
86. Rushton, J. P., & Irwing, P. (2008). A General Factor of Personality (GFP) from two meta-analyses of the Big Five: Digman (1997) and Mount, Barrik, Scullen, and Rounds (2005). *Personality and Individual Differences, 45,* 679-683
87. Saucier, G & Ostendorf.F (1999).Hierarchical Subcomponents of the Big Five Personality-Language Replication.*Journal of Personality and Social Psychology, 76*, 613-627.
88. Simms, L.J (2007). The Big Seven Model of personality and its Relevance to Personality Pathology. *Journal of Personality, 75, 65-94.*
89. Simms, L.J (2007). The Big Seven Model of personality and its Relevance to Personality Pathology. *Journal of Personality, 75, 65-94.*
90. Smith, G. M. (1967). Usefulness of peer ratings in educational research.*Educational and Psychological Measurement,* 27, 967–84.
91. Tellegen, A., & Waller, N. G. (1987). *Reexamining basic dimensions ofnatural language trait descriptors. 95 annual meeting of the American Psychological Association,* (abstract).
92. Triandis, H & Suh, E.M (2002).Cultural Influences on Personality. Annu, *Rev. Psychol. 53,* 133-160.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

| تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۶/۲۵ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۵/۱/۲۱ |

اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی

حمید مهدی‌زاده

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه وعضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

amirmahdizeh@yahoo.com

علیرضا فاضلی مهرآبادی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده درمانی، دانشگاه شهیدبهشتی وعضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

alifazeli.m@gmail.com

سیدمحمد غروی

دانشیار پژوهشکده حوزه و دانشگاه وعضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

mgharavi@rihu.ac.ir

مسعود آذربایجانی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه وعضو پیوسته انجمن روانشناسی اسلامی

mazarbayejani@rihu.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی است تا با فراهم‌ساختن اطلاعات صحیح و کافی، گامی مؤثر در زمینهٔ برنامه‌ریزی پژوهشی و انجام پژوهش‌های اولویت‌دار برداشته شود.

روش این پژوهش کیفی، و ترکیبی از روش پیمایشی، تحلیل محتوا و تکنیک دلفی است. جامعه آماری در شناساییِ نیازها کلیهٔ منابع اسنادی، انسانی و سازمانی در زمینه روان‌شناسی اسلامی است. جامعه آماری در اولویت‌بندی شامل کلیه متخصصان در زمینهٔ روان‌شناسی اسلامی است و نمونه آماری در بخش شناسایی نیاز، شامل ۵۰۲ منبع در مجموع منابع اسنادی، انسانی و سازمانی می‌شود. نمونه آماری در بخش اولویت‌بندی برای هر یک از ۱۴ پرسش‌نامهٔ طراحی‌شده در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی، شامل ۳۵ نفر از متخصصان و کارشناسان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدف‌دار و با توجه به تخصصشان انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش شامل دستیابی به ۳۱۱ عنوان پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی است که ۶۰ عنوان اولویت الف (اولویت خیلی زیاد)، ۱۴۰ عنوان اولویت ب (اولویت زیاد)، ۸۳ عنوان اولویت ج (اولویت متوسط) و ۲۸ عنوان اولویت د (اولویت کم) دارند. بیشترین عنوان با اولویت الف و ب، در گرایش‌های روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی خانواده بود و کمترین عنوان با اولویت الف و ب در گرایش‌های آسیب‌شناسی روانی، روان‌سنجی و روش تحقیق بود.

کلیدواژه‌ها: نیازسنجی پژوهشی، اولویت‌یابی، روان‌شناسی دینی، روان‌شناسی دین، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش به برنامه‌ریزی در کلیه فعالیت‌ها و اقدامات بشری منابع محدود و موانع و محدودیت‌های اثرگذار و تعیین‌کننده است که آدمی را وادار به شناسایی اولویت‌های اساسی و تعیین راهبردهای اثربخشی برای تحقق همان اولویت‌ها می‌کند. اثربخشی و برنامه‌ریزی، در تمامی سازمان‌ها و مؤسسات سرلوحهٔ کار است. با این وجود و به‌رغمِ صرف هزینه‌های هنگفت، مدیران سازمان‌ها چندان رضایتی از اثربخشی پژوهش‌های انجام‌شده ندارند (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸). آنچه در حال حاضر در بسیاری از مراکز پژوهشی به‌وضوح قابل مشاهده است، پیچیدگی و دشواری تصمیم‌گیری در اولویت‌دادن به تحقیقات و پژوهش‌هاست.

نقطهٔ آغاز هر پژوهشی، مسئله‌یابی است و تا مسئله اساسی شناسایی نشود، صرف زمان و هزینه برای انجام پژوهش، صرفاً اتلاف منابع انسانی و مادی خواهد بود. لازمهٔ شناسایی عناوین پژوهشی ارزشمند و موضوعات اساسی، نیازسنجی پژوهشی است. نیازسنجی پژوهشی با گردآوری اطلاعات از متخصصین و افراد ذی‌ربط و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها، به شناسایی نیازهای واقعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها کمک چشم‌گیری می‌کند (ارفع بلوچی، کارشکی و آهنچیان، ۱۳۹۰). اهمیت و ضرورت نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی هنگامی روشن می‌شود که به نتایج آن توجه شود. برخی از نتایج نیازسنجی پژوهشی عبارت است از:

- تقویت مدیریت جامع و استفاده از همه ظرفیت‌ها در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛
- شفافیت و پاسخگویی مراکز پژوهشی؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

- جهت‌گیری روشن برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛
- جلوگیری از اتلاف منابع در حوزه‌های بی‌اهمیت؛
- سازمان‌دهی طرح‌های مختلف پژوهشی؛
- جلوگیری از موازی‌کاری و پراکنده‌کاری؛
- آینده‌نگری در برنامه‌ریزی پژوهشی و پرهیز از تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و غیرراهبردی؛
- تدوین برنامه‌های پژوهشی مبتنی بر مشارکت کلیه گروه‌ها و عوامل متخصص و مرتبط در شناسایی عناوین پژوهشی؛
- تخصیص بهینهٔ منابع و اعتبارات (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷).

پژوهش‌هایی که بدون پرداختن به نیازهای موجود انجام می‌شود نه‌تنها کمک زیادی به حل معضلات نمی‌کنند، خود بر معضلات موجود می‌افزایند و دست‌کم منابع مالی و انسانی موجود را تلف می‌کنند (کالسین[1] و وینتر،[2] ۱۹۹۹). مضاف بر آنکه برخی از حوزه‌های دانشی مثل روان‌شناسی اسلامی به سبب جدیدبودن، اسلامی‌بودن و سروکار داشتن با جامعه دینی، حساسیت و اهمیت بالایی دارند. از این‌رو، نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی به‌عنوان گام اساسی در تدوین هر راهبرد و برنامه‌ریزی پژوهشی‌ای کاملاً ضروری است (ریویر،[3] برکوتیز،[4] کارتر[5] و فرگوسن،[6] ۱۹۹۶).

نیازسنجی پژوهشی ریشه در نیازسنجی و مدیریت پژوهش دارد، و در یک تعریف جامع عبارت است از: فرایند پیچیدهٔ شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین پروژه‌های مختلف تحقیقاتی، تا از این رهگذر مبنای قابل دفاعی برای تخصیص مؤثر منابع فراهم آید (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷).

اولویت‌یابی در نیازسنجی یکی از مراحل مهم برنامه‌ریزی پژوهشی به‌شمار می‌آید. برنامه‌ریزی پژوهشی علی‌القاعده باید پاسخگوی نیازها و فرصت‌های موجود در بخش مربوطه و

1. Calsyn RJ
2. Wineter JP
3. Reviere, R
4. Berkowitz, S
5. Carter, C
6. Ferguson

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

زیرمجموعه‌های آن باشد. این مرحله برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا برنامه و چارچوب پژوهشی‌ای را تعریف کنند که با سیاست‌های پژوهشی سازمان یا وزارتخانه در سطح کشور، مأموریت و رسالت سازمان پژوهشی و هدف‌های برنامه پژوهشی سازگار است. زمینه‌ای که در آن تعیین اولویت صورت می‌پذیرد، متأثر از عواملی چون محدودیت منابع، نیازهای پژوهشی متنوع، فشار و تقاضای خارجی برای هرچه بیشتر شفاف‌شدن تخصیص منابع و تمرکز بیشتر بر نیازهای مشتریان است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷).

منشأ فعالیتِ تعیین اولویت، برنامهٔ یک بخش یا بخش فرعی است. این برنامه، جنبه‌های اصلی بخش یا زیربخش را تعریف می‌کند، سیاست‌ها و اصلاحات کلان اقتصادی را که بر آن اثر می‌گذارد، بررسی می‌کند و استراتژی آن بخش (بخش فرعی) را به‌طور خلاصه بیان می‌کند. هدف‌های این برنامه (پژوهش) به‌دقت بیان می‌شود و برنامه پژوهشی ملی کلی نیز به نحوی طراحی می‌شود تا به تحقق تمام این اهداف کمک نماید. اگرچه یک بخش از برنامه ممکن است تنها به تحقق یک یا چند هدف از اهداف موجود در برنامه کمک نماید.

قبل از آنکه هرگونه فعالیت اولویت‌یابی پژوهشی صورت پذیرد، دست‌یابی به پاسخ‌های روشن در خصوص موارد زیر بسیار حیاتی است:

۱. تعیین اولویت در چه سطحی باید انجام شود؟

۲. چه کسی باید در فرایند اولویت‌یابی مشارکت کند؟

۳. چه میزان پول و زمان برای این کار در دسترس است؟ (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

یکی از حیطه‌های پژوهشی که هم در ماهیت عرصه کاربردی به کار می‌آید و هم بستری برای تولید علم است، روان‌شناسی دینی است که روان‌شناسی اسلامی نیز در دل همین مفهوم جای گرفته و از مصادیق آن به‌شمار می‌آید. روان‌شناسی دینی، به‌گونه‌ای از دانش روان‌شناسی اشاره دارد که در بستر فرهنگ دینی تکون و رشد پیدا کرده است (بلزن،[1] ۲۰۱۰). این دانش، صبغهٔ دینی را از آنجا به خود می‌گیرد که در فرهنگ دینی رشد کرده است و از مبانی و پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دینی بهره برده است؛ به‌عبارت‌دیگر اگر با در نظرگرفتن پیش‌فرض‌های دینی، به سراغ روان‌شناسی برویم و آن را تدوین کنیم، روان‌شناسی دینی به دست می‌آید. و اگر در پیش‌فرض‌هایی که گفته شد، بُعد متافیزیکی یا هستی‌شناختی آن را از دین اسلام دریافت کنیم، محصول آن «روان‌شناسی اسلامی» خواهد بود. به همین ترتیب می‌توانیم

1. Belzen.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

«روان‌شناسی مسیحی» و مانند آن نیز داشته باشیم (آذربایجانی، ۱۳۸۵). با توجه به آنچه بیان شد، مشروعیت‌بخشیدن به برنامه‌های پژوهشی مراکز علمی-پژوهشی فعال در عرصه روان‌شناسی اسلامی در گروی شناسایی نیازها و اولویت‌یابی، بر اساس روش علمی است.

در فرایند نیازسنجی پژوهشی، پس از شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی، معمولاً تعداد پروژه‌هایی که شناسایی می‌شود به‌مراتب بیش از منابع و امکانات در دسترس، برای اجرای طرح‌های پژوهش آتی است؛ از این‌رو ناگزیر باید از بین طرح‌های مختلف دست به انتخاب زد و آن‌هایی را که بیشتر در جهت تحقق هدف‌های برنامهٔ پژوهشی، اولویت و اهمیت دارند، انتخاب نمود. برای انجام این کار، معیارهایی لازم است تا به‌وسیله آن نقش و کمک بالقوهٔ هر پروژه در دست‌یابی به هدف‌های برنامهٔ پژوهشی اندازه‌گیری شود. همچنین باید از لحاظ روش‌شناختی، از روش معتبر و قابل‌اعتمادی برای رتبه‌بندی عناوین برحسب هر یک از معیارها استفاده کرد. مهم این است که عناوین منتخب، در راستای اهداف پژوهشی و مأموریت‌های تعیین‌شدهٔ بخش یا بخش فرعیِ مربوطه باشند.

با مطالعهٔ سیرهٔ عملی دانشمندان مسلمان از جمله شیخ‌مفید(ره)، سیدرضی(ره)، سیدمرتضی(ره) و شیخ‌طوسی(ره) می‌توان دریافت که بزرگان اسلام نیز فعالیت‌های علمی خود را بر مبنای نوعی نیازسنجی و اولویت‌گذاری بنا کرده بودند و این واقعیت تا دورهٔ معاصر قابل مشاهده است. فعالیت‌های پژوهشی-آموزشی علامه طباطبایی(ره) مؤیدی بر این مدعاست؛ اما نیازسنجی پژوهشی به‌عنوان یک علم، قلمرویی بسیار جوان و در حال تحول است. این قلمروی علمی ریشه در نیازسنجی و مدیریت پژوهشی دارد و سابقهٔ چندانی ندارد. با مروری مختصر بر سوابق مطالعات انجام‌گرفته دربارهٔ شناسایی اولویت‌یابی پژوهش‌ها در این زمینه، مشخص می‌شود که به‌رغم اهمیتی که اولویت‌یابی در تولید صحیح، نظام‌مند و تسریع علم دینی دارد، پژوهش‌ها و اقدامات انجام‌شده در این زمینه بسیار ناکافی است و به چند مورد، محدود می‌شود.

در داخل کشور تاکنون پژوهش‌های محدودی در این زمینه صورت گرفته است که به‌ندرت درصدد تبیین نظریِ موضوع و شرح متدولوژیک نیازسنجی پژوهشی برآمده‌اند و در سطح بین‌المللی نیز دستاوردهای بشری در این عرصه در حال تکامل و توسعه است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷، ص۴). از این‌رو در کشور، فعالیت‌ها و طرح‌های محدودی در این زمینه قابل ردیابی است. البته پژوهش‌ها و طرح‌های مربوط به «نیازسنجی آموزشی» در مقایسه با «نیازسنجی پژوهشی» بیشتر و گسترده‌ترند (پژوهش‌هایی مانند: فتحی واجارگاه، گویا، آقازاده، ابوالقاسمی و کامکاری، ۱۳۸۱؛ سعیدی رضوانی و بیتقی، ۱۳۸۲؛ سعیدی رضوانی و آهنچیان، ۱۳۸۶؛ امینی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

و شـقاقی، صداقت، ۱۳۸۴؛ زارعیان جهرمی و احمدی، ۱۳۸۴؛ شـهیدی، چنگیز، سـلمان‌زاده و یوسـفی، ۱۳۸۸؛ عمادزاده، بحرینی طوسـی، یاوری و صدیق بهزادی، ۱۳۸۴؛ جعفری و یوسفی، ۱۳۸۳؛ شـعبانی بهار، عرفان و بختیار، ۱۳۸۶). در زمینهٔ نیازسـنجی پژوهشـی هم در حوزه‌هایی از جمله پزشـکی و سـلامت، کشاورزی و سـایر حوزه‌ها، پژوهش‌های محدودی ملاحظه می‌شود (کریمی، دماری، قره‌باغیان، رهبری، وفاییان و میناب سالمی، ۱۳۸۴).

تنها اثر موجودِ اولویت‌یابی و نیازسنجی پژوهشی در حوزهٔ دین با عنوان «اولویت‌های پژوهشی دسـتگاه‌های علمی-اجرایی در حوزه دین» در سـال ۱۳۸۶ توسـط معاونـت پژوهش حوزه علمیه قم در محدوده مراکز و مؤسسـات علمی-اجرایی در ۱۴ رشـته انجام شـد که یکی از رشته‌های آن روان‌شناسـی و علوم تربیتی بوده اسـت. اولویت‌های پژوهشـی این دو رشـته، تنها ۸۱ عنوان بدون تفکیک گرایش‌ها بود (معاونت پژوهش حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸). به تعبیر دیگر پیشـینهٔ پژوهشـی در مورد شناسـایی و اولویت‌گذاری پژوهشـی روان‌شناسـی اسـلامی در گرایش‌هـای چهارده‌گانه روان‌شناسـی، و در سـطح ملی وجود ندارد و این تحقیق نخسـتین سـند شناسـایی و اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی است.

از این‌رو، هدف از پژوهش حاضر، شناسـایی و تعیین اولویت‌های پژوهشـی در روان‌شناسـی اسـلامی اسـت تا با فراهم‌سـاختن اطلاعات صحیـح و کافی، گامـی مؤثر در زمینـهٔ برنامه‌ریزی پژوهشی و انجام پژوهش‌های اولویت‌دار بردارد.

روش پژوهش

تحقیـق حاضر از نوع کیفی، و ترکیبی از روش پیمایشـی و تکنیک دلفی اسـت. جامعه آماری پژوهـش حاضر در بخش شناسـایی نیازها عبارت‌اند از: کلیه منابع اسـنادی (نظیـر مقاله، کتاب، پایان‌نامه و اسـناد بالادسـتی کشور و حوزه علمیه)، منابع انسـانی (متخصصان روان‌شناسی دینی، متخصصان رشـته‌های مرتبط مثل جامعه‌شناسی و فلسـفه و مدیران پژوهشی حوزه علمیه) و منابع سـازمانی در عرصه روان‌شناسـی دینی (مراکز مشـاوره دینی و مرکز آمار و بررسـی حوزه علمیه). جامعه آماری، برای اولویت‌یابی، ۳۵ نفر از کارشناسان و متخصصان روان‌شناسی اسلامی هستند که از گروه‌های ذی‌صلاح و گروه‌های دخیل در برنامه‌ریزی پژوهشی دینی تشکیل شده‌اند.

نمونه آماری در مرحله شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی، منابع اسنادی، شامل: ۵ مجله علمی پژوهشـی خارجی، ۷ کتاب، ۲ دانشـکده و انجمن در بخش مطالعات تطبیقی؛ و در بخش منابع علمی-پژوهشی داخلی و اسناد و مدارک علمی کشور نمونه آماری شامل: ۹ کتاب، ۱۴ مجله، ۵۰

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

پایان‌نامه، ۷ سند بالادستی و ۱۷ سند می‌شود؛ نمونه آماری در منابع انسانی و سازمانی شامل: ۱۴ مدیر پژوهشی حوزوی، ۲۶ استاد و عضو هیئت‌علمی حوزوی روان‌شناس، ۵۹ استاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاهی روان‌شناس، ۲۳ استاد حوزوی غیر روان‌شناس با تحصیلات دانشگاهی، ۵ مرکز مشاوره حوزه و ۳ مرکز مربوط به اطلاعات و آمار طلاب، می‌شود. روش نمونه‌گیری ترکیبی از نمونه‌گیری هدف‌دار، در دسترس و روش متمرکز گروهی است.

نمونه آماری در مرحله اولویت‌یابی در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی، شامل ۳۵ نفر از متخصصان و کارشناسان می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدف‌دار و با توجه به تخصص هر یک از کارشناسان انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش، عبارت‌اند از:

۱. مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته: این ابزار در چند مرحله برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. مرحله اول: مصاحبه با افراد مربوطه برای شناسایی عناوین و نیازهای پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی؛ مرحله دوم: مصاحبه با متخصصان دین‌شناسِ روان‌شناس جهت تدوین ملاک‌های اولویت‌یابی؛ مرحله سوم: مصاحبه با ۹ نفر از متخصصان دین‌شناس روان‌شناس درباره روایی محتوایی پرسش‌نامهٔ اولویت‌بندی؛ مرحله آخر: مصاحبه با اساتید روش تحقیق و روان‌سنجی درباره روایی صوری پرسش‌نامه‌ها. این مصاحبه‌ها نیمه‌سازمان‌یافته بود؛ به این صورت که مصاحبه در چارچوب پرسش‌نامهٔ ۱۰ پرسشی صورت گرفت که قبل از آن توسط همان متخصصان پر شده بود، تا نظرهای متخصص مصاحبه‌شونده، در همان موضوع‌ها، به‌صورت عمیق‌تر دریافت شود.

۲. پرسش‌نامه محقق‌ساخته: این پرسش‌نامه شامل ۳۱۱ عنوان و نیاز پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی است و هر نیاز پژوهشی، مشتمل بر ۸ ملاکِ اولویت‌بندی است که هرکدام از ملاک‌ها نیز برای تعیین میزان اهمیت، سه درجه دارند (کم، متوسط و زیاد).

به‌منظور تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان روان‌شناسی اسلامی قرار گرفت و پس از دریافت نظرات مکتوب و مصاحبه حضوری با آنان، بازبینی و اصلاح شد.

مراحل شناسایی و اولویت‌بندی

شناسایی و تعیین اولویت در تحقیق حاضر مبتنی بر مراحل ذیل انجام شده است:

۱. تشکیل کارگروه متولی نیازسنجی پژوهشی؛ در گام اول، کارگروه متولی نیازسنجی پژوهشی، از مجریان طرح (حداقل ۲ نفر)، یک متخصص روان‌شناسی دینی، یک متخصص روشی در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

نیازسـنجی و یـک تحلیل‌گر آماری جهـت مدیریت مراحل گوناگـون نیازسـنجی و اولویت‌بندی تشکیل شد؛

۲. تعییـن اهـداف نیازسـنجی پژوهشـی؛ در گام دوم اهـداف اصلـی و فرعی طـرح به‌منظور انسجام‌بخشی و جهت‌دهی پژوهش انتخاب شد؛

۳. گزینـش رویکرد شناسـایی نیازهای پژوهشـی؛ تعیین رویکرد نقش بـارزی در جهت‌گیری فرآینـد نیازسـنجی پژوهشـی دارد. آنچه در عمـل اتفاق می‌افتد، اسـتفاده ترکیبـی از رویکردهای مختلف در فرایند نیازسـنجی پژوهشی به‌جای اسـتفاده از یک رویکرد انحصاری و خاص است.[۱] رویکـرد پژوهـش حاضر از نوع ترکیبی (اسـتفاده هم‌زمان از دو یا چند رویکرد) اسـت که شـامل رویکرد آسیب‌شناختی،[۲] رویکرد موضوعی-رشته‌ای،[۳] و رویکرد تقاضامحور؛[۴]

۴. شناسـایی نیازهای پژوهشی و پالایش آن؛ برای دست‌یابی به نیازها و عنوان‌های پژوهشی از منابع مکتوب، منابع انسـانی و منابع سـازمانی استفاده شد (که هر یک از این منابع در بخش روش پژوهش آمده اسـت)؛ پس از شناسایی عنوان‌های پژوهشی، محققان به‌منظور اطمینان از تناسب و تکراری‌نبودن عنوان‌ها، تمام آن‌ها را بررسـی می‌کردند و پس از حصول اطمینان، گرایش مورد نظر به عنوان‌های پژوهشی اضافه می‌شد؛

۵. تشکیل کارگروه اولویت‌یابی؛ اولین گام در فرایند اولویت‌یابی تشکیل گروهی بود که اعضای آن قـادر باشـند بخش مهمی از وقت خـود را صرف این امر نمایند. اکثر اعضـای این گروه یا خود جزء افراد مسـئول در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی بودند یا با افرادی که مسئول برنامه‌ریزی پژوهشی در زمینه روان‌شناسـی اسـلامی بودند، ارتباط نزدیک داشـتند تا از این رهگذر در فرایند شناسایی و اولویت‌یابی دچار اشـتباه در امر اولویت‌یابی و نیز مدل‌های موجود نشویم. در این کارگروه، غیر از افراد مسئول، یک صاحب‌نظر آماری و یک متخصص نیازسنج نیز حضور داشت؛

۶. گزینـش یک روش اولویت‌بنـدی؛ مجموعه متنوعـی از روش‌ها و ابزارهـای اولویت‌بندی

۱. کـوروش فتحـی واجارگاه و همکاران، طراحی مکانیزم اولویت‌یابی برای نظام آموزش و پرورش ایران، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰-۱۸۵.

2. Pathological Approach

3. Demand-Oriented-Approach

4. Substantive Approac

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

وجـود دارند که در تحقیق حاضر، ترکیبی از «روش دلفی»[1] و «چک‌لیسـت»[2] اسـتفاده شـد که از مطلوب‌ترین روش‌ها برای یافتن اولویت‌هاست؛

۷. طراحی شـاخص‌ها و ضرایب پیشـنهادی و نامهٔ راهنما توسط کارگروه علمی؛ شاخص‌های پیشـنهادی، با توجه به مصاحبه‌های صورت‌گرفته با تعدادی از کارشناسـان و نیز با مراجعه به متون علمیِ مرتبط به دست آمد؛

این شاخص‌های پیشنهادی عبارت بود از:

الف- کمک به تولید علم روان‌شناسی بر اساس فرهنگ اسلامی-ایرانی؛

ب- کمک به ارتقای سلامت روان جامعه؛

ج- کمک به حل مشکلات روان‌شناختی افراد جامعه و فراوانی نیاز؛

د- احتمال توفیق پژوهش؛

ه- میزان فوریت؛

و- میزان فایده در عرصه تبلیغ و اجرای احکام دین؛

ز- کمک به حل مسائل و مشکلات خانواده‌های دین‌دار؛

ضرایب پیشـنهادی موارد بالا به ترتیب عبارت بـود از: الف:۳، ب:۱، ج: ۲، د: ۱، ه: ۲، و: ۲، ز: ۲.

۸. ارائه شاخص‌ها و ضرایب پیشنهادی به تعدادی از صاحب‌نظران: در این مرحله شاخص‌های پیشـنهادی شـورای علمـی کـه از مصاحبـه و منابع علمـی موجود به دسـت آمده بود بـه ۷ تن از صاحب‌نظران و متخصصان روان‌شناسی و علوم حوزوی ارائه شد؛

۹. دریافت نظرات، ایده‌ها، نقدها و پیشنهادهای صاحب‌نظران در زمینه ضرایب و شاخص‌های پیشنهادی و جمع‌بندی دیدگاه‌ها توسط شورای علمی و ناظران؛

۱۰. طراحـی نهایـی و ارائـه پرسـش‌نامه اولویت‌بنـدی، شـاخص‌ها و ضرایـب پیشـنهادی: شـاخص‌های نهایی اولویت‌گذاری پس از بحث و بررسـی در کارگروه علمی با در نظرگرفتن تمام پیشنهادهای صاحب‌نظران این عرصه و حذف موارد تکراری و اصلاح عناوین پیشنهادی مجری در ۸ عنوان تدوین شد که در جدول ۱ همراه با ضرایب پیشنهادی آمده است؛ برخی از این شاخص‌ها، نظـری (به‌ویـژه توجه به تولید علـم) و برخی دیگر، کاربـردی بودند. از جهت گسـتردگی، برخی

1. Delphi

2. Checklists

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

شـاخص‌های ناظر به نیاز متدین‌ها و خانواده‌ها، برخی ناظر به نیازهای عموم مردم و جامعه ایرانی و برخی دیگر ناظر به نیازهای جامعه جهانی به‌ویژه جهانِ اسلام بوده است.

۱۱. اجـرای مرحلـه اولویت‌بندی پژوهشـی؛ در این مرحلـه پرسـش‌نامه‌های اولویت‌گذاری پژوهشـی در قالـب ۱۴ گرایش روان‌شناسـی تدوین گردید. در این پرسـش‌نامه‌ها فهرسـت نهایی نیازها و شاخص‌ها در یک جدول ۹ستونی تهیه شد. ستون اول مربوط به عناوین نیازهای پژوهشی و سـتون‌های بعدی اختصاص به شـاخص‌های اولویت‌بندی داشـت که هر یک از شـاخص‌ها در سـه درجهٔ کم، متوسـط و زیاد تقسیم‌بندی شد. پرسـش‌نامه‌های هر گرایش برای حداقل ۳۵ نفر از متخصصین ارسال گردید و پس از پاسخگویی آنان، مرحله بعدی روش دلفی آغاز شد.

۱۲. محاسـبه اولویت‌بندی؛ در این مرحله، پاسـخ افراد تجزیه‌وتحلیل شد و اولویت‌های مهم تعییـن شـدند. در این مرحله میانگین اولویت‌ها به دسـت آمد؛ بدین‌گونه که بـا توجه به نمره‌هایی کـه افراد به هرکـدام از گویه‌های هر عنوان دادند و با توجه به ضریبی که برای هر گویه در نظر گرفته شـده بود، جمع نهایی نمره‌ها محاسبه شد و با اسـتفاده از نرم‌افزار SPSS_15 و EXCEL میانگین نمـرات نهایـی کلیه شـرکت‌کنندگان در خصوص هر عنوان به دسـت آمد و عناوینـی که نمره‌های بالاتری داشتند، در اولویت قرار گرفتند. در محاسبهٔ اولویت‌بندی چون توزیع نمرات اولویت‌بندی به‌صـورت نرمـال نبود از نمره میانه اسـتفاده شـد که برابر بـا ۷۵ بود. نمره میانه بـه اضافه و منهای انحراف معیار کل نمرات یعنی ۵/۹۸ شد. بالاتر از یک انحراف معیار از نمره میانه، اولویت الف؛ نمـره میانه تا مثبت یک انحـراف معیار، اولویت ب؛ نمره میانه تا منفی یک انحراف معیار، اولویت ج؛ و پایین‌تـر از یـک انحراف معیـار از نمره میانه، اولویت د در نظر گرفته شـده اسـت به عبارتی ۶۹/۰۱ به پایین اولویت د، ۶۹/۰۲ تا ۷۵ اولویت ج، ۷۵/۰۱ تا ۸۰/۹۹ اولویت ب و بالاتر از ۸۰/۹۹ اولویت الف تلقی شده است.

یافته‌های پژوهش

در بخش شـاخص‌های پیشـنهادی برای اولویت‌یابی نیازها، شـاخص‌های نهایی به ترتیبی که در جدول ذیل می‌بینید، به دسـت آمد؛ در واقع این شاخص‌ها به همراه ضرایب پیشنهادی از طرف شـورای علمـی پژوهش به ۷ نفر از کارشناسـان علوم حوزوی و روان‌شناسـی ارائه شـد که پس از جمع‌بندی نظرهای کارشناسان، نتایج ذیل به دست آمد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

جدول۱: شاخص‌های نهایی اولویت‌بندی و ضرایب آن‌ها، حاصل جمع‌بندی نظرات کارشناسان

ردیف	شاخص‌های کاربردی و نظری اولویت‌گذاری	ضریب
۱	زمینه تولید روان‌شناسی اسلامی	۲/۵
۲	میزان ضرورت و نیاز فوری جامعه	۲
۳	گستردگی و فراوانی نیاز (کثرت ابتلا)	۱/۵
۴	کمک به حل مشکلات روان‌شناختی افراد و خانواده‌ها و حفظ و ارتقای سلامت روان آنان	۱/۵
۵	میزان فایده در عرصه تبلیغ و اجرای احکام دین	۱/۵
۶	کمک به رفع مشکلات و حل مسائل حوزه، طلاب و خانواده‌های آنان	۱/۵
۷	کمک به حل مشکلات روان‌شناختی جامعهٔ جهانی به‌ویژه جهان اسلام	۱
۸	امکان تحقق پژوهش	۱

در بخش اولویت‌های پژوهشی پس از بررسی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و EXCEL اطلاعات تحلیل شد؛ یافته‌های به‌دست‌آمده، در جدول ذیل ارائه شده است. این جدول، مشتمل بر ۳۱۱ عنوان پژوهشی است که به ترتیب اولویت و بر اساس نمرهٔ به‌دست‌آمده، ارائه گردیده است. عناوین جدول از بالاترین نمره‌ای که در یک عنوان پژوهشی به‌دست‌آمده، تنظیم گردیده است و به ترتیب تا پایین‌ترین نمره ادامه یافته است. به عبارت دیگر عنوان پژوهشی اول «عوامل شکل‌گیری شخصیت از دیدگاه اسلام» از گرایش روان‌شناسی شخصیت، با نمره ۹۲/۸۵، بیشترین اولویت را دارد و عنوان پژوهشی سیصدویازدهم «نقش قومیت و نژاد در پیشرفت تحصیلی طلاب علوم دینی» از گرایش روان‌شناسی یادگیری، با نمره ۵۷/۷۹ کمترین اولویت پژوهشی را دارد.

جدول۲: تمام عناوین پژوهشی برحسب اولویت

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱	روان‌شناسی شخصیت	الف	عوامل شکل‌گیری شخصیت از دیدگاه اسلام	۹۲/۸۵
۲	فلسفه روان‌شناسی	الف	اصول اخلاقی در روان‌شناسی و مشاوره با نگرش به منابع اسلامی	۸۷/۴
۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس خودشناسی بر اساس منابع اسلامی	۸۶/۸۸

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۴	روان‌شناسی سلامت	الف	معیارهای سلامت روان از دیدگاه قرآن و سنت	۸۶/۷۲
۵	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کاهش احترام به والدین و راهکارهای مقابله با آن، با تأکید بر منابع اسلامی	۸۶/۳۷
۶	روان‌شناسی اجتماعی	الف	سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۶/۱۹
۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ماهیت و علل پرخاشگری و راه‌های پیشگیری و کنترل آن در اسلام	۸۵/۹۷
۸	روان‌شناسی خانواده	الف	روش‌های حل تعارض زناشویی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۵/۶۹
۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	جزع و بی‌تابی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله	۸۵/۵۸
۱۰	روان‌شناسی خانواده	الف	طراحی الگوی ساختار قدرت در خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۵/۲۲
۱۱	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کم‌ارزش‌شدن نقش‌های مادری و خانه‌داری و راهکارهای مقابله با آن با رویکرد دینی	۸۵/۲۲
۱۲	روان‌شناسی خانواده	الف	عوامل مؤثر در ایجاد روحیه گذشت و فداکاری در زوجین و راهکارهای ایجاد آن بر اساس آموزه‌های اسلامی	۸۴/۸۵
۱۳	روان‌شناسی اخلاق	الف	آسیب‌شناسی رفتار اخلاقی از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۸۴/۸۴
۱۴	روان‌شناسی اخلاق	الف	ساخت بسته آموزشی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان بر اساس ملاک‌های اسلامی	۸۴/۶۵
۱۵	مشاوره و روان‌درمانی	الف	مبانی نظری درمانگری و مشاوره از دیدگاه اسلام	۸۴/۱۴

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۶	مشاوره و روان‌درمانی	الف	راهکارهای ارتقای ابراز وجود و اعتمادبه‌نفس از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۹۲
۱۷	روان‌شناسی سلامت	الف	تدوین مهارت مدیریت استرس بر اساس آموزه‌های دینی	۸۳/۷۲
۱۸	روان‌شناسی اجتماعی	الف	تحلیل روان‌شناختی مراسم شادی در قرآن و حدیث و آثار روان‌شناختی آن	۸۳/۵۲
۱۹	روان‌شناسی سلامت	الف	تأثیر روان‌شناختی آیین‌های سوگواری در اسلام	۸۳/۳۸
۲۰	انگیزش و هیجان	الف	ماهیت و راهکارهای ارتقای خویشتن‌داری جنسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۳۲
۲۱	روان‌شناسی سلامت	الف	تدوین مهارت مدیریت خودآگاهی بر اساس آموزه‌های دینی	۸۳/۳۰
۲۲	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ارتباط مؤثر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۱۸
۲۳	روان‌شناسی اخلاق	الف	خودمهارگری غریزه جنسی از منظر دین و روان‌شناسی	۸۳/۱۶
۲۴	روان‌شناسی خانواده	الف	ملاک‌های همسرگزینیِ مطلوب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۳/۱۵
۲۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	معنای زندگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های معنایابی صحیح	۸۳/۱
۲۶	مشاوره و روان‌درمانی	الف	تهیه بسته درمان خشم بر اساس منابع دینی	۸۳/۰۸
۲۷	مشاوره و روان‌درمانی	الف	اصول و شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای مشاوره از منظر اسلام	۸۳/۰۶
۲۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس دروغ بر اساس منابع اسلامی	۸۲/۹
۲۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	دروغ از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۸۴
۳۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	عُجب و تکبر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۷۴

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۳۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	صبر از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۲/۶۹
۳۲	روان‌شناسی خانواده	الف	روش‌های ایجاد شادکامی در خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۵۹
۳۳	روان‌شناسی سلامت	الف	نقش اصلاح رذایل اخلاقی در سلامت روان با رویکرد دینی	۸۲/۴۵
۳۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	رضایت از زندگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۳۳
۳۵	روان‌شناسی اخلاق	الف	تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۳۲
۳۶	روان‌شناسی اجتماعی	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در عادی‌سازی روابط دختر و پسر و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۲/۱۹
۳۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	راهبردهای شکل‌گیری و تغییر نگرش از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱۷
۳۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	صداقت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱۵
۳۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	حسد از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۲/۱
۴۰	روان‌شناسی اخلاق	الف	بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در اسلام و روان‌شناسی	۸۲/۱
۴۱	روان‌شناسی خانواده	الف	فراتحلیل عوامل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و راهکارهای مقابله با آن با رویکرد دینی	۸۱/۹۶
۴۲	روان‌شناسی اجتماعی	الف	ارائه مدل اشتغال زنان با رویکرد اسلامی و روان‌شناختی	۸۱/۹۳
۴۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	شادکامی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۹۲
۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس صبر بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۸۱

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۴۵	روان‌شناسی سلامت	الف	تهیه بستهٔ آموزشی مدیریت استرس‌های اقتصادی با استفاده از منابع اسلامی	۸۱/۷۸
۴۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ناامیدی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۱/۷۷
۴۷	روان‌شناسی اجتماعی	الف	تدوین سبک زندگی اسلامی با توجه به مراحل رشد کودکان	۸۱/۶۵
۴۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	نوع‌دوستی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۶۱
۴۹	روان‌شناسی سلامت	الف	مرزهای مفهومی اعتمادبه‌نفس، توکل و عزت‌نفس در نگرش دینی	۸۱/۵۲
۵۰	روان‌شناسی خانواده	الف	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در ایجاد اعتماد بین افراد خانواده و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۱/۴۸
۵۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	مهربانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۴۵
۵۲	روان‌شناسی رشد	الف	انواع بازی و تأثیر آن بر کودک از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۴۴
۵۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	غفلت، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۸۱/۴۲
۵۴	روان‌شناسی سلامت	الف	معنای زندگی از دیدگاه اسلام و ارتباط آن با سلامت روان	۸۱/۴۱
۵۵	روان‌شناسی رشد	الف	وراثت و محیط از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۳۸
۵۶	روان‌شناسی سلامت	الف	ارتباط اعتقاد به خدا، مسجدرفتن و نیایش با عزت‌نفس، بهزیستی روانی	۸۱/۳۴
۵۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس صداقت بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۳۳
۵۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	ساخت مقیاس عجب و تکبر بر اساس منابع اسلامی	۸۱/۲۹
۵۹	روان‌شناسی خانواده	الف	مؤلفه‌های ازدواج مطلوب از دیدگاه اسلام	۸۱/۲۸

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۶۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	خوش‌بینی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۱۸
۶۱	روان‌شناسی رشد	الف	ساخت بستهٔ آموزش مناسک دینی (نماز، روزه، حجاب و...) به کودکان	۸۱/۱۲
۶۲	روان‌شناسی خانواده	الف	سلسله‌مراتب قدرت و نقش همسران در نظام خانواده از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۷
۶۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	خودشناسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۶
۶۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	الف	شادی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۱/۰۳
۶۵	روان‌شناسی خانواده	الف	فراتحلیل عوامل روان‌شناختی افزایش طلاق و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۱
۶۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	مقایسه مبانی نظری روان‌شناسی مثبت‌گرا با روان‌شناسی اسلامی	۸۰/۹۷
۶۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس شادی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۸۸
۶۸	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در کمک به همنوع و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۸۰/۸۵
۶۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس نوع‌دوستی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۸۵
۷۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	امید از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۰/۸۱
۷۱	انگیزش و هیجان	ب	راهبردهای مهار و تنظیم هیجان از نگاه آموزه‌های اسلامی (ارائه الگوی خودمهارگری اسلامی)	۸۰/۸
۷۲	روان‌شناسی سلامت	ب	بخشایش به‌عنوان مقابله مذهبی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۷۲
۷۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس شادکامی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۷۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس امید و خوش‌بینی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۴
۷۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	عفو و گذشت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۸۰/۶۴
۷۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حسد بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۴
۷۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس مهربانی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۶۱
۷۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس جهل بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۵۲
۷۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس معنای زندگی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۵۲
۸۰	روان‌شناسی سلامت	ب	ساخت مقیاس مقابله دینی از دیدگاه اسلام	۸۰/۴۸
۸۱	فلسفه روان‌شناسی	ب	طراحی الگوی راهبردی برای تأسیس روان‌شناسی اسلامی	۸۰/۴
۸۲	روان‌شناسی رشد	ب	روان‌شناسی نوجوان از منظر اسلام	۸۰/۳۸
۸۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس رضایت از زندگی بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۳۶
۸۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس غضب بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۳۲
۸۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس غفلت بر اساس منابع اسلامی	۸۰/۱۳
۸۶	آسیب‌شناسی روانی	ب	ماهیت و علل وسواس از منظر اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۱۱
۸۷	مشاوره و روان‌درمانی	ب	پروتکل درمانی بخشایش‌گری با نگرش به منابع اسلامی	۸۰/۰۸
۸۸	مشاوره و روان‌درمانی	ب	مبانی نظری و اصول درمان‌شناختی-رفتاری از دیدگاه اسلام	۸۰/۰۶

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۸۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	جهل از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۰۳
۹۰	روان‌شناسی خانواده	ب	توانمندسازی همسران در مشکلات زناشویی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۸۰/۰۳
۹۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس قدردانی بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۹۷
۹۲	روان‌شناسی رشد	ب	تهیهٔ بستهٔ آموزش مفهوم خدا به کودکان	۷۹/۹۲
۹۳	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر باورها و انگیزه‌های دینی در درمان دروغ‌گویی	۷۹/۹۲
۹۴	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیهٔ بستهٔ درمان تکبر بر اساس منابع دینی	۷۹/۸۴
۹۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	الگوپذیری در نوجوانان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۸۳
۹۶	آسیب‌شناسی روانی	ب	آسیب‌شناسی روانی در قرآن و حدیث	۷۹/۸۱
۹۷	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ویژگی‌های کودک از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۷۹/۷۳
۹۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حرص و طمع بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۶۸
۹۹	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی نگرش جوانان به ازدواج موقت و روابط دوستی دختر و پسر در دوران ماقبل ازدواج با رویکرد دینی	۷۹/۶۲
۱۰۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	حرص و طمع از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۹/۶۱
۱۰۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	مقایسه تطبیقی مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌گرا با مفاهیم اخلاق اسلامی	۷۹/۵۸
۱۰۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس امید بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۵۶
۱۰۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس ناامیدی بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۵۲

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۰۴	روان‌شناسی یادگیری	ب	نقش تقویت و تنبیه در یادگیری، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۵۲
۱۰۵	آسیب‌شناسی روانی	ب	خودارضایی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن	۷۹/۴۴
۱۰۶	انگیزش و هیجان	ب	ارائه سبک‌های مختلف خودمهارگری بر اساس انگیزش‌های متنوع خودمهارگری اسلامی	۷۹/۳۳
۱۰۷	روان‌شناسی خانواده	ب	طلاق بجا و نابجا، آسیب‌ها و راهکارهای روان‌شناختی کاهش طلاق از منظر اسلام	۷۹/۳۳
۱۰۸	روان‌شناسی خانواده	ب	مدیریت روان‌شناختی طلاق از دیدگاه اسلام	۷۹/۳
۱۰۹	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی تأثیر روان‌شناختی اذکار دینی در فرایند درمان	۷۹/۲۵
۱۱۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	خرد و عقلانیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۲۴
۱۱۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	ساخت پرسش‌نامه و مصاحبه ارزیابی شخصیت بر اساس نظریه شخصیت اسلامی	۷۹/۱۹
۱۱۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	نقش باورهای دینی در تسهیل فرایند مشاوره و درمان	۷۹/۱۷
۱۱۳	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	تعصب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۹/۱۳
۱۱۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس تعصب بر اساس منابع اسلامی	۷۹/۱
۱۱۵	روان‌شناسی سلامت	ب	نقش زهد در سلامت روان	۷۹/۰۷
۱۱۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	کینه‌توزی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن	۷۹/۰۶
۱۱۷	مشاوره و روان‌درمانی	ب	فنون و روش‌های درمان و مشاوره از دیدگاه اسلام	۷۹/۰۳

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۱۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس خودنظم‌بخشی بر اساس منابع اسلامی	۷۹
۱۱۹	روان‌شناسی رشد	ب	هویت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۸۵
۱۲۰	روان‌شناسی شخصیت	ب	الگوی شخصیت بهنجار و نابهنجار از دیدگاه اسلام	۷۸/۷۶
۱۲۱	آسیب‌شناسی روانی	ب	بررسی تطبیقی ملاک‌های هنجاری و نابهنجاری از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام و ساخت مقیاس آن	۷۸/۷۶
۱۲۲	روان‌شناسی سلامت	ب	راه‌های پیشگیری از ایجاد نیازهای غیرواقعی اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی	۷۸/۷۴
۱۲۳	آسیب‌شناسی روانی	ب	احساس گناه و کمال‌گرایی از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۷۲
۱۲۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	قدردانی، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۵۶
۱۲۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ارتباط کلامی و غیرکلامی در قرآن و حدیث	۷۸/۵۵
۱۲۶	روان‌شناسی اجتماعی	ب	مقایسه سبک زندگی طلبگی با سبک زندگی اسلامی	۷۸/۵۴
۱۲۷	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی تأثیر آموزه‌های اخلاق اسلامی بر تعهد زناشویی و رضایت جنسی	۷۸/۵۲
۱۲۸	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس بخل بر اساس منابع اسلامی	۷۸/۴۲
۱۲۹	روان‌شناسی خانواده	ب	عوامل استحکام خانواده با بهره‌گیری از آموزه‌های دین و روان‌شناسی	۷۸/۳۱
۱۳۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی تأثیر آموزه‌های دینی در درمان تعصب	۷۸/۳
۱۳۱	روان‌شناسی اجتماعی	ب	عزت‌نفس از دیدگاه قرآن و حدیث با رویکرد روان‌شناختی و ساخت مقیاس آن	۷۸/۲۴

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۳۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	خودنظم‌بخشی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸/۲۳
۱۳۳	روان‌شناسی خانواده	ب	ازدواج موقت: محدوده‌ها، آسیب‌ها و راهکارها از منظر روان‌شناسی و دین	۷۸/۱۱
۱۳۴	روان‌شناسی رشد	ب	ساخت مقیاس سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام	۷۸/۰۸
۱۳۵	روان‌شناسی اجتماعی	ب	همدلی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۸
۱۳۶	مشاوره و روان‌درمانی	ب	کاربرد مفاهیم دینی در درمان رذایل اخلاقی	۷۸
۱۳۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	عفت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی (تحلیل مفهومی، علت‌شناسی، آثار و فرایند تحول)	۷۷/۹۷
۱۳۸	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیهٔ بستهٔ درمان بخل بر اساس منابع دینی	۷۷/۹۷
۱۳۹	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی شیوه‌های شکل‌گیری و تقویت نگرش، از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۷/۷۶
۱۴۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس جزع و بی‌تابی بر اساس منابع اسلامی	۷۷/۷۴
۱۴۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	مراحل تحول شخصیت از دیدگاه اسلام	۷۷/۷۲
۱۴۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	بررسی ویژگی‌های مشاور و درمانگر در منابع اسلامی	۷۷/۷۲
۱۴۳	روان‌شناسی رشد	ب	ساخت مقیاس رشد دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی	۷۷/۶۹
۱۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس کینه‌توزی بر اساس منابع اسلامی	۷۷/۶۸
۱۴۵	روان‌شناسی اخلاق	ب	تحلیل مفاهیم روان‌شناختی اخلاق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۷/۵۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۴۶	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی انسان‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۷/۵۲
۱۴۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی جایگاه اختیار در ساختار روانی انسان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۷/۴۵
۱۴۸	انگیزش و هیجان	ب	محبت از دیدگاه قرآن	۷۷/۳۷
۱۴۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	حسرت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا	۷۷/۳۲
۱۵۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر مداخله دینی در درمان کینه‌توزی	۷۷/۳۲
۱۵۱	روان‌شناسی اخلاق	ب	سیر تحول استدلال اخلاقی در کودکان با نگرش به منابع دینی	۷۷/۲۶
۱۵۲	مشاوره و روان‌درمانی	ب	مقایسهٔ روان‌درمانگری بدون توصیه به دعا، با روان‌درمانگری همراه با توصیه به دعا در بهبود مراجعان	۷۷/۲۵
۱۵۳	روان‌شناسی اجتماعی	ب	راهکارهای روان‌شناختی ایجاد روحیهٔ مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری با تأکید بر منابع اسلامی	۷۷/۲۴
۱۵۴	روان‌شناسی اجتماعی	ب	جهت‌گیری کار و تلاش از دیدگاه قرآن و حدیث با نگاه روان‌شناختی	۷۷/۲۳
۱۵۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	غضب از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۷/۱۶
۱۵۶	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ابعاد رشد جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی در پیری از دیدگاه قرآن و سنت	۷۷/۱۵
۱۵۷	روان‌شناسی خانواده	ب	الگوی مطلوب اشتغال زنان برحسب سطح تحصیلات، نوع اشتغال (دولتی یا آزاد، رسمی، پیمانی، قراردادی)، میزان درآمد و شأن اجتماعی با تأکید بر منابع اسلامی	۷۷/۰۴
۱۵۸	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی معرفت‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۶/۹۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۵۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس حسرت بر اساس منابع اسلامی	۷۶/۹۷
۱۶۰	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تأثیر باورها و انگیزه‌های دینی در درمان حرص و طمع	۷۶/۸۹
۱۶۱	روان‌شناسی اجتماعی	ب	روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در حفظ محیط‌زیست با استفاده از منابع اسلامی	۷۶/۸۱
۱۶۲	روان‌شناسی رشد	ب	مبانی نظری رشد دینی از دیدگاه اسلام و مقایسه آن با نظریه‌های روان‌شناختی رشد دینی	۷۶/۸۱
۱۶۳	روان‌شناسی رشد	ب	مفهوم‌شناسی انواع هوش (هیجانی، اجتماعی، معنوی، عقلانی، اخلاقی و عاطفی) و ارائهٔ نظر اسلام	۷۶/۸۱
۱۶۴	روان‌شناسی شخصیت	ب	مفروضه‌های اساسی اسلام درباره شخصیت انسان	۷۶/۷۶
۱۶۵	روان‌شناسی شخصیت	ب	بررسی تیپ‌های شخصیتی در منابع اسلامی و ساخت مقیاس آن	۷۶/۷۲
۱۶۶	فلسفه روان‌شناسی	ب	تحلیل روان‌شناختی چگونگی تعامل روان و رفتار از دیدگاه دینی	۷۶/۶۷
۱۶۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	مفاهیم روان‌شناسی اسلامی (فرهنگ لغت روان‌شناسی اسلامی)	۷۶/۶۵
۱۶۸	روان‌شناسی شخصیت	ب	ساخت مقیاس انسان کامل با رویکرد اسلامی	۷۶/۶۲
۱۶۹	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی تطبیقی مبانی نظری سبک فرزندپروری والدین از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۶/۶۲
۱۷۰	روان‌شناسی اجتماعی	ب	عوامل درونی، بیرونی و تعاملی جاذبه متقابل از دیدگاه اسلام	۷۶/۵۹
۱۷۱	فلسفه روان‌شناسی	ب	مبانی فلسفی روان‌شناسی از دیدگاه قرآن و سنت	۷۶/۵۸

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۷۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	بخل از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و راه‌های مقابله با آن	۷۶/۵۸
۱۷۳	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ویژگی‌های مبلغ موفق از دیدگاه اسلام با تأکید بر ویژگی‌های بومی-جمعیت‌شناختی	۷۶/۵۷
۱۷۴	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی حجیتِ یافته‌های روان‌شناختی در استنباط احکام شرعی	۷۶/۵۳
۱۷۵	روان‌شناسی سلامت	ب	ارتباط انواع نیایش‌های آیینی، شفاعت‌آمیز و حاجت‌مندانه با بهزیستی روانی با رویکرد دینی	۷۶/۴۲
۱۷۶	روان‌شناسی اخلاق	ب	کارکردهای روان‌شناختی اخلاقی‌بودن از منظر دین و روان‌شناسی	۷۶/۳۵
۱۷۷	روان‌شناسی اجتماعی	ب	راهکارهای شناختی، عاطفی و رفتاریِ مقابله با پیش‌داوری از دیدگاه اسلام	۷۶/۳۱
۱۷۸	روان‌شناسی اخلاق	ب	انواع شخصیت اخلاقی از منظر دین و روان‌شناسی	۷۶/۲۴
۱۷۹	انگیزش و هیجان	ب	هیجان‌های مقدس از دیدگاه قرآن	۷۶/۱۳
۱۸۰	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	انصاف از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۶/۰۶
۱۸۱	مشاوره و روان‌درمانی	ب	تهیهٔ بستهٔ درمان ناامیدی بر اساس منابع دینی	۷۶/۰۵
۱۸۲	فلسفه روان‌شناسی	ب	بررسی تطبیقی مفهوم فطرت از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام	۷۵/۹۴
۱۸۳	روان‌شناسی اخلاق	ب	مبانی روان‌شناختی اخلاق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۵/۹۴
۱۸۴	انگیزش و هیجان	ب	مؤلفه‌های هوش هیجانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۹۳
۱۸۵	آسیب‌شناسی روانی	ب	مسئله‌شناسی احکام شرعی افراد مبتلا به اختلالات روانی	۷۵/۹۲

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۱۸۶	روان‌شناسی رشد	ب	بررسی ویژگی‌های دوران بزرگسالی از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۷۵/۸۴
۱۸۷	فلسفه روان‌شناسی	ب	ارزیابی رویکردهای موجود در روان‌شناسی معاصر با نگرش به آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی-اسلامی	۷۵/۷۷
۱۸۸	فلسفه روان‌شناسی	ب	تبیین روان‌شناختی مفاهیم انسان‌شناسی در منابع اسلامی	۷۵/۷۱
۱۸۹	فلسفه روان‌شناسی	ب	قوای نفس از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۶۵
۱۹۰	روان‌شناسی اجتماعی	ب	تبلیغات و جنگ روانی دشمن در قرآن و حدیث	۷۵/۶۱
۱۹۱	روان‌شناسی شخصیت	ب	تحلیل عوامل و صفات شخصیت از دیدگاه اسلام	۷۵/۵۹
۱۹۲	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس تواضع بر اساس منابع اسلامی	۷۵/۵۸
۱۹۳	روان‌شناسی اخلاق	ب	مبانی نظری روش پژوهش در سنجش رفتارهای اخلاقی بر اساس آموزه‌های دین و روان‌شناسی	۷۵/۵۶
۱۹۴	روان‌شناسی اجتماعی	ب	ساخت مقیاس خودشناسی اسلامی و تهیهٔ بستهٔ آموزشی آن	۷۵/۵۲
۱۹۵	روش تحقیق	ب	روش‌های پژوهش در روان‌شناسی اسلامی	۷۵/۵۲
۱۹۶	روان‌شناسی اخلاق	ب	استدلال اخلاقی از منظر دین و روان‌شناسی	۷۵/۴۵
۱۹۷	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ب	ساخت مقیاس انصاف بر اساس منابع اسلامی	۷۵/۲۶
۱۹۸	روان‌شناسی خانواده	ب	چالش‌های مشاورهٔ خانواده و خانواده‌درمانی با رویکرد دینی	۷۵/۲۱
۱۹۹	روان‌شناسی اجتماعی	ب	بررسی تطبیقی خودشناسی از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۹

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۰۰	انگیزش و هیجان	ب	هیجان‌های خودآگاه از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۷
۲۰۱	روان‌شناسی خانواده	ب	بررسی ویژگی‌های اخلاقی خانواده‌های طلاق در مقایسه با خانواده‌های دارای رضایت زناشویی بر اساس آموزه اخلاقی اسلام	۷۵/۱۵
۲۰۲	روان‌شناسی خانواده	ب	آسیب‌شناسی روابط خویشاوندی همسران از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱۲
۲۰۳	روان‌شناسی شخصیت	ب	تأثیر هیجانات مقدس در رشد شخصیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵/۱
۲۰۴	روان‌شناسی یادگیری	ج	ماهیت آموزش و یادگیری از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۵
۲۰۵	فلسفه روان‌شناسی	ج	رابطهٔ تن و روان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۹۳
۲۰۶	انگیزش و هیجان	ج	انگیزش جنسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۸
۲۰۷	روان‌شناسی سلامت	ج	ارتباط معنویت ایمان‌مدار و معنویت غیرایمان‌مدار با مقابله با بحران‌ها و گرفتاری‌های روزمره	۷۴/۷۹
۲۰۸	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی تطبیقی مفهوم روان در روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر	۷۴/۷۷
۲۰۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	اسناد: ماهیت و علل درک رفتار خود و دیگران از منظر قرآن و حدیث	۷۴/۶۲
۲۱۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	تعریف عملیاتی فطرت و امکان سنجش آن	۷۴/۶
۲۱۱	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی مسائل و موضوعات روان‌شناختی مورد اتفاق روان‌شناسان و کاربرد آن در تدوین روان‌شناسی اسلامی	۷۴/۵۷
۲۱۲	انگیزش و هیجان	ج	نقش هدف‌گذاری دینی در انگیزش انسان از دیدگاه اسلام	۷۴/۵

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۱۳	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی لازم مسئولین جامعه اسلامی و ساخت تست آن	۷۴/۴۳
۲۱۴	روان‌شناسی شخصیت	ج	نقش نظام ارزشی در شکل‌گیری شخصیت با نگرش به منابع اسلامی	۷۴/۴۲
۲۱۵	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	تواضع از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۳۹
۲۱۶	انگیزش و هیجان	ج	هیجان‌ها، انواع آن و کارکردهای آن از دیدگاه قرآن	۷۴/۳۷
۲۱۷	روان‌شناسی اجتماعی	ج	رابطهٔ بین عزت‌نفس و رفتارهای جامعه‌پسند از دیدگاه اسلامی	۷۴/۳۳
۲۱۸	مشاوره و روان‌درمانی	ج	تأثیر آموزه‌های دینی در کاهش جهل و نادانی	۷۴/۳
۲۱۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	خلاقیت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۴/۱۸
۲۲۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	بررسی مقایسه‌ای مفهوم نیت با سایر مفاهیم روان‌شناختی هم‌تراز آن	۷۴/۱
۲۲۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس خلاقیت بر اساس منابع اسلامی	۷۴
۲۲۲	فلسفه روان‌شناسی	ج	مبانی معنی‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۳/۹۳
۲۲۳	روان‌شناسی رشد	ج	مراحل رشد اخلاقی انسان از دیدگاه اسلام و مقایسه با مراحل رشد اخلاقی کلبرگ	۷۳/۸۸
۲۲۴	روان‌شناسی سلامت	ج	آثار مقابله‌ای شکل‌های مختلف نیایش از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۳/۸۶
۲۲۵	روان‌شناسی شخصیت	ب	واجبات دینی و تأثیر آن بر رشد شخصیت	۷۳/۸۳
۲۲۶	روان‌شناسی اخلاق	ج	احساس گناه و شرم از منظر دین و روان‌شناسی	۷۳/۶۵
۲۲۷	روان‌شناسی اجتماعی	ب	گروه‌های تکفیری (داعش) و تصورات قالبی دربارهٔ مسلمانان	۷۳/۵۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۲۸	روان‌شناسی اجتماعی	ج	تحلیل روان‌شناختی مراسم سوگواری و عزاداری در قرآن و حدیث و آثار روان‌شناختی آن	۷۳/۳۸
۲۲۹	فراروان‌شناسی	ج	ماهیت تجربه دینی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۳/۳۴
۲۳۰	روان‌شناسی شخصیت	ج	صفت شخصیتی سخت‌رویی ویژگی‌های آن از دیدگاه اسلام	۷۳/۳۱
۲۳۱	روان‌شناسی اجتماعی	ج	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر در میل به مشارکت اجتماعی جوانان و راهکارهای افزایش آن با تأکید بر منابع اسلامی	۷۳/۲۲
۲۳۲	روان‌شناسی اجتماعی	ج	تیپ‌های شخصیتی مخاطبین و سبک‌های تبلیغی دینی مؤثر	۷۳/۲۱
۲۳۳	مشاوره و روان‌درمانی	ج	بررسی فرایند مشاوره و درمان از دیدگاه اسلام	۷۳/۰۴
۲۳۴	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی طلبه‌های موفق از منظر دین و روان‌شناسی	۷۲/۸۸
۲۳۵	روش تحقیق	ج	آسیب‌شناسی سنجش دین‌داری	۷۲/۸۵
۲۳۶	روان‌شناسی سلامت	ج	ارتباط تصویر ذهنی روان‌شناسی مثبت‌گرا و منفی از خود با تصویر ذهنی از خدا: تفاوت جنسی	۷۲/۶۶
۲۳۷	روان‌شناسی رشد	ج	رابطه میزان توکل به خدا با عزت‌نفس	۷۲/۴۲
۲۳۸	روش تحقیق	ج	نقش مفهوم‌شناسی دینی در ساخت مقیاس	۷۲/۴
۲۳۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	هم‌نوایی و مقاومت (فردی و گروهی) در قرآن و حدیث با رویکرد روان‌شناختی	۷۲/۳۷
۲۴۰	روان‌شناسی اجتماعی	ج	عوامل درونی و بیرونی مؤثر در شکل‌گیری و تقویت رفتار یاری‌رسان از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناختی	۷۲/۳۴

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۴۱	فلسفه روان‌شناسی	ج	مروری بر تاریخچه و نظریه‌های موجود در روان‌شناسی اسلامی	۷۲/۳۳
۲۴۲	فلسفه روان‌شناسی	ج	تعریف، مؤلفه‌ها، مراتب، انواع و کاربردهای هشیاری از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۲/۳
۲۴۳	روان‌شناسی رشد	ج	بررسی تطبیقی مفهوم مرگ و نقش آن در بهبود عملکرد در زندگی از دیدگاه قرآن و سنت	۷۲/۲۷
۲۴۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس احتیاط و دوراندیشی بر اساس منابع اسلامی	۷۲/۱
۲۴۵	روان‌شناسی یادگیری	ج	طراحی الگوی مدیریت دینی - روان‌شناختی مراکز آموزشی	۷۲/۰۷
۲۴۶	روان‌شناسی رشد	ج	اثر باورهای منطقی- غیرمنطقی والدین بر سبک‌های تربیتی اسلامی	۷۲/۰۴
۲۴۷	روان‌شناسی اخلاق	ج	نقش نیت در رفتارهای اخلاقی	۷۲
۲۴۸	فلسفه روان‌شناسی	ج	شناسایی نقاط اشتراک و افتراق پیش‌فرض‌های فلسفیِ روان‌شناسی با پیش‌فرض‌هایِ دینی	۷۱/۸۱
۲۴۹	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	احتیاط و دوراندیشی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۸۱
۲۵۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	مبانی منطقی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۷۱/۸
۲۵۱	روان‌شناسی اجتماعی	ج	صفات رهبر و شیوه‌های رهبری از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناختی	۷۱/۷۶
۲۵۲	روان‌شناسی یادگیری	ج	اهداف یادگیری و آموزش در اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۷۶
۲۵۳	روان‌شناسی شخصیت	ج	بررسی مفهوم عقل و قلب و نقش آن در ساختار شخصیت	۷۱/۶۲

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۵۴	انگیزش و هیجان	ج	طبقه‌بندی نیازهای اجتماعی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۴۳
۲۵۵	روان‌شناسی اجتماعی	ج	مفهوم‌شناسی، مصادیق و ارتباط پیش‌داوری با مؤلفه‌های شخصیت از منظر اسلام و روان‌شناسی	۷۱/۴۲
۲۵۶	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس عفو و گذشت بر اساس منابع اسلامی	۷۱/۴۰
۲۵۷	روان‌شناسی اجتماعی	ج	علل و پیامدهای همکاری یا تعارض گروهی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناسی	۷۱/۳۷
۲۵۸	روان‌شناسی سلامت	ج	مقابله‌های دینی مفید، مضر و بی‌حاصل از دیدگاه اسلام	۷۱/۱۷
۲۵۹	روان‌شناسی اجتماعی	ج	بررسی علل روانی- اجتماعی کناره‌گیری از نهادهای دینی	۷۰/۹۳
۲۶۰	فلسفه روان‌شناسی	ج	درآمدی بر کاربرد مباحث اصول فقه در تأسیس روان‌شناسی اسلامی	۷۰/۸۷
۲۶۱	مشاوره و روان‌درمانی	ج	بررسی تطبیقی درمان فراشناختی، درمان‌شناختی-رفتاری و درمان یکپارچه توحیدی	۷۰/۸۶
۲۶۲	روان‌شناسی اخلاق	ج	مقایسه تطبیقی نیت در آموزه‌های دینی و انگیزه اخلاقی در روان‌شناسی	۷۰/۸۱
۲۶۳	روان‌شناسی رشد	ج	بررسی تأثیر مناسک حج بر دلبستگی و حرمت خود	۷۰/۷۷
۲۶۴	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	ساخت مقیاس غرقگی (شیفتگی)[1] بر اساس منابع اسلامی	۷۰/۵۳
۲۶۵	روان‌شناسی اجتماعی	ج	عوامل شکل‌گیری برداشت اولیه و مدیریت آن از منظر قرآن و حدیث	۷۰/۵۲
۲۶۶	روان‌شناسی شخصیت	ج	ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام و بررسی تطبیقی آن با دیدگاه فروید	۷۰/۵۲

1. flow

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۶۷	روان‌شناسی سلامت	ج	بررسی رضایت از زندگی با رویکرد دینی در دین‌داران و همسران آنان	۷۰٫۴۱
۲۶۸	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران سیاسی بر اساس دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۷۰٫۳۸
۲۶۹	فراروان‌شناسی	ج	مدل کلی اسلام درباره مکاشفات با رویکرد روان‌شناختی	۷۰٫۳۴
۲۷۰	روان‌شناسی اجتماعی	ج	شیوه‌های روان‌شناختی جذب جوانان به تحصیل در حوزه علمیه	۷۰٫۳۲
۲۷۱	روان‌شناسی سلامت	ج	جایگاه تسلط و معنا در مقابله‌های دینی از دیدگاه اسلام	۷۰٫۲۸
۲۷۲	روان‌شناسی رشد	ج	رابطه رشد مفاهیم اخلاقی و دینی با رشد شناختی	۷۰٫۲۷
۲۷۳	فراروان‌شناسی	ج	ساخت مقیاس اندازه‌گیری تجربه عرفانی از دیدگاه اسلام	۷۰٫۲۵
۲۷۴	روش تحقیق	ج	روش‌شناسی کشف مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی	۷۰٫۱۹
۲۷۵	روان‌شناسی شخصیت	ج	بررسی تطبیقی شخصیت از دیدگاه اسلام و نظریه شخصیت یونگ	۷۰٫۱۴
۲۷۶	روان‌شناسی رشد	ج	سیر تحول مفهوم مرگ و قیامت در کودکان و ساخت بستهٔ آموزشی آن	۷۰٫۰۴
۲۷۷	انگیزش و هیجان	ج	انگیزش ناهشیار از دیدگاه اسلام	۷۰٫۰۳
۲۷۸	روان‌شناسی سلامت	ج	رابطه سفرهای تبلیغ کوتاه‌مدت و بلندمدت روحانیون بدون خانواده با سلامت روان طلاب و خانواده‌های آنان	۶۹٫۹۳
۲۷۹	روش تحقیق	ج	نقد روش پژوهش تجربی در روان‌شناسی و موارد استفاده روان‌شناسان از روش غیرتجربی (کاستی‌های روش تجربی)	۶۹٫۸۵
۲۸۰	روش تحقیق	ج	سنجش دین‌داری؛ محدودیت‌ها و موانع	۶۹٫۷۸

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۸۱	روان‌شناسی مثبت‌گرا	ج	غرقگی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۹/۷
۲۸۲	مشاوره و روان‌درمانی	ج	اثربخشی درمان‌شناختی-رفتاری با رویکرد دینی در مقایسه با درمان‌شناختی رفتاری در مبتلایان به پارانویید	۶۹/۶۱
۲۸۳	روان‌شناسی خانواده	ج	مقایسه میزان کارآمدی خانواده‌های روستایی و شهری بر اساس پرسش‌نامه خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام	۶۹/۱۵
۲۸۴	فراروان‌شناسی	ج	ماهیت و انواع تجربه‌های دمِ مرگ از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۹/۱۳
۲۸۵	فراروان‌شناسی	ج	فرایند پدیده‌های فراروان‌شناسی از دیدگاه اسلام	۶۹/۱۳
۲۸۶	روان‌شناسی اجتماعی	ج	ویژگی‌های روان‌شناختی امام جماعت موفق	۶۹/۱
۲۸۷	روش تحقیق	ج	مبانی دین‌شناختی ساخت مقیاس‌های دین‌داری	۶۹/۰۴
۲۸۸	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره در رویکردهای فمینیستی با رویکرد اسلامی	۶۸/۵۷
۲۸۹	روان‌شناسی سلامت	د	رابطه کیفیت زندگی با سبک‌های مختلف نیایش	۶۸/۱۷
۲۹۰	روان‌شناسی اجتماعی	د	منابع بالقوه خطا در نگرش‌های دینی و شناخت اجتماعی	۶۸
۲۹۱	روان‌شناسی خانواده	د	بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد تسهیل‌گر ازدواج با رویکرد دینی	۶۷/۹۶
۲۹۲	روان‌شناسی اجتماعی	د	بررسی سبک‌ها و مؤلفه‌های روان‌شناختی مبلغان مشهور گذشته	۶۷/۶۹
۲۹۳	روان‌شناسی یادگیری	د	ساخت تست غربال‌گری گزینش طلاب در ویژگی‌های شخصیتی، هوشی و آسیب‌شناسی روانی	۶۷/۵۶

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۲۹۴	روان‌شناسی یادگیری	د	بررسی سطح انگیزشی طلاب در علم‌آموزی و مقایسه آن با اصناف دیگر	۶۷/۴۸
۲۹۵	روان‌شناسی رشد	د	شناسایی عوامل روان‌شناختی مؤثر در سلامت روان سالمندان از دیدگاه دین و روان‌شناسی	۶۷/۴۸
۲۹۶	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره انسان‌گرایی / وجودی با رویکرد اسلامی	۶۷/۳۲
۲۹۷	روان‌شناسی اجتماعی	د	ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران سیاسی مسلمان	۶۷/۳۱
۲۹۸	فراروان‌شناسی	د	نظریه‌های مکاتب روان‌شناسی و اسلام راجع به تجربه عرفانی	۶۷/۱۳
۲۹۹	روان‌شناسی اجتماعی	د	بررسی علل روان‌شناختی تلبس موقت طلاب به لباس روحانیت و پیش‌بینی روند آن	۶۷/۰۷
۳۰۰	روان‌شناسی یادگیری	د	بررسی نقاط قوت و ضعف نظام‌های تشویقی در نظام آموزشی حوزه علمیه	۶۶/۸۳
۳۰۱	روان‌شناسی اجتماعی	د	انواع تبدل و علل از منظر اسلام و روان‌شناسی	۶۶/۸۱
۳۰۲	فراروان‌شناسی	د	علوم غریبه از دیدگاه اسلام و فراروان‌شناسی	۶۶/۵۳
۳۰۳	فراروان‌شناسی	د	بررسی و تبیین رؤیت حضرت (عج) در سه قلمروی فراطبیعی، ذهنی‌گرایانه و عصب‌فیزیولوژیکی	۶۶/۴۱
۳۰۴	روان‌شناسی اجتماعی	د	ماهیت، زمینه‌ها و عوامل روان‌شناختی تمایل به جهاد و آثار آن در اسلام	۶۶/۳۷
۳۰۵	مشاوره و روان‌درمانی	د	نقد و ارزیابی مبانی درمان و مشاوره در روانکاوی با رویکرد اسلامی	۶۵/۷۳
۳۰۶	روان‌شناسی اجتماعی	د	رهبری زنان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۵/۲۱

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش	اولویت	نیازهای پژوهشی	نمره
۳۰۷	فراروان‌شناسی	د	بررسی تطبیقی مقیاس اندازه‌گیری عرفان «هود» با مقیاس تجربه عرفانی از دیدگاه اسلام	۶۴/۷۱
۳۰۸	فراروان‌شناسی	د	ماهیت، انواع دورآگاهی و دورجنبانی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی	۶۳/۴۱
۳۰۹	فراروان‌شناسی	د	استفاده از یافته‌های روان‌شناسی تجربه دینی در ارزش استنادی تجربه دینی	۶۳/۳۴
۳۱۰	روش تحقیق	د	روش سازه‌گرایی اجتماعی در بررسی پدیده‌های دینی	۵۸/۳۵
۳۱۱	روان‌شناسی یادگیری	د	نقش قومیت و نژاد در پیشرفت تحصیلی طلاب علوم دینی	۵۷/۷۹

آنچـه در جـدول بـالا آمده اسـت، تفصیلـی از اولویت‌های پژوهشـی به‌دسـت‌آمده در عرصه روان‌شناسی اسلامی است. یافته‌های به‌دست‌آمده، به‌طور خلاصه نیز در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳: اولویت‌های پژوهشی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی به تفکیک در ۴ بخش

ردیف	گرایش روان‌شناسی	تعداد نیاز به‌دست‌آمده در روان‌شناسی اسلامی برحسب اولویت				تعداد نیاز	درصد هر گرایش نسبت به کل
		اولویت الف	اولویت ب	اولویت ج	اولویت د		
۱	اجتماعی	۸	۱۷	۱۸	۸	۵۱	۱۶/۳۹
۲	شخصیت	۱	۹	۵	-	۱۵	۴/۸۲
۳	سلامت	۷	۵	۷	۳	۲۲	۷/۰۷
۴	روش تحقیق و روان‌سنجی	-	۱	۵	۲	۸	۲/۵۷
۵	خانواده	۱۱	۱۱	۲	۱	۲۵	۸/۰۳
۶	مشاوره و روان‌درمانی	۴	۱۵	۴	۳	۲۶	۸/۳۶

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

ردیف	گرایش روان‌شناسی	تعداد نیاز به‌دست‌آمده در روان‌شناسی اسلامی برحسب اولویت				تعداد نیاز	درصد هر گرایش نسبت به کل
		اولویت الف	اولویت ب	اولویت ج	اولویت د		
۷	مثبت	۲۱	۳۹	۸	–	۶۸	۲۱/۸۶
۸	آسیب‌شناسی روانی	–	۶	–	–	۶	۱/۹۹
۹	اخلاق	۲	۷	۳	–	۱۲	۳/۸۵
۱۰	انگیزش و هیجان	۲	۶	۵	–	۱۳	۴/۱۸
۱۱	فلسفه روان‌شناسی	۱	۱۲	۱۱	–	۲۴	۷/۷۱
۱۲	رشد	۳	۱۱	۷	۱	۲۲	۷/۰۷
۱۳	یادگیری	–	۱	۳	۴	۸	۲/۵۷
۱۴	فراروان‌شناسی	–	–	۵	۵	۱۰	۳/۲۱
جمع	۱۴	۶۰ (۱۹/۲۹)	۱۴۰ (۴۵/۰۱)	۸۳ (۲۶/۶۸)	۲۸ (۹/۰۰)	۳۱۱	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

نیازسنجی، مرحله‌ای بسیار مهم و اثرگذار در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی است که ذهن پژوهشگران و متولیان امر پژوهش را به خود معطوف می‌سازد. در هر برنامه پژوهشی، باید به این پرسش پاسخ داد که نیازهای پژوهشی در عرصه یک دانش چیست و در چه موضوعاتی باید پژوهش شود؟ بنابراین، چنانچه نیازهای پژوهشی بر اساس فرایند علمی و معتبر شناسایی نشود و پژوهش‌ها با نیازهای واقعی ارتباطی منطقی نیابد، گسستی عمیق و اساسی بین نتایج پژوهش و نیازهای جامعه و بهره‌وران علم نمایان خواهد شد. اما در اکثر موارد، رویهٔ حاکم بر تدوین متون و انتشار فراخوان‌های پژوهشی، برنامه‌ریزی منسجم ندارد و غالباً منجر به پژوهش‌های بی‌ارتباط به هم، غیرمؤثر و ناکارآمد می‌شود (فتحی واجارگاه و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به بررسی‌ها و ارزیابی‌های صورت‌گرفته، مشخص شد، فعالیت علمی و روشمندی در خصوص نیازسنجی و اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی وجود ندارد. بنابراین یک نوع خلأ پژوهشی احساس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

می‌شـد تا از این طریق پژوهش‌های این حوزه سازمان‌دهی شوند و از موازی‌کاری، پراکنده‌کاری و صرف منابع پژوهشـی در حوزه‌های فاقد اولویت جلوگیری به عمل آید. پژوهش حاضر نخسـتین اولویت‌یابی پژوهشـی در حوزه روان‌شناسـی اسلامی اسـت و می‌تواند به پژوهش‌های آتی در این زمینه کمک شـایانی کند. یکی از مزیت‌های تحقیق حاضر، اسـتفاده از منابع متعدد (اشاره‌شده در بخش روش تحقیق)، برای شناسـایی نیازهای پژوهشـی اسـت. همچنین در روش اولویت‌یابی از دو روش «دلفی» و «چک‌لیسـت‌ها» استفاده گردید. از مزیت‌های این دو روش می‌توان به استفاده از افـراد بـا دانش، مهارت کافی و دارای مسـئولیت پژوهشـی در روش دلفی، و برقـراری ارتباط و تعامـل با گروه هدف (پژوهشـگران و متخصصان) در روش چک‌لیسـت اشـاره کـرد؛ به‌طور کلی فرایند مشـارکت افراد و گروه‌های مختلف با دانش تخصصی باعث غنی‌شـدن الگوی شناسـایی و اولویت‌یابـی نیازهای پژوهشـی، به‌وجودآمدن بینش پژوهش، ایجاد احسـاس مالکیت و تعهد در انجام طرح‌های پژوهشی و تخصیص بهینهٔ منابع مالی به آن‌ها می‌شود (کیسی، ۲۰۰۱).

از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، دست‌یابی به ۳۱۱ عنوان پژوهشی در ۱۴ گرایش روان‌شناسی اسـت. نتایج نشـان داد که بیشـترین اولویـت در نیازهای شناسایی‌شـده در گرایش روان‌شناسـی مثبت‌گرا و روان‌شناسـی اجتماعی به ترتیب با اختصاص ۲۱/۸۶، ۱۶/۳۵ درصد از کل نیازهاست. یافته‌های پژوهش حاضر نشـان داد که در کل بیشـتر نیازهای شناسایی‌شده، در گسترهٔ روان‌شناسی مثبـت قرار دارنـد. این امر نشـان‌دهندهٔ اهمیت ایـن گرایش در دسـتیابی به اهـداف کوتاه‌مدت و بلندمدت جامعه اسـلامی و نیز ارتباط تنگاتنگ روان‌شناسی مثبت با اسلام است. از سویی دیگر، دسـتیابی به اهداف و آرمان‌های حکومت و جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسـلامی اقتضا می‌کند که به مباحث گوناگون روان‌شناسی مثبت همچون شادمانی، امید، خوش‌بینی، رضایت، بخشش، مراقبه و به‌طور کلی به تغییرات مثبت در جامعه و بهره‌مندی از نیرومندی‌ها و فرصت‌ها توجه ویژه‌ای شود (شهیدی، ۱۳۸۸). با توجه به نکات فوق، چراییِ شناسایی بیشترین حیطهٔ نیاز پژوهشی در قلمروی روان‌شناسـی مثبت، بر ما آشکار می‌شود. از سـوی دیگر، مهم‌ترین قلمرویی که آموزه‌های دینی را به روان‌شناسی مربوط می‌کند، اخلاق است و روان‌شناسی مثبت‌گرا، گرایشی از روان‌شناسی است که می‌کوشـد فضایـل بنیادین اخلاقی را در قالب اصطلاحات روان‌شناسـی بگنجاند (پترسـون[1] و سـیلیگمن،[2] ۲۰۰۴) و نیز بر اسـاس آمار انجمن روان‌شناسـی آمریکا و نیز خلاصه آمار آموزشی

1. Peterson.

2. Seligman.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

سـالانه آمریکا (سیندر[1] و دایلو،[2] ۲۰۱۰)، روان‌شناسـی اجتماعی، پرطرفدارترین گرایش پژوهشی ـ آموزشـی در میان گرایش‌های روان‌شناسی است. حدود ۲۵ درصد از پژوهش‌های روان‌شناختی، به حیطه روان‌شناسـی اجتماعی اختصاص دارد. این آمار، گسـتردگی، اهمیت و نیاز به پژوهش در روان‌شناسی اجتماعی را می‌رساند (وین،[3] ۲۰۰۲). از طرفی کمترین نیازهای شناسایی‌شده متعلق به گرایش‌های آسیب‌شناسـی روانی، روش پژوهش و روان‌سـنجی به ترتیـب با اختصاصِ ۱/۹۹ و ۲/۵۷ درصد از کل نیازهاست. تعداد کم نیازهای پژوهشی در گرایش آسیب‌شناسی روانی به‌علت توجه ویژهٔ متخصصان روان‌شناسـی اسلامی به روان‌شناسـی مثبت و هم‌خوانی آن با موضوعات و مباحث دینی در روان‌شناسی اسلامی است که در پی توجه علم روان‌شناسی معاصر به موضوعات مثبت مانند شـادی، سـلامت ذهن، عواطف مثبـت، معنویت و فضایل اخلاقـی به‌جای تمرکز بر آسیب‌شناسی روانی به وجود آمده است. اما در گرایش روش‌پژوهش و روان‌سنجی، تعداد نیازهای به‌دسـت‌آمده با توجه بـه نقش تعیین‌کنندهٔ این گرایش‌ها در جهت‌دهی پژوهش‌های بین‌رشـته‌ای و تأثیر آن‌ها در تولید علم و نظریه‌پردازی محدود اسـت که پیشـنهاد می‌شود در نیازسنجی‌های آینده به این مسئله توجه بیشتری شود. البته نکته درخور توجه این است که بخش قابل‌توجهی از نیازهای پژوهشـیِ شناسایی‌شـدهٔ مرتبط با این گرایش که به موضوع ساخت مقیاس در موضوعات مختلف روان‌شناسـی با رویکرد اسـلامی مربوط می‌شـد، در گرایش‌های دیگر گنجانده شـد و این یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش نیازهای پژوهشی در این گرایش است.

یافته‌هـای پژوهـش حاضـر در بخـش اولویت‌یابی نشـان داد کـه ۱۹/۲۹ درصـد از نیازهای پژوهشـی به اولویت «الف»، ۴۵/۰۱ درصد از نیازهای پژوهشی به اولویت «ب»، ۶۸/۲۶ درصد از نیازهای پژوهشـی به اولویت «ج» و ۹ درصد از نیازهای پژوهشـی به اولویت «د»، اختصاص دارند. تحلیل‌های بیشـتر نشـان داد که نیازهای شناسایی‌شـده در گرایش روان‌شناسی مثبت با ۳۵ درصد اولویت «الف»، بیشـترین اولویت «الف» در بین گرایش‌ها را دارد. این موضوع نشان‌دهندهٔ اهمیت گرایش روان‌شناسـی مثبت و نقش بسـزای این گرایش در تحول دینی جامعه اسـت. به‌طور کلـی نتایج پژوهش حاضـر به محققین، دانشـجویان و دیگر افراد علاقه‌منـد، در انتخاب موضوع پژوهـش و برقـراری ارتباط با این موضوعات کمک می‌کند. یافته‌ها نشـان می‌دهـد که تنها پس از

1. Synder.
2. Dillow.
3. Wayne.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

اجرای شناسـایی نیازهای پژوهشی و اولویت‌یابی آن‌ها، پژوهشگر یا سازمان می‌تواند مبنای علمی و منطقی معیّنی را برای فعالیت پژوهشی خود فراهم نماید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود. ۱۳۸۵. «مناسبت‌های دین و روان‌شناسی». **فصلنامه پژوهش و حوزه ویژه دین و روان‌شناسی.** سال هفتم: ش۱.

۲. ارفع بلوچی، فاطمه؛ کارشکی، حسین؛ آهنچیان، محمدرضا. ۱۳۹۰. «**ضرورت نیازسنجی پژوهشی در پژوهش‌های سازمانی ارائه شده در دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری**». پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت ۱۰-۱.

۳. امینی، ابوالقاسم؛ شقاقی، عبدالرضا؛ صداقت، کامران. ۱۳۸۴. «معرفی یک الگوی نیازسنجی جامع و کاربرد آن در آموزش مداوم پزشکی». **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.**

۴. جعفری فریبا؛ یوسفی، علیرضا. ۱۳۸۳. «نظرات مدیران و کارشناسان آموزش مداوم کشور در خصوص ویژگی‌های الگوی کارآمد نیازسنجی پزشکان، داروسازان و دندان‌پزشکان». **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.** شماره۲۲.

۵. رحیمی‌نژاد، عباس؛ عاشقی، حسن؛ مهاجر، یحیی؛ بیگی، طاهره. ۱۳۸۸. **اجرای مدل تعیین اولویت‌های پژوهشی در سازمان آموزش‌وپرورش.**

۶. زارعیان جهرمی آرمین، احمدی فضل. ۱۳۸۴. «نیازسنجی یادگیری در دوره کارشناسی پرستاری، یک مطالعه کیفی». **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.** شمار ۱۵.

۷. سعیدی رضوانی، محمود؛ آهنچیان، نرگس. ۱۳۸۶. «مقایسه نظری و تجربی (علمی) رویکردهای کل‌نگر و جزنگر نیازسنجی آموزشی (در مورد شرکت برق منطقه خراسان)». **مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی** ش ۱ (پیاپی ۱۵)

۸. شهیدی، شهریار. ۱۳۸۸. «**روان‌شناسی مثبت‌نگر؛ طبقه‌بندی توانمندی‌های انسان و نقش آن در سلامت روان**». همایش ملی معناداری زندگی دانشگاه اصفهان.

۹. شهیدی، شهلا؛ چنگیز، طاهره؛ سلمان‌زاده، حسین؛ یوسفی علیرضا. ۱۳۸۸. «مؤلفه‌های مؤثر در نیازسنجی برنامه‌های آموزشی مداوم، ارائه راهنمای کاربردی برای انتخاب و به‌کارگیری الگوها و فنون نیازسنجی». **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.** زمستان ۸۸.

۱۰. عمادزاده علی؛ بحرینی طوسی، سیدمحمدحسین؛ یاوری، ؛ صدیق بهزادی، شکرانه. ۱۳۸۴. «نظرات مدیران و اعضا هیئت‌علمی در زمینه نیازسنجی آموزشی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد». **مجله آموزش در علوم پزشکی.** ش۱۴ ویژه نامه هفتمین همایش کشوری آموزش پزشکی.

۱۱. غروی، سید محمد و مسعود آذربایجانی. ۱۳۸۵. «مناسبات روان‌شناسی و علوم انسانی». **نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری.** ش ۲۵، ۲۱۲- ۱۸۵.

۱۲. فتحی واجارگاه، کوروش. ۱۳۸۹. «**الگوی پیشنهادی اولویت‌یابی پژوهشی برای حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی**». ارائه شده به معاونت پژوهش حوزه علمیه قم. منتشرنشده.

۱۳. فتحی واجارگاه، کوروش. ۱۳۸۵. **نیازسنجی پژوهشی مسئله‌یابی پژوهشی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی.** تهران. نشر آییژ.

۱۴. فتحی واجارگاه، کوروش. ۱۳۸۷. **نیازسنجی پژوهشی مسئله‌یابی پژوهشی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی.** تهران. نشر آییژ.

۱۵. کریمی غریب؛ دماری، بهزاد؛ قره‌باغیان، احمد؛ رهبری، مریم؛ وفاییان، ویدا؛ میناب، سالمی الهام. تابستان ۱۳۸۴. «**نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در مرکز پژوهش‌های سازمان انتقال خون ایران**»، خون.

۱۶. معاونت پژوهش حوزه علمیه قم. ۱۳۸۸. **اولویت‌های پژوهشی دستگاه‌های علمی-اجرایی در حوزه دین- سال ۱۳۸۶**، قم. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

17. Belzen,J.A. (2010). *Towards cultural psychology of religion.* London, New York: Spiringer.

18. Calsyn RJ, Wineter JP. (1999). *Understanding and controlling response bias in*

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]

need assessment studies. Eva Rev 23(4): 399-417.
19. Hefferon.K& I. Boniwell.I.(2011). *Positive psychology: Theory, Research & Applications.* Berkshire: Open University Press.
20. Kissi, A. (2001). *Use of Constraint Trees in Research Planning.in Planning Agricultural Research: A Sourcebook*. Wallingford: CAB International. Pp 50- 65.
21. Peterson, C., & Seligman, M. E.P. (2004).*Character strengths and virtues: A handbook and classification.* Washington, DC: American Psychological Association.
22. Reviere, R., Berkowitz, S., Carter, C., & Ferguson, C. (1996). *Needs Assessment: A Creative and Practical Guide for Social Scientists.* New York: Taylor & Francis Ltd.
23. Synder, T, D & Dillow, S, A(2010); Digest Of Education Statistics 2009 NCES (2010). *National Center for Education Statistics, Institute of Education Sciences, U.S. Department of Education.* Washington, DC.
24. Wayne, W. (2002). *Psychology themes and variations*. Wadsworth Publishing.
25. Wulff, D. M. (2002). *Psychology of religion: An overview.* In D. Jonet-Pace & W. B. Parsons (Eds.). Religion and Psychology: Mapping the Terrain. New York: Routledge.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.1.5.1]